

زندگی نامه چهره های قرانی کشور



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بعد حمد و ثنای خداوند حکیم و درود و سلام بر سرور انبیاء محمد صلی الله علیه و اله
و سلم

یکی از بزرگترین هدایای خالق منان به بشریت، قرآن کریم می باشد. خداوند چون
بندگان را دوست دارد برای اینکه آنان به کمال برسند و هدایت یابند، به آنان هدایای
بسیار با ارزشی داده که بزرگترین آنها قرآن و اهل بیت ع می باشند.
قرآن کتابی است که :

* انسان را به بهترین آئین هدایت می کند: ان هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم اسراء ۹

* باعث بیداری انسانها از غفلت است: ان هو الا ذکر للعالمین. ص ۸۷

* پر از مثلها و اندرزها و اسرار خلقت و نظام آفرینش است: ولقد ضربنا للناس فی

هذا القرآن من کل مثل لعلهم یحذرون. زمر ۲۷

* چون خالی از هرگونه کجی و نادرستی است، باعث تقوای انسانهای گردد: قرآناً

عربياً غیر ذی عوج لعلهم یتقون. زمر ۲۸

* جدا کننده حق از باطل است: شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات

من الهدی' والفرقان. بقره ۱۸۴

*نور است و با نور خود، افراد را به راه راست هدایت می کند: کتاب انزلناه الیک
لتخرج الناس من الظلمات الى النور. ابراهیم ۱

*برای مؤمنین، شفا و هدایت و برای ظالمین و ستمکاران، ضرر و گمراهی بیشتر
است: وُنَزِّلَ الْقُرْآنَ شَفَاءً وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا. اسراء ۸۲
و...

خدا خود صفات و نامهایی را برای قرآن ذکر کرده است از جمله:

نور، مبین، فرقان، هدی، کتاب، کریم، رحمت، مصدق، نذیر، بینة،
حکم، عدل، بیان، روح، بشری، تبیان، مجید، حکیم، عزیز، موعظة
، تذکرة، کوثر، بلاغ، تنزیل، صدق، برهان، قیم، حق، عجب، عربی،
مهیمن، مرفوعة، مطهرة، نبأ، متشابه، بصائر، علی، تفصیل، امر، احسن الحدیث و..
رسول خدا(ص):

«هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

«کسی که در دلش از قرآن خالی است، مثل خانه خراب است»

«هرگاه دوست دارید با خدا حرف بزنید قرآن بخوانید.»

«قرآن را خوانده و آنرا ظاهر کنید که خداوند دلی را که از قرآن پر شده عذاب نکند.»

«هر که قرآن بخواند، نبوت در دلش وارد شده غیر اینکه به او وحی نمی شود.»

«اگر دوست دارید که مثل افراد سعادت‌مند زندگی کرده و مانند شهیدان بمیرید و در روز قیامت نجات یابید و در حرارت قیامت در سایه باشید و در روز گمراهی کافران، هدایت یافته باشید پس با قرآن انس بگیرید که کلام خداوند رحمن است و پناهگاهی در مقابل شیطان و باعث سنگینی میزان است.»

«فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنست که در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنست که برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»

«خانه ای که در آن قرآن تلاوت می شود و یاد خدا در آن می گردد، برکتش زیاد شده و ملائکه در آن حاضر می شوند و شیاطین از آن فرار می کنند و آن خانه برای اهل آسمان می درخشد همانگونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند.»

امیر مؤمنان (ع):

«اگر بخواهم آن قدر در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم که اگر از آن کتابی تشکیل دهید، بار هفتاد شتر می شود. و فرمود: از فتنه ها از من پرسید و بدانید که من خبر دارم در کجای زمین چه فتنه ای واقع می شود و چه کسی در کجای زمین کشته می شود و می میرد! از راههای آسمان از من سؤال کنید که حقیقتاً من به راههای آسمان از زمین آشنا ترم!»

«بدانید که این قرآن، ناصحی است که کلک نمی زند. و هدایتگری است که گمراه نمی نماید و سخنگویی است که دروغ نمی گوید و هر که با قرآن همنیشنی کرد، هدایتش زیاد و گمراهیش کم شد.»

«زیباترین قصه و بلیغ ترین موعظه و سودمندترین تذکر کتاب الهی است.»

«پنج چیز نور چشم را زیاد می کند: نگاه به کعبه، نگاه به خط قرآن، نظربه روی والدین، نگاه به صورت عالم و نگاه به آب جاری.»

«امام علی (ع) خطاب به پسرش: علم را با تعلیم قرآن و تأویل آن و تعلیم شرایع اسلام و احکام قرآن و حلال و حرام آن شروع کن و سراغ علم دیگری نرو.»

«قرآن ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است.»

امام صادق (ع): «خواندن قرآن از روی مصحف باعث تخفیف عذاب پدر و مادر اگر چه کافر باشند، می شود»

امام عسگری(ع): «خطاب به شیعیان: شما را سفارش می کنم به: تقوا، ورع در دین، تلاش برای خدا، سخن راست، امانتداری خواه امانت مال فاجر باشد یا نیکو کار، سجده های طولانی، خوب همسایگی کردن،...

تقوا پیشه کنید وزینت ما باشید نه عیب ما!

زیاد بیاد خدا باشید و مرگ را یاد کنید و قرآن تلاوت کرده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید که در صلوات ده حسنه است.»

«امام سجاد(ع): اگر همه اهل زمین بمیرند و من باشم و قرآن. من دچار وحشت نمی شوم.»

«

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (س) و برپایی نظام اسلامی در کشورمان، تحولی بزرگ در اشاعه قران و اهل بیت در ایران و بلکه در جهان رخ داد. هزاران نفر در کشورمان به امر اشاعه قران و اهل بیت ع مشغول شدند. در مساله قران کریم، صدها دارالقران تاسیس گردید. هزاران نوجوان و جوان با قران آشنا شدند و عده ای قاری و عده ای حافظ و عده ای استاد قران شدند. انهایی که با قران مانوس شدند به درجات بالای معنوی رسیدند. واز کوثر قران نوشیدند و سیراب شدند.

دهها تفسیر قران نوشته شده و صدها عنوان کتاب درباره قران کریم این گنج عظیم تالیف شده. است. شبکه های مختلف رادیویی و تلویزیونی تاسیس شده. دانشکده های قرانی آغاز بکار کرده است.

رهبر عزیزمان ارزوی تشکیل جامعه قرانی چهارده میلیونی دارند که باید همه برای تحقق ان تلاش نمایند.

در این کتاب به زندگی نامه تعدادی از قاریان و حافظان کشورمان اشاره شده است که به تحولات مثبتی که به برکت قران کریم در زندگی شخصی و کاری انها پیش آمده توجه شده است.

قاریان و حافظان ممتاز و مترجمان قرآن کریم

سید محمد حسین طباطبائی قاری ممتاز قرآن کریم



نیمه اول دهه هفتاد بود که انتشار اخباری مبنی بر اینکه کودک سه چهار ساله قمی حافظ کل قرآن شده است در سراسر جهان اسلام پیچید و شبکه های مختلف صدا و سیما با پخش بخش هایی از برنامه های اجرا شده توسط وی این نابغه قرن و معجزه قرآن را به ایرانیان معرفی کرد. او کسی نبود جز سید محمد حسین طباطبائی (علم الهدی). سید محمد حسین طباطبائی در سال ۱۳۷۰ در شهرستان قم به دنیا آمد و در سن دو سال و نیم، شروع به حفظ قرآن نمود و به لطف امام زمان عجلت در ظهور در سن ۵ سالگی کل قرآن را حفظ نماید. وی علاوه بر حفظ کل قرآن در آن مقطع سنی توانسته بود احادیث کتاب شریف اصول کافی و همچنین کتاب گلستان سعدی و اشعار محتشم کاشانی را حفظ نماید. در آن سالها نه تنها در ایران که تمام جهان اسلام با چهره و شخصیت این نابغه و معجزه قرآن در عصر حاضر آشنا شدند. ، کودک پنج، شش ساله ای که چهره ای نورانی و روحانی داشت و از سادات طباطبائی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام هست.

علم الهدی در همان سن پنج سالگی موفق به اخذ دکترای افتخاری شد. او اکنون جوانی است که در حوزه علمیه قم و همچون سایر طلاب زیر نظر اساتید مشغول به تحصیل است. او همان کتاب هایی را که طلاب مطالعه می کنند، می خواند و در عین حال وی و پدرش حجت الاسلام سید محمد مهدی طباطبائی چند سال پس از آن سالها اقدام به تاسیس موسسه جامعه القرآن الکریم کشور نمودند که با تاسیس شعبات متعددی در سراسر کشور اقدام به ترویج حفظ و آموزش قرآن کریم در سراسر کشور

نمودند. در این مراکز حفظ و آموزش قرآن به همان شیوه های خاص و منحصر به فردی که در دهه هفتاد و با همکاری پدر، محمد حسین ۴-۵ ساله موفق به حفظ کل قرآن گردید اجرا می گردد. هم اکنون حتی در دورافتاده ترین و محروم ترین شهرهای کشور شعبه های این موسسه در حال فعالیت می باشد.

: این چهره قرانی در دوران نوجوانی به چند کشور خارجی مسافرتهاى مختلفی داشت. از جمله در سفری که در نیمه دوم بهمن سال ۷۶ به انگلستان داشت در طول ۱۸ روز اقامت در آنجا در ۷ شهر مختلف انگلستان برنامه اجرا کرد که مورد استقبال بی نظیر مسلمانان شیعه و سنی قرار گرفت و حتی وهابی های آن جا به دست بوسی این افتخار جهان تشیع آمدند! (در حالی که این کار را شرک می دانند.) در همین مسافرت بود که در هیئتی مرکب از هشت استاد حضور یافت به همراه یک نفر از اساتید دانشگاهها که به عنوان ناظر حضور داشت امتحانی از وی در پنج رشته علوم قرآنی گرفته شد :

چند مورد از سوال و جوابها و خاطره ای شیرین و جذاب از ایشان به نقل از پدر و استادشان حجت الاسلام و المسلمین طباطبایی که خودشان حافظ کل قرآن کریم و استاد رشته حفظ می باشند را می آوریم :

.گفتنی است این خاطرات و سوال و جواب ها مربوط به دوران خردسالی محمد حسین می باشد

: از سید محمد حسین طباطبایی سوال شد: آیه در مورد مثلث بخوانید، گفت

. (انطلقوا الى ظل ثلاث شعب) بروید زیر سایه ... که از سه گوشه شما را احاطه کند

: پرسیدند نظر شما در مورد فرهنگ غرب چیست؟ جواب داد

. (اضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوات ...) نماز را ضایع نموده و از شهوات نفس پیروی کردند

سوال شد با توجه به امکانات پیشرفته ای که اینجا می باشد دوست داری لندن بمانی یا بروی قم؟

جواب داد: قم فاندر

همچنین در پاسخ به این سوال یک جمله عربی بسیار زیبا گفت : لا ابدل شبرا واحدا من قم بکل اروپا.

(یعنی: یک وجب از خاک قم را با همه اروپا عوض نمی کنم.) پدر بزرگوار ایشان حاج آقا

طباطبایی نقل می کنند : بعد از امتحان تخصصی برای اخذ مدرک دکترای شهر (بیرمنگام) رفتیم، به

منزل یکی از دوستان، در آنجا برادری گفت که برنامه کامپیوتری جدیدی دارد که می تواند از دیوان حافظ فال بگیرد، گفتم آیا می توانید فال علم الهدی را بگیرید؟ ایشان تفالی به دیوان حافظ زدند و اشعار زیر بر روی صفحه مونیتور نقش بست

شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می رود
طی مکان بین و زمان در سلوک شعر
کاین طفل یک شبه ره صد ساله می رود

هنگامی که محمد حسین به دنیا آمد، والدینش او را با نور قرآن آشنا ساختند و چنین بود که او در همان سال های آغاز زندگی اش، در مسیر قدسی کلام وحی قرار گرفت. مغزی را که خداوند برای انسان آفریده است، حتی با قوی ترین و پیشرفته ترین رایانه ها نمی توان مقایسه کرد. توانایی ها و ظرفیت های مغز و حافظه انسان فوق العاده و بیش از حد تصور است. حفظ هر مطلبی همچون انداختن سنگریزه ای در دریا است. آفرین باد بر خدایی که بهترین آفرینندگان است. دانشمندان گفته اند که حافظه انسان گنجایش ده هزار میلیارد کلمه را دارد؛ یعنی می تواند صد میلیون جلد کتاب و یا به عبارت دیگر چهل میلیارد صفحه را در حافظه خود جای دهد. البته به کار بردن راه های درست مطالعه و حفظ است که می تواند این گفته دانشمندان را عملاً نشان دهد. پس ما نیز می توانیم قرآن را که همه آن ۶۰۴ صفحه است، در حافظه خود جای دهیم. این در مقابل چهل میلیارد صفحه قطره ای از بحر است. پس چه زیباست کودکان در سن هفت سالگی مطابق روایات اسلامی و حتی زودتر به یادگیری و حفظ قرآن پردازند و فکر و ذهن خود را با قرآن نورانی کنند.

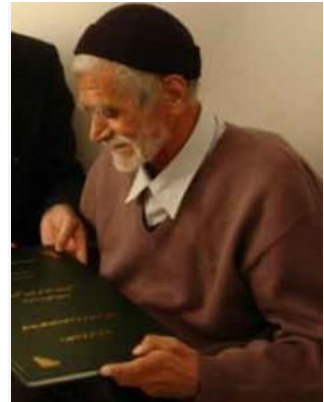
مدارک اعطائی به علم الهدی

- ۱- «اعطا» مدرک دیپلم افتخاری از کشور بوسنی و هرزگوین که بالاترین مدرک و درجه علمی در بوسنی می باشد که به یک عالم دینی داده می شود. در سال ۱۳۷۶
- ۲- «اعطا» مدرک لیسانس افتخاری دانشگاه تبریز (آذربایجان شرقی)
- ۳- اعطای مدرک دکترا از دانشگاه (حجاز) کاونتری انگلستان .

سفرهای خارجی علم الهدی

۱- سفر به عربستان (جهت اجرای برنامه و تشریف به حج تمتع) ۲- سفر به بوسنی و هرزگوین. ۳- سفر به کشور اسلونی. ۴- سفر به کشور ترکیه. ۵- سفر به کشور سوریه. ۶- سفر به کشور انگلستان (اواخر بهمن ۷۶) که در این سفر از ایشان امتحان با موضوعات ۱- حفظ قرآن با ترجمه ۲- بیان موضوع آیات ۳- تفسیر و توضیح آیات ۴- مکالمه به وسیله آیات قرآنی ۵- بیان آیات به روش اشاره، گرفتند که حدود ۵/۳ ساعت طول کشید و این امتحان در دو مرحله عمومی و تخصصی صورت گرفت و در پایان بر اساس استانداردهای موجود انگلستان به ایشان مدرک دکترای افتخاری اعطا کردند. در مدت اقامت علم الهدی در انگلستان بسیاری از مطبوعات و شبکه های مختلف رادیو تلویزیونی با ایشان مصاحبه کردند و اخبار مربوط به این حافظ خردسال را جز «مهمترین عناوین خبری خود قرار دادند. محمدحسین در طول برنامه حفظ قرآن خود، ثواب حفظ هر سوره ای را به یکی از معصومین علیهم السلام هدیه می کرد؛ مثلاً ثواب حفظ سوره بقره را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، سوره آل عمران را به حضرت علی علیه السلام، سوره نسا را به حضرت زهرا سلام الله علیها و به همین ترتیب ثواب تلاوت و حفظ سوره های دیگر را نیز به دیگر معصومین علیهم السلام. نثار می کرد.

کربلایی کاظم ساروقی و معجزه حفظ قرآن کریم



حدود یک صدسال پیش در روستایی به نام ساروق که آن روزها از دهات بزرگ حومه اراک محسوب می شد، واقعه ای در اعماق خاموشی روی داد که طی آن جوان پاک نهاد ۲۷ ساله ای به نام محمد کاظم کریمی که هنوز به مکتب نرفته بود و به قول خودش ملا ندیده بود، به یک باره حافظ کل قرآن می شود

واقعه ای که محمد کاظم بعدها سعی در مخفی نگه داشتن آن داشت اما به ضرورتی که پیش آمد آن راز از پرده بیرون افتاد و برای سال ها بزرگترین علمای دینی ایران، عراق، کویت و مصر پیرامون آن به بررسی و مطالعه پرداختند و اغلب قریب به اتفاق ایشان بر این معجزه قرآنی مهر تأیید نهادند
آیه الله سیداحمد زنجانی، آیه الله سیدعبدالله شیرازی، آیه الله مرعشی نجفی و آیه الله مکارم شیرازی از جمله این بزرگانند

مرحوم حاج محمد کاظم در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در روستای ساروق و در خانواده ای فقیر به دنیا آمد و پس از گذراندن ایام کودکی به کار کشاورزی مشغول شد و او نیز همانند سایر مردم ده از خواندن و نوشتن محروم شد و بهره ای از دانش و علم نداشت. اما نسبت به انجام فرایض دینی و خواندن نماز شب جدیت می کرد

وی اهل شرکت در مسجد و نشستن پای منبر بود و آن روزها یعنی قبل از ۲۷ سالگی مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری در حوزه علمیه اراک بودند و هنوز به قم تشریف نبرده بودند. ایشان ماه های محرم هر سال مبلّغی را به روستای ساروق می فرستادند

یک سال محرم کربلایی کاظم به مسجد می رود و روحانی اعزامی از اراک در مورد خمس و زکات و اهمیت آن صحبت می کند. کربلایی کاظم چند روز بعد و تحت تأثیر سخنان آن روحانی با ارباب ده صحبت می کند و می پرسد که آیا شما زکات گندمی که زمینش را من می کارم پرداخت می کنی؟ ارباب ناراحت می شود و می گوید: تو به کار من کاری نداشته باش و خودت هر کاری می خواهی بکن. وی می گوید حالا که زکات نمی دهی من هم برای تو کار نمی کنم بعد با حالت قهر روستا را ترک می کند و مدت سه سال در اطراف اراک به کارگری می پردازد. بعد از مدتی ارباب پشیمان می شود و برای او پیغام می فرستد که حاضرم زکات بدهم و ایشان هم مجدداً به ساروق برمی گردد و مشغول کشت و کار می شود.

حجه الاسلام محمد حاج ابوالقاسم حافظ کل قرآن کریم



محمد حاج ابوالقاسم حافظ بین المللی قرآن کریم

متولد: ۱۳۵۴ _ مشهد مقدس

تحصیلات: حوزوی مقطع خارج فقه و اصول

نام اساتید: حجت الاسلام و المسلمین سید مهدی طباطبائی

شروع فعالیت

۰وی حفظ قرآن کریم را از شانزده سالگی شروع کرد

مقام های داخلی

نفر سوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ ۱۰ جزء سال ۷۰

نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ ۲۰ جزء سال ۷۱

نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ ۲۰ جزء سال ۷۳

نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ کل سال ۷۴

مقام های بین المللی

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم سوریه در رشته حفظ ۲۰ جزء سالهای ۷۱ و ۷۲

نفر چهارم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی در رشته حفظ ۲۰ جزء سال ۷۳

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران سال ۷۴

۰نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم سوریه سال ۷۴

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم لبنان سال ۷۴

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم مصر

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی سال ۷۹

مأموریت های قرآنی در داخل کشور

• مشاوره در برنامه ریزی قرآنی

مأموریت های قرآنی در خارج از کشور

سفر به کشورهای عربستان سعودی ، سوریه ، لبنان ، موزامبیک و سودان جهت تبلیغ و تلاوت قرآن
• کریم

• تدریس شیوه های حفظ قرآن کریم در مدارس حوزه های علمیه خارج کشور

علی رضا زاده جویباری حافظ کل قرآن کریم



علی رضا زاده جویباری متولد : ۱۳۷۰ _ قم فرزند حجت الاسلام والمسلمین رضا زاده جویباری

مدیر مؤسسه قرآن و نهج البلاغه راه روشن

تحصیلات : دوره راهنمایی تحصیلی و دکترای افتخاری از کشور سوریه

شغل : دانش آموز

شروع فعالیت

وی از سن چهار و نیم سالگی حفظ قرآن را آغاز کرد و در سن هفت سالگی موفق شد قرآن کریم را حفظ کند و پس از آن به حفظ خطبه حضرت زهرا (س) و نهج البلاغه حضرت امیر (ع) پرداخت. او ظاهراً اولین خردسالی است که در سن یازده سالگی رتبه سوم جهانی را به دست آورده و تنها حافظ نوجوان کل نهج البلاغه در کشور است که در نه سالگی نهج البلاغه را حفظ کرده است. وی در حال حاضر مشغول تحصیل دروس حوزه علمیه هست. او به زبان عربی فصیح می تواند صحبت کند و آشنایی مختصری با زبان فرانسه و انگلیسی دارد.

: مقام های داخلی

• نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در کرمانشاه

• نفر سوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در اردبیل

• نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه در شیراز

: مقام های بین المللی

• نفر سوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی سال ۸۱

ماموریت های قرآنی در داخل کشور

اجرای برنامه های قرآنی در اکثر نقاط کشور

ماموریت های قرآنی در خارج از کشور

سفر به کشورهای لبنان ، سوریه ، فرانسه ، بلژیک و عربستان سعودی جهت اجرای برنامه های قرآنی

آثار ماندگار قرآنی

ضبط بیش از صد برنامه آموزشی و پخش آن از شبکه های مختلف سیمای جمهوری اسلامی و شبکه

برون مرزی از جمله پخش برنامه داستانی از نهج البلاغه از شبکه های ۲ و ۴ سیمای جمهوری

اسلامی ایران

خانم آذر پنجه شاهی حافظ کل قرآن کریم



بسم الله الرحمن الرحيم

زنی که در ۶۲ سالگی حافظ کل قرآن شد

قرآن کریم، سفره‌ای است که خداوند برای همگان گسترده است و همه می‌توانند با بهره‌مندی از آن، به کمال معنوی دست یابند.

یکی از کسانی که در سن بالا توانسته است خود را با قرآن کریم پیوند دهد، خانم آذر پنجه شاهی است. وی موفق شده است در ۶۳ سالگی، قرآن را حفظ کند و از این نظر نمونه‌ای برای حافظان قرآن به شمار می‌رود.

فشرده‌ای از زندگی خود را بیان فرماید *

بنده آذر پنجه شاهی متولد سال ۱۳۱۹ هستم و ۶۳ سال دارم. در ۱۶ سالگی ازدواج کردم که در آن زمان، تحصیلاتم نهم دبیرستان بود. دارای ۶ فرزند هستم که بحمدالله همگی تحصیلات عالی دارند. خود من بعد از ۲۰ سال ترک تحصیل، دیپلم گرفتم. سال ۵۸ در کنکور شرکت کردم و رتبه‌ام در کنکور ۱۲۴ شد و در رشته‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم. چون آن زمان شهید رجایی از دیپلمه‌ها استفاده می‌کرد، من مشغول به کار شدم و مدیر مدرسه بودم. هر چند شاغل بودم و در زندگی با مشکلات زیادی گریبان گیر بودم، ازدواج کردم و درسم را ادامه دادم

من از اول در مسیر قرآن بودم. از همان بچگی که چهار ساله بودم، کنار مادر بزرگم، قرآن می‌خواندم. بعد معلم فاطمیه بانوان بودم که صوت و لحن و ترتیل تدریس می‌کردم. بعد از انقلاب هم با این که مدیر مدرسه بودم، کلاس‌های قرآن را خودم اداره می‌کردم.

هم چنین سال های ۶۴ تا ۷۴ در تربیت معلم، قرآن تدریس می کردم که در این ده سال کلاس های موفقی داشتم. بعد در کلاس حفظ قرآن، شرکت کردم که آن جا ترتیل را درس می دادم. بعد یکی از دوستان «مجمع قرآن پژوهان» را به من معرفی کرد. یک ساله حفظ قرآن را تکمیل کردم و به آن جا رفتم. برای این که قرآن بیشتر در دلم جای بگیرد، قرآن را حفظ کردم و نمی دانم به دلیل این نعمت، خدا را چگونه شکر کنم.

در حفظ قرآن، از چه شیوه ای بهره گرفته اید؟*

شیوه ی کلاس قرآن پژوهان، شیوه ی مؤثری بود. روزی دو تا پنج صفحه حفظ می کردیم و در پایان هر جزء، امتحان شفاهی و کتبی داشتیم. اگر به سه جزء می رسید، همه را دوباره امتحان می گرفتند. این روش را ۱۱ ماه ادامه دادیم تا کل قرآن را حفظ شدم. البته من آمادگی قبلی داشتم و ۶ جزء را حفظ بودم. از ۱۵ آبان سال قبل شروع کردم و آخر مرداد امسال به پایان رسید. در زمان حفظ با چه موانعی روبه رو بودید و چگونه با آن ها برخورد کردید؟*

چون من چند جا کار می کردم، نمی توانستم بعد از کلاس تمرین زیادی داشته باشم، ولی دوستانم وقت و فراغت زیادتر داشتند. البته نمره های من مثل آن ها خوب نبود. ۱۴ یا ۱۵ و گاهی ۱۷ و ۱۸ می شدم، ولی آن ها دانشجو و جوان بودند و نمره هاشان خوب بود.

حتماً در روزگار حفظ قرآن، حالت های معنوی خوبی داشته اید. جلوه هایی از آن حالت ها را بیان کنید.

به یقین، حالت های معنوی در زمان حفظ زیاد است و ما خدا را شکر می کردیم که این حالت ها در قلب مان وجود دارد. من در این عمری که داشتم، قرآن بسیار خوانده ام، ولی به بعضی آیات که می رسیدم، احساس می کردم تا به حال نخوانده ام و بیشتر در آن آیات تدبّر می کردم. مثل آیه ی ۱۱۰ سوره ی آل عمران (که رمز نام حضرت علی است): «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ؛ شما بهترین امت... هستید که برای مردم خارج شدند».

یک روز به ذهن من رسید که همان طور که عدد نام حضرت ۱۱۰ است، «خیرام» نیز عدد ۱۱۰ را دارد. چنین نکته هایی بر اثر تدبّر در قرآن بود که به نظر ما می آمد. هنگام ممارست و تدبّر در قرآن مثل این بود که در عرش سیر می کنیم.

حفظ قرآن در فهم آیات الهی چه تأثیری داشته است؟*

ما معمولاً سه‌شنبه‌ها با دوستان تمرین داشتیم و پیش‌هم می‌نشستیم و قرآن می‌خواندیم. در همین جلسه‌ها احساس می‌کردیم که روح‌های ما به یکدیگر اتصال دارد. هم آیات بهتر جا می‌افتاد، هم نکته‌های جالبی به ذهنمان می‌رسید.

حالت‌های رفتاری خود را پیش و پس از حفظ چگونه ارزیابی می‌کنید؟*

ما فهمیدیم همان‌طور که پیغمبر می‌فرماید: «فَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»، باید عبادت کنیم تا به یقین برسیم. ما هم از قرآن چیزی می‌دانستیم، ولی با حفظ، به یقین سطح بالایی دست یافتیم، البته نه به آن یقینی که پیغمبر بدان رسید؛ چون ما خاک پای آن‌ها نمی‌شویم. آیات و مفاهیم، بازتاب دهنده‌ی نورانیت قرآن است که نام خود قرآن نیز نور است. وقتی این نور در دل آدم جای بگیرد، مثل این است که کلید برق را بزنید، همه‌جا نورانی می‌شود و اگر آدم برای رضای خدا و با خلوص، قرآن حفظ کند، نور قرآن در وجودش جای می‌گیرد.

وقتی انسانی با قرآن است، فکر و زبان و اعضا و جوارحش برای قرآن است. من وقتی حرکت خوبی انجام می‌دهم، طرف مقابل می‌گوید که انسان خوبی است، ولی وقتی حرکت خوبی انجام می‌دهم و طرف مرا به عنوان حافظ قرآن می‌بیند، رویش اثر می‌گذارد و می‌گوید قرآن رویش اثر گذاشته است که کار خوب انجام می‌دهد.

شیوه‌های خودتان در تدریس حفظ قرآن چیست؟*

وقتی ما قرآن حفظ می‌کردیم، مدرّس به ما می‌گفت که یک‌ساله نمی‌شود قرآن را حفظ کرد و می‌گفت این حفظ مقدماتی است تا شور و علاقه ایجاد کند. حالا در کلاس‌هایی که خودم دارم و حفظ درس می‌دهم، هفته‌ای ۴ صفحه را حفظ می‌کنیم. خانم‌هایی که در این کلاس‌ها هستند، ۳۰ یا ۴۰ و ۵۰ ساله هستند، ولی بسیار مسلط هستند و آیات را با شماره حفظ هستند. سفارش من به کسانی که می‌خواهند حفظ کنند، این است که هفته‌ای چهار یا پنج صفحه حفظ کنند. من خودم روزی دو تا پنج صفحه حفظ می‌کردم. شب‌ها همه‌جا و در همه حالت باید حفظ می‌کردم. در کلاسی که داریم، اول با نوار می‌خوانیم تا معنی آن‌ها را کاملاً بدانیم. آن وقت نکته‌ای از آیه را که فهمیدیم، شروع به حفظ می‌کنیم. سپس نوار را نگه می‌داریم و دوباره هم خوانی می‌کنیم. نوار را

روشن می‌کنیم تا سه بار، تکرار و حفظ می‌کنیم. آن وقت می‌گوییم یکی از خانم‌ها بخواند و در کلاس حفظ می‌شوند، ولی باید خیلی تمرین کنند.

برای کسانی که می‌خواهند کار حفظ را آغاز کنند، چه سفارشی دارید؟*

با تمام وجود به جوانان می‌گویم لذتی که آدم از حفظ قرآن می‌برد، از هیچ کار دیگری نمی‌برد. سفارش می‌کنم این کار را شروع کنید و ببینید چقدر زیباست و چقدر کمک می‌کند. وجود آدم چیز دیگری می‌شود. من می‌گویم چشیدنی است؛ باید چشید، گفتنی نیست. خدا کمک‌تان می‌کند، فقط باید وارد شوید. قرآن را فراگیر کنید. مثل مسجد الحرام که همه در هر سنی دور کعبه نشسته‌اند و فقط قرآن را حفظ می‌کنند، باید ایران هم همین طور باشد. تبلیغات در این کار مهم است. بنابراین، کار نشریه‌ی بشارت، ارزنده است و سهم مهمی در جانداختن فرهنگ قرآنی دارید اگر خاطره‌ای دارید، بفرمایید؟*

من وقتی برای حفظ قرآن به مجتمع قرآن پژوهان می‌رفتم، کلاس معمولاً برای نوجوانان و جوانان بود. با این که اصلاً احساس پیری نمی‌کردم، بچه‌ها تعجب می‌کردند و می‌گفتند: «خانم! شما برای حفظ اومدید؟!» برای آن‌ها عجیب بود و من می‌گفتم: مگر من خیلی پیرم؟ این خاطره‌ی قشنگی است. که برای من خیلی اتفاق افتاده است و باعث می‌شد اشتیاق جوانان برای حفظ بیشتر شود. در خانواده‌ام هیچ کس مرا تشویق نکرد، حتی در ادامه‌ی تحصیل هم با مخالفت همسر و بچه‌ها مواجه بودم. وقتی دانشگاه می‌رفتم، ۴۵ ساله بودم. خانم اخوی شهید چمران با من هم کلاس بود و بچه داشت و باردار هم بود. خیلی برایش سخت بود، ولی می‌گفت شما را که می‌بینم، روحیه می‌گیرم.

خدای متعال، قرآن را آسان قرار داده است تا بخوانیم و بهره بگیریم. خداوند در سوره‌ی قمر بارها می‌فرماید: «لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ هَلْ مِنْ مُدْكِرٍ؟ ما قرآن را برای یادآوری آسان قرار دادیم. آیا کسی هست که فرا بگیرد؟» در این آیات، خداوند پیوسته قسم می‌خورد و می‌فرماید که قرآن برای حفظ کردن آسان است، ولی بسیاری از انسان‌ها این حرف را جدی نمی‌گیرند و فکر می‌کنند حفظ قرآن کار دشواری است. اگر وارد شود، با شوق و رغبتی که در او ایجاد می‌شود و احساس معنوی که خواندن قرآن ایجاد می‌کند، از آسان‌ترین کارهای دنیاست.

اسماعیل موسیوند حافظ روشندل قرآن کریم



اسماعیل موسیوند» در سال ۱۳۴۴ در شهر آبادان دیده به جهان گشود و از سن ۶ سالگی به بعد « ساکن شهر بروجرد لرستان است و از سن ۱۶ سالگی به تشویق اساتید خود و با گوش دادن به نوار، کل آیات قرآن را حفظ کرده است و اینک ۲۰ سال است که فعالیت قرآنی دارد و قرآن را به سبک استاد منشاوی حفظ کرده است.

وی از همان سنین نوجوانی علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه داشت و همین عامل سبب شد که وی تحصیلات حوزوی را نیز در کنار تحصیلات مدرسه‌ای‌اش دنبال کند و در حال حاضر درحوزه علمیه مشغول تحصیل است.

این حافظ روشندل قرآن کریم تاکنون ۶ بار مقام نخست مسابقات حفظ و قرائت قرآن نابینایان کشور و یک بار هم مقام سوم کشوری نابینایان را کسب کرده است و علاوه بر این در مسابقات قرائت قرآن کریم اداره اوقاف نیز طی ۱۰ سال گذشته اکثراً موفق به کسب مقام اول کشوری شده است و در مسابقات حفظ و قرائت قرآن دانشگاه‌های آزاد و سپاه پاسداران نیز در سطح منطقه‌ای رتبه اول را از آن خود کرده است.

اسماعیل موسیوند کمبود قرآن به خط بریل را از مشکلات حافظان و قاریان نابینا عنوان کرد و گفت: لازم است اداره بهزیستی حمایت بیشتری از حافظان و قاریان معلول داشته باشد.

این حافظ روشندل قرآن کریم نبود اساتید مجرب قرآن کریم را از دیگر مشکلات در بحث قرآن آموزی دانست و افزود: اغلب افرادی که در زمینه حفظ و قرائت قرآن کریم کار می کنند، بدون استاد قرآن را آموخته اند

اسماعیل موسیوند نام گذاری روزی به نام روز ملی یا جهانی قرآن را قدم مؤثری در ایجاد انگیزه افراد به قرآن آموزی دانست و تصریح کرد: ۲۷ رجب سالروز مبعث حضرت رسول اکرم (ص) روزی مناسب برای نام گذاری آن به نام روز قرآن است، چرا که در روز بعثت، اولین آیه ها بر قلب پیامبر نازل شده است

اسماعیل موسیوند در ایام ماه رمضان برای سالمندان بروجردی کلاس آموزش قرآن برگزار کرد و در این کلاس ها به ده ها سالمند کم سواد یا بی سواد قرآن را آموزش داد.

خانم فاطمه حسینی علائی از حافظان برتر روشندل



خانم فاطمه حسینی علائی از حافظان برتر روشندل است که در مسابقات متعدد کشوری موفق به کسب رتبه های ممتاز شده است. اکنون سی سال دارد و در حال نوشتن پایان نامه خود در مقطع کارشناسی ارشد و آماده شدن برای شرکت در آزمون دکترا در رشته علوم و معارف قرآنی است و در عین حال در مرکز آموزش قرآن کریم آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) و فرهنگسرای بهمن به تدریس قرآن کریم اشتغال دارد.

خانم علائی در پاسخ به این سؤال که چطور شد به حفظ قرآن کریم روی آوردید گفت: زمانی که پنج سال بیشتر نداشتم برادرم قرآن تلاوت می کرد با قرآن آشنا شدم و به دلیل آنسی که با قرآن پیدا کرده بودم جزء سی ام قرآن را در همان سن حفظ کردم، پس از آن در مقاطع مختلف، بخش هایی از قرآن را با تشویق معلمان و خانواده ام حفظ کردم اما حفظ قرآن کریم را به طور جدی از سال دوم دانشگاه شروع و ظرف مدت یکسال موفق به حفظ کل قرآن شدم.

وی در ادامه با اشاره به تأثیر قرآن در زندگی خود اظهار داشت: هر کس بنا به تخصصی که دارد ناچار است کتابهایی را دائماً با خود حمل کند. این مانند تمثیل امام محمد غزالی است، که زمانی کتاب هایش را دزد برد و گفت: علمی برای من نمانده است و در پاسخ شنید: علمی که در کتاب است همان بهتر که نماند.

حافظان قرآن، کتاب خود را در سینه دارند و همه جا قرآن با آنهاست. البته حفظ قرآن به معنای حفظ الفاظ نیست، بلکه باید معانی و مفاهیم قرآن را همراه با حفظ آیات آموخت. قرآن در مورد همه چیز و برای همه افراد حرف دارد و می توان به عنوان یک کتاب جامع از آن استفاده کرد. زیبایی

های قرآن کریم را برای ما نشکافته اند، باید قرآن را از جنبه های گوناگون شناخت تا زیبایی هایش آشکار شود.

خانم علایی در پایان صحبت های خود گفت: توصیه من به قشر معلول این است که معلولیت را به عنوان اصل و واقعیت زندگی خود بپذیرند و با آن کنار بیایند. اگر این اتفاق بیافتد زندگی خوب و راحتی خواهند داشت.

احمد دباغ حافظ و قاری قران کریم



بنده در سال ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین متولد شدم. و در سال ۱۳۶۰ به دو دلیل وارد کشور مقدس ایران شدم: هم ایرانی الاصل بودم و این که پدرم و برادرم از مبارزین ضد نظام عراق و نظام بعث بودند، بعد پدر و برادر بنده و چند نفر از فامیل‌های ما را گرفتند و اکنون مفقود الاثر هستند. در هفت سالگی وارد شهر مقدس قم شدیم. آن زمان، علاقه شدیدی به حفظ و قرائت قرآن داشتم. یادم هست در سال ۶۰، ۶۱ که به دلیل مسایل جنگی کمتر به مسائل قرآنی می‌پرداختند، نوار عبدالباسط، را گوش می‌دادم. می‌دانید بعد از جنگ و بویژه بعد از این که مقام معظم رهبری رهبر شدند، توجه به مسائل قرآنی بسیار رونق گرفت. من در آن زمان یکی یا دو تا قاری عبدالباسط و منشاوی را می‌شناختم و بیش تر نه. یک نوار عبدالباسط از سوره مریم داشتیم که اتفاقاً نوار آن را به عنوان یک خاطره از اولین نواری که کار کردم نگه داشتم. این را گوش می‌کردم. اکثر سوره مریم را به وسیله همین نوار حفظ کردم.

. «سال ۶۵، که دوازده سالم بود، با یکی از استادان حفظ، حاج آقای بهبهانی که مهندس کشاورزی هستند، ایشان آن موقع تقریباً ۳۵ ساله‌شان بود یک جلسه‌ای حفظ داشتند. شاید بتوان گفت: برای اولین بار در شهر مقدس قم یک جلسه خوب حفظ قرآن را ایشان شروع کردند. ما هم با تشویق خواهرم و مادر و برادرم رفتیم خدمت استاد بهبهانی. هفته‌ای سه شب در جلسات قرآن ایشان شرکت می‌کردم. جلسه ایشان خیلی موفق بود. البته جلسه را با ۳۰، ۳۵ نفر شروع کردند، ولی می‌دانید در حفظ اکثر بچه‌ها ادامه نمی‌دهند، اینهایی که ماندند پنج نفر ماندیم، ولی همه ما از حافظان قرآن شدیم. ما تقریباً دو سال و نیم به جلسه آقای بهبهانی می‌رفتیم تا سال ۶۸. به لطف خدا سال ۶۸ حافظ کل

• قرآن شدم

ما روزی یک صفحه قرآن حفظ می کردیم . روی مسئله قرائت زیاد تکیه می کردیم . می دانید الان اکثر حافظان یا قاری می شوند یا حافظ . من علاوه بر این که، حفظ کار می کردیم به قرائت هم شدیداً علاقه داشتم . یعنی بنده قرائت هم کار می کردم . یادم هست مسابقات که می رفتم، ده جزء شرکت می کردم . مخصوصاً قرائت . در هر مسابقه هم اول می شدم . هم به عنوان قاری نوجوان و هم حافظ قرآن جایزه می گرفتم . علاقه شدید داشتم . به نظر من اگر کسی سعی کند هم قرائت، هم حفظ کار کند موفقیتش بیش تر می شود . در مجموع، با برنامه ریزی درست استاد ۳۰ تا ۳۲ ماه کل قرآن را حفظ کردم . علاوه بر حفظ، بر حفظ شماره آیات هم آقای بهبهانی خیلی تاکید می کردند . از دیگر رمزهای موفقیت ما دوره کردن آیات حفظ شده بود و در هر جلسه دو سه جزء را می پرسیدند . من همیشه برای خواهرم، برای برادرم، ده جزء که حفظ بودم . دو سه روز یکبار می خواندم . حداقل سه روز بیش تر فرصت نمی شد . جمعه ها هم می نشستیم دوره کردن آیات حفظ شده . یادم هست منزل استاد ابوالحسن می نشستیم از نه یا ده صبح ده شب، یعنی دوازده، سیزده ساعت . وسطش فقط ناهار می خوردیم و نماز می خواندیم . همه اش تمرین می کردیم . بعضی وقت ها هم بیش تر تلاوت می کردیم . یکی از رمزهای موفقیت ما استفاده از نوارهای ترتیل و حفظ قرآن بود که در سایر کشورها این امر کمتر وجود دارد . لذا اگر از نوار استفاده شود، هم از لحاظ صوت و لحن و تجوید و هم کیفیت حفظ کرده بالا می رود . من از نوار ترتیل استاد منشاوی استفاده می کردم . روزی دو سه جزء می خواندم . اول خود نوار را گوش می کردم، زمزمه می کردم، دقت می کردم، بعد تمام دو سه جزء برای خواهرم یا برادرم از بر تحویل می دادم

مقداری فراتر از این برویم . چیزی که بعضی از حافظان قرآن را نگران می کند حالا چه کسانی که چند جزئی حفظ هستند و یا کسانی حافظ کل قرآن، می گویند بعضی وقت ها مشغول شدن به حفظ، موجب سهل انگاری در تامل در خود معانی قرآن می شود باید بین حافظ قرآن و قاری قرآن تفاوت قایل شد، معمولاً قاریان کاری به محتوا و معانی ندارند . و این کار درستی نیست . علاوه بر قرائت و حفظ باید به معانی هم توجه کرد . اگر ما ندانیم که قرآن چه می گوید، اصلاً هیچ معنایی در ذهن نباشد، هر چند این امر ممکن است بعید باشد چه طوری می خواهیم عمل کنیم، و لذا وقتی کسی قرآن

را حفظ می کند، مثلاً اگر بخواهد غیبت کند، آیه غیبت به ذهنش می آید، بخواهد دروغ بگوید آیه دروغ به ذهنش می آید. در مورد گوش کردن به حرف پدر و مادر، مثلاً آیه عقوب والدین به ذهنش می آید. بنابراین، چنین فردی معمولاً گناهش کم تر از افراد معمولی خواهد بود. علاوه بر توفیقات الهی، صد در صد خداوند به چنین اشخاص توفیق بیش تر می دهد تا افرادی که با قرآن زیاد ارتباط ندارند. ولی نکته ای که هست، این است که حافظان و قراء باید به حداقل ترجمه اکتفاء نکنیم که می گوئیم: الله یعنی خدا، یا رحمان یعنی بخشنده و مهربان. این کافی نیست. خلاصه این که این دلیل نمی شود و اعتراض موجه نیست؛ چون که حفظ بدون تفسیر هم فضیلت دارد و برکت دارد. قرائت بدون تفسیر هم خیلی فضیلت دارد. ولی با دقت و تأمل. چون اگر بخواهیم عامل به قرآن باشیم، نباید به صرف حفظ اکتفا کنیم. البته، مراحل اول، انس با قرآن است. مرحله دوم، آشنا شدن با الفاظ و تجوید و روخوانی و روان خوانی و مرحله سوم، قرائت. مرحله چهارم حفظ مرحله پنجم، ترجمه و تفسیر و مرحله ششم، عمل به قرآن.

ملاقات رهبری

اولین بار در سال ۶۸ که روزهای آخر عمر امام بود، ما خدمت آقا رسیدیم. یکی از برکاتی که از قرآن دیدیم در سال ۶۸ و در اولین مسابقات بین المللی قرآن بود. در آن مسابقه در ده جزء من دوم شدم. چهارده سال من داشتم. در دوازده فروردین ماه، یعنی دو ماه قبل از رحلت حضرت امام، ما به دلیل یکی از موفقیت هایی که در آن مسابقات داشتیم، خدمت امام رسیدیم. رفتیم منزل امام. امام آخر عمرشان بود. امام که وارد سالن حسینه شدند، قرار نبود صحبت بکنند. چون دیگر حالشان خیلی مساعد نبود. ولی همین که آمدند بسیاری از افراد حتی حافظان قرآن که از کشورهای مختلف اسلامی آمده بودند، همه گریه کردند، افرادی که خیلی هم متعصب بودند، وقتی آمدیم بیرون از حسینه، گفتیم: امام را چطور دیدید؟ گفتند: به محض این که امام وارد سالن حسینه شد یک نور عجیب و یک عظمتی دیدیم. این یکی از خاطراتی که ما از قرآن داریم. بعد هم رفتیم مسابقات. آقای خامنه ای رئیس جمهور آن موقع بودند. ما از دست آقا جایزه گرفتیم. آقا هم خیلی خوشش آمد. آخرین دیدار هم فکر کنم در سال ۷۸ بود که باز هم در مسابقات بین المللی در رشته حفظ کل اول شدم، پیش آقا من تلاوت هم داشتم، بعد از قرائت بدون این که اجازه بگیرم مستقیم رفتم پیش آقا

. خلاصه خیلی احترام گذاشتند . آن دیدار هم به یاد ماندنی است . خداوند در قرآن کریم می فرماید:
از رحمت خداوند نا امید نشوید و از رحمت خدا کسی مایوس نمی شود مگر قوم کافرین . علاوه بر
این همین که آدم به خودش تلقین کند که من نمی توانم، من ضعیف هستم و استعداد ندارم؛ معلوم
است که ضعیف می شود . در هر مسابقه ای که آدم شرکت می کند، اگر معتقد باشد که تمام شد،
می افتم و این دفعه خراب می کنم، مطمئن باشید قطعا و نود و نه درصد خراب می کند و شکست
. می خورد . تلقین اعم از مثبت یا منفی، بسیار اثر دارد و ما نباید به خودمان تلقین منفی کنیم
صبر در زندگی بسیار مهم است . حدیث هم داریم که در زندگی صبر داشته باشید . بویژه افرادی که
قرآن را با مشقت زیاد حفظ می کنند، ارزش و اعتبارشان خیلی بیش تر است از افرادی که
راحت حفظ کنند، البته مساله صبر شامل تمام زمینه های زندگی می شود . از جمله بارز صبر، استاد
بهبهانی بودند که با صبر و استقامت در چهل سالگی حافظ کل قرآن شدند . معمولا این برای افراد
سخت است . این است که اگر آدم اراده کند و وقت هم بگذارد و صبر پیشه کند و هیچ وقت هم
. خسته نشود، قطعا موفق خواهد شد

و مسئله ای که خیلی مهم است این که باید همیشه از کم شروع کرد . افرادی که موفق نشدند و در
حال عقب نشینی هستند، به این دلیل است که این ها به کم قانع نشدند . در مساله حفظ هم دقیقا همین
مساله مطرح است . افرادی که به کم قانع هستند روزی یک صفحه حفظ می کنند، بسیار موفق تر از
سایر افرادی هستند که روزی در صفحه حفظ می کنند . افرادی که روزی یک صفحه حفظ کرده اند،
واقعا حافظ هستند و مسلط اند و همیشه، قرآن در ذهنشان است . ولی حافظان یک ساله، زود یادشان
می رود . برای این که کمیت را زیاد کرده اند و کیفیت کارشان پایین آمده است در همه کارهای در
زندگی هم همین طور است .

شرکت در مسابقات

در سطح استان تهران در مسابقات زیادی شرکت کردم اول شدم . و همچنین در مسابقات مهم که در
سطح کشور است، مسابقات بسیج، مسابقات بهزیستی دو بار اول شدم . در مسابقات مطلع الفجر
سازمان تبلیغات هم اول شدم، دو سه ماه پیش، در مسابقات ثامن الائمه کشوری در شهر اصفهان هم
اول شدم . در مسابقات اوقاف که مسابقات بین المللی در سال ۶۸ بود در ده جز دوم شدم، سال ۷۱ باز

هم مسابقات بین‌المللی اول شدم حفظ کل در بین چهل کشور، سال ۷۶ در مسابقات بین‌المللی عربستان حفظ کل با تفسیر، رشته حفظ اول شدم و در تفسیر بین شصت کشور جهان دوم شدم. در سال ۱۳۷۸ در سالن کنفرانس اسلامی در تهران در میان سی و شش کشور در رشته حفظ کل اول شدم.

مسابقات کشوری سال ۷۱ مقام اول،
مسابقات کشوری سازمان تبلیغات اسلامی سال ۷۲ مقام اول،
مسابقات کشوری سازمان بهزیستی سال ۷۳ مقام اول،
مسابقات کشوری اداره کل اوقاف و امور خیریه سال ۷۸ مقام اول،
مسابقات کشوری در اصفهان سال‌های ۸۰ و ۸۱ مقام اول،
مسابقات بین‌المللی سال ۶۸ در تهران مقام دوم،
مسابقات بین‌المللی سال ۷۱ در تهران مقام اول،
مسابقات بین‌المللی سال ۷۶ در مکه مکرمه مقام اول،
مسابقات بین‌المللی سال ۷۸ در تهران مقام اول،

الگو بودن ائمه معصومین علیهم السلام

الگوهای ما، فقط ائمه معصومین (ع) و حضرت زهرا (س) است. ولی خصوصاً من عرض می‌کنم، بدون تعارف که حضرت امام مهدی (عج) الگو و اسوه زندگی من می‌باشد. در جزئیات زندگی مثلاً بگوئید در رشته قرائت، می‌تونم بگویم که استاد عبدالباسط و استاد منشاوی، الگوی من هستند. ولی این‌ها الگو در رفتار و اخلاق و زندگی که نیستند. الگو در حفظ قرآن هستند. الگوی واقعی زندگی ائمه (ع) هستند.

انسی با قرآن

من هرگز نمی‌تونم قرآن را معرفی کنم، ولی می‌تونم قرآن را با خود قرآن معرفی کنم. می‌فرماید: هیچ وقت باطل وارد قرآن نمی‌شود. در سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «تبیان لكل شیء» این‌هایی که می‌گویند دنیا پیشرفت کرده است، قرآن متعلق به قدیم است. اصلاً این حرف‌ها امکان ندارد، چون قرآن همه چیز را در نظر گرفته و بیان کرده است، یا می‌فرماید خدا هم حکیم است هم حمید. لذا

هیچ وقت کهنگی در قرآن راه ندارد و همیشه تازه و بکر است . و هیچ نقصی ندارد . خداوند می‌فرماید: ما قرآن را آسان کردیم، آماده کردیم برای ذکرهای یادآوری، برای تذکر برای عبرت گرفتن برای استفاده کردن، آیا کسی هست که از قرآن متذکر شود و بهره‌مند شود؟ می‌فرماید: قرآن به بهترین راه‌ها، راه‌های مستقیم استوار هدایت می‌کند . اعم از راه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، عملی . حدیثی از حضرت پیامبر (ص) که به تواتر هم رسیده است، می‌فرماید: یعنی قرآن و اهل بیت (ع) کسانی که این دو امانت ارزشمند و بزرگ و با عظمت را داشته باشید و با آنان . ارتباط برقرار کنید، هیچ وقت و هرگز گمراه نخواهید شد

قرآن می‌فرماید: برای خواندن قرآن، خداوند هیچ محدودیتی قائل نشده است . هر چقدر می‌توانید، قرآن بخوانید . قرآن برای همه نازل شده، نه برای حافظان یا افراد خاص . منتها فرقش این است که بنده مثلاً روزی شاید هفت، هشت ساعت با خدا ارتباط دارم و برای درس دادن و درس خواندن و این چیزها قرآن می‌خوانم . ولی یک نفر که کارش چیز دیگر است، مثلاً مهندس هست یا دکتر هست، باز هم وظیفه دارد و می‌آید پنجاه آیه قرآن می‌خواند . لذا خواندن قرآن وظیفه همه است . چون که قرآن برای همه مردم نازل شده است . یک آیه می‌فرماید: قرآن الفجر ان قرآن الفجر لکان مشهودا، البته، اینجا دو تفسیر دارد . یکی گفته‌اند، قرآن فجر یعنی نماز صبح، ولی ظاهر آیه همین قرآن است . قرآن فجر یعنی از اذان صبح تا طلوع آفتاب قرآن بخوانید . لذا بنده توصیه می‌کنم به بچه‌ها و عزیزانی که دوست دارند حافظ شوند، سعی کنند شب آمده کنند محفوظات یک صفحه خود را، و ترجمه‌اش را بخوانند . و یک ترجمه را آماده کنند، نوارش را هم قبل از خواب گوش بدهند، که خیلی اثر دارد . ولی اصل کار حفظ برای صبح است . می‌خواهند حفظ کنند، صبح حفظ کنند .

صبح‌ها ذهن آدمی آمادگی بیشتری برای حفظ دارد

البته مسئله دوره فرق نمی‌کند . آدم سعی کند روز را تقسیم کند . بعد از نماز صبح برای کسانی که می‌خواهند سه جزء بخوانند، بعد از نماز صبح یک جزء، ظهر نیم جزء، بعد از عصر نیم جزء، مغرب . نیم جزء و عشاء هم نیم جزء بخوانند و مرور کنند

اثر آیات قرآن

در مورد اثر آیات روی قاری، بستگی دارد . بعضی وقت‌ها خیلی حال دارم و از لحاظ روحی آمادگی

دارم، هر آیه‌ای که می‌خوانم برای من اثر دارد. ولی اگر آمادگی روحی نداشته باشم کم می‌شود. ولی آیاتی که برای من خیلی اثر دارند، یکی آیات سوره مبارکه نور آیات ۳۵ الی ۳۸ است: «الله نور السموات والارض...» یکی هم سوره رحمن که خیلی قشنگ و از آن خوشم می‌آید. یکی هم آیات سوره آخر زمر و به ویژه سوره مبارکه انسان، سوره مبارکه دهر، با توجه به این که شان نزول آن در مورد حضرت علی و زهرا و امام حسن و امام حسین (ع) می‌باشد. یک روز مسکین می‌آید ک، یک روز فقیر و یک روز هم یتیم. هر چه دارند به آنان تقدیم می‌کنند. یک روز هم اسیر می‌آید، آیات هم نازل می‌شود. این آیات بسیار تاثیر دارد. وقتی این آیات را می‌خوانم، یاد آن جریانانت و آن روزها می‌افتم. در تمام سوره‌های قرآن کریم، وقتی صحبت از بهشت شده از حورالعین هم صحبت شده است. ولی در سوره مبارکه انسان اصلا صحبت از حورالعین نشده است. یکی از امامان سؤال کردند و گفتند چرا از حورالعین صحبت نشده است؟ فرمود: این سوره برای حضرت زهرا (س) نازل شده است، لذا به احترام حضرت فاطمه (س)، صحبت از حورالعین نشده است.

فصاحت و بلاغت قرآن

تمام قرآن بلاغت و فصاحت دارد. چیزی نقص ندارد که بگویم آنجا کامل تر است. هر چند بعضی نقاط قرآن خیلی از بعضی جهان پر رنگ شده است. بلاغت قرآن، همه جا هر جایی که فکر کنید بلاغت دارد. ولی بعضی سوره‌ها من خوشم می‌آید به خاطر این که قرائتش قشنگ است؛ چون برای ما بیش تر مسئله قرائت آخر آیات خیلی قشنگ است. یکی سوره مبارکه مریم، برای قرائت خیلی قشنگ است. قراء زیاد می‌خوانند. یکی سوره مبارکه شمس، سوره فاق، سوره بزرگ قشنگ تر از همه سوره مریم و سوره انسان سوره نبا، یکی هم آیه آخر سوره زمر.

آیت الله ابوالقاسم خزعلی حافظ کل قران کریم



دوران کودکی

این جانب ابوالقاسم خزعلی به سال ۱۳۰۴ شمسی در شهرستان بروجرد دیده به جهان گشودم. تا سن نزدیک ده سالگی ام را در زادگاهم سپری کردم. آنگاه به همراه پدرم غلامرضا و مادرم ربابه و جدّم مرحوم حاج عبدالکریم و برخی دیگر از بستگان به مشهد مهاجرت کردم. بعدها بستگان ما به بروجرد برگشتند؛ ولی پدر، مادر، برادران، خواهران و بنده در مشهد ماندیم.

در بروجرد که بودم به مکتبخانه سید جعفر شیرازی که معلّم خوبی بود، می رفتم. وقتی به مشهد آمدم در یکی از مدارس، آزمونی از من به عمل آمد و در کلاس چهارم مشغول به تحصیل شدم و تا کلاس ششم ابتدایی را در مشهد گذراندم.

سپس بعضی از کلاس های دبیرستان را شبانه خواندم. پس از اتمام دوره دبیرستان مشغول به کار شدم تا زمانی که رضاخان تبعید شد و زمینه حوزه به وجود آمد. روزی یکی از افراد خیر که با من سر و کار داشت و در محلّ کارم بود به من گفت: فلانی! نمی خواهی طلبه بشوی؟ من مثل کسی که گم شده ای داشته باش و یک مرتبه آن را پیدا کند، شادمان شدم و با جواب قاطع گفتم: چرا. گفت: صبح ها و شب ها مشغول به تحصیل باش و روزها مشغول به کار. کار من هم نوشتن فاکتورهای فروش و ثبت و ضبط اموال مغازه ای بود که لوازم کفش، مانند میخ، مقوّا و امثال این ها را در آنجا می فروختند.

خلاصه این که من دیدم طلبگی با روح من بهتر می سازد. از این رو، وارد حوزه علمیّه مشهد شدم و در مدرسه علمیّه نوّاب مشهد به تحصیل مشغول شدم و مقدّمات و ادبیّات را پیش اساتیدی چون:

جناب آقای صدرزاده - که الان مقیم تهران هستند -، مرحوم آقای خدایی، دامغانی و مرحوم محقق قوچانی خواندم. همچنین جلدین لمعه، قوانین و معالم را نزد مرحوم حاج سید احمد یزدی تلمذ کردم. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مدرّس بسیار عالی قدر، خوش بیان و دقیق مرحوم آیه الله هاشم قزوینی خواندم و مقداری از بحث کفایه را نیز در خدمت شیخ مجتبی قزوینی تلمذ نمودم و نیز یک سال شب ها در درس خارج مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی که معلّم سطوح عالی بود حاضر شدم؛ ولی دیدم در مشهد اشباع نمی شوم، از این رو، بر آن شدم تا در درس حضرت آیه الله العظمی بروجردی که در آن زمان در سراسر حوزه ها طنین افکن شده بود، شرکت کنم؛ بدین منظور، در سال ۱۳۲۴ یا ۱۳۲۵ شمسی وارد قم شدم

زندگی ما در حدّ زندگی مستضعفان بود و با رنجی که پدرم متحمل می شد زندگی ساده ای را می گذرانیدیم. در بروجرد که بودیم حتی برای تهیه کاغذ مشکل داشتیم. معلّم ما می گفت: یک ورق حلبی بیاورید و چهار قسمت کنید یک طرف انشا، یک طرف مشق و... بنویسید. او به ما راه زندگی را یاد می داد. به مشهد که آمدم در منزلی با یک اتاق، چهار پنج نفر به سر میبردیم. به همین دلیل، من به سر کار رفتم. ویژگی خاصّ پدرم این بود که وی به ولایت، اعتقادی راسخ داشت. وقتی رضاخان مجالس عزاداری را تعطیل کرد، پدرم و دوستانش مقید بودند در روز عاشورا، زیارت عاشورا را بخوانند. از این رو، به بیابان می رفتند تا کسی متعرّض آنان نشود و مرا نیز همراه خود می بردند. من هم از همان جا علاقه زیادی به زیارت عاشورا پیدا کردم و بعدها در پای منبر سیدی والا قدر نهج البلاغه را یاد می گرفتم و به واسطه بیان همین سید والا قدر بخشهایی از نهج البلاغه را که در همان سنین کودکی فرا گرفتم، هنوز در خاطر دارم و گاه گاهی ذکر خیری از ایشان دارم. نکته ای که در اینجا قابل تذکر است این که پدر و مادر معتقد، در روحیه آدمی خیلی مؤثراند. در همین زمینه در قضیه کشف حجاب (سال ۱۳۱۴ شمسی) و قضیه مسجد گوهر شاد، پدرم شور این معنا را داشت؛ ولی آن شب خواب سنگینی بر ایشان مسلط شد که بیدار نشد، مقدّرات الهی این بود. صبح که از خواب بیدار شد با خبر شدیم که حادثه ای رخ داده است. ایشان به سوی مسجد گوهر شاد حرکت کرد و مرا نیز با خود برد. وقتی به مسجد رسیدیم، دیدیم چند نفر نیمه جان افتاده اند و یک نفر هم گلوله خورده و نفسهای آخر را می کشد. با او صحبت کردم، گفت: من اهل خواجه ربیع

هستم. بعد رفتیم داخل صحن نو، دیدیم در آنجا هم یکی افتاده که اهل همدان است. سپس من آمدم بالای سر آن محضر دیدم که جان داده است. خاطره آن حادثه تلخ الان هنوز در جلو چشم من مجسم است. از این رو، خرسندم که پدرم دارای روحیه انقلابی بود. وی با این که در صحنه های اجتماعی انقلاب شرکت نداشت، ولی دوست می داشت در کارهای مجاری و کارهایی که علیه دولت است شرکت کند. از این رو، صبح که از خواب برخاست و متوجه شد که در مسجد گوهر شاد .کشتار شده، متأثر شد که چرا شب گذشته خوابش برده است.

دوره تحصیلی در مشهد

من علاوه بر تحصیل در مدرسه نواب در مدرسه ای که الان خراب شده نیز سکونت داشتم و خاطره ای هم از آنجا دارم. در مدرسه نواب چهار نفر در یک اتاق زندگی می کردیم و نام هر چهار نفر ما .ابوالقاسم بود و آن چهار نفر عبارت بودیم از: خزعلی، صراف زاده، یگانه و جلالی خاطره جالبی که از مدرسه نواب دارم این است که در آنجا با مردی بزرگ به نام میرزای اصفهانی آشنا شدم. شخصیتی بود که ارتباطش با ولیعصر (عج) خیلی محکم بود. به ملاقات حضرت نیز نایل شده بود و حوزه مشهد تا الان هر چه اثر دارد از ایشان است. وی فلسفه و عرفان را خیلی محکوم می کرد و در آنجا ایشان حال و هوا را به اهل بیت ع برگرداند به طوری که فلسفه نه تنها از کار افتاد، بلکه مبغوض هم شد. البته دانش فلسفه به تنهایی عیب ندارد، اما اگر مبنای دین واقع شود، اشکال دارد. فلسفه را باید آموخت تا بتوان با زبان فلاسفه آشنا شد. مرحوم علامه طباطبائی با این که در فلسفه قوی بود، اما در تفسیر خود می فرماید که با فلسفه و عرفان نمی توان قرآن را تفسیر کرد. این ها سه ضلع مثلث اند که در یکجا جمع نمی شوند. با این که کار ایشان این بوده با این حال، در چند جای .تفسیرشان تصریح کرده اند

یکی دیگر از مردان بزرگی که من دیدم حاج شیخ هاشم قزوینی بود که با آیه الله العظمی سیستانی هم رفیق بود و در قم با هم بودیم و در درس آیه الله بروجردی حاضر می شدیم که بعد ایشان عازم .نجف شد

درس آیه الله بروجردی جذبه قوییی داشت، خیلی منظم و منقح بود. از این رو، بسیاری از طلاب مایل بودند در درس او شرکت نمایند. البته دو عامل ایشان را از شاگرد پروری شایسته باز می داشت:

عامل اوّل، مرجعیّت وی بود که مراجعه به ایشان زیاد بود و عامل دوم پیری وی بود و گر نه او شاگرد پرور بسیار خوبی بود. برای همین دو عامل دو درس خود را به یک درس تقلیل داده نخست اصول فقه تدریس می کرد و بعد به فقه پرداخت و من درس اصول وی را درک نکردم؛ بلکه فقط به درس فقه او می رفتم و در آن جا بود که من تواضع مرحوم امام و آقای داماد را دیدم؛ چرا که من طلبه جوان و حضرت امام(ره) که خود از مدرّسان بزرگ حوزه بود و افرادی مانند او نیز در درس مرحوم بروجردی حاضر می شدیم

درس مرحوم بروجردی بسیار محقّقانه بود. بنده گاهی به صورت کتبی اشکال می کردم. از یادگاری هایی که از ایشان دارم این است که در درس استصحاب متعارض، اشکالی مطرح کردم و به ایشان دادم. وی در جلسه بعد مطرح کردند و پاسخ دادند. از همان جا فهمیدم که ایشان شاگرد پرور است. بعد کم کم فاصله بین من و او کم شد و مهر و محبّت او شامل حال شد

ارتباط با آیه الله العظمی بروجردی

از چیزهایی که خیلی مرا به مرحوم آیه الله العظمی بروجردی نزدیک کرد حادثه تبعید من در سال ۱۳۳۹ شمسی به رفسنجان بود و به علّت تعرّضی که به شاه داشتم، تقریباً می خواستند حکم اعدام صحرایی برای من درست کنند و بعضی از سرمایه داران رفسنجان هم مطلب را خیلی پروبال داده بودند. من در مقابلشان ایستادم. آنان هم بر ضدّ من توطئه کردند و مرا به مدّت سه ماه به گناباد تبعید کردند. در این میان نامه ای نوشتم برای آقای بروجردی که من از نظر آب و هوا مشکلی ندارم و مدّت سه ماه هم برای من مهم نیست؛ ولی اینجا صوفی ها هستند و می خواهند با من ملاقات کنند و من از اینها ناراحت هستم، اگر یک جای بد آب و هوا باشد و سه ماه را به نه ماه تبدیل بکنند برای من بهتر است. آقای بروجردی خیلی متأثر شد و به دستگاه اشاره کرد و شیخ مجتبی اراکی را به نمایندگی از سوی خود به رفسنجان فرستاد و مسئله را حل کرد و قضیه تمام شد. من آمدم خدمت آقای بروجردی و عذر خواستم، گفتند: نه کار برای خدا بوده و ان شاء الله نتیجه اش خوب است. مباشر ایشان گفت: آقای بروجردی یک شب به خاطر شما تب کرد. من خیلی ناراحت شدم و گفتم: من عذر می خواهم، در مقام زحمت دادن به شما نبودم. وظیفه ای بود که چیزی گفتم. گفت: نه

طوری نیست

وقتی مرا از خانه برای تبعیدیرون می بردند قرآن را باز کردم یکجا آیه منحصر به فردی در قرآن هست که با این قضیه ما می خواند: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ أَلَّا أَنْ يَقُولَ رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدُمَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوُا مَسَاجِدَ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)[۱]. خیلی مرا دل گرم کرد و من در راه، الطاف خفیه را آشکارا می دیدم. این جریان به گوش حضرت امام رسید. من نمی دانستم که ایشان ضدّ شاه است. ایشان مرا خواست. با خود گفتم: نکند ایشان بگوید: تو یک طلبه هستی، با شاه چکار داری؟ از این رو، من هم خیلی مطالب را نگفتم، بلکه گفتم: چون اینان داشتند سینما می ساختند و می خواستند بچه ها را فاسد کنند، من هم وارد عمل شدم. دیدم که با رشادت فرمودند: نه، مایه ای در شما هست و این جریان تن به تن ما را با ایشان مرتبط کرد و خاطره من از ایشان این بود. گرچه بعد فهمیدم امام یک کوه آتشفشان بزرگ است و ما در برابر ایشان یک جرّقه هستیم. از آن پس دل داده ایشان شدم. یک ماه پیش از شروع نهضت من می خواستم به نجف آباد بروم و هنوز ایشان اعلامیه ای نداده بود، گفتم: فرمایشی دارید؟ فرمود: آتش زیر خاکستر است. من فریاد می کنم، به علمای نجف آباد بگو، آنان هم فریاد بکنند. من رفتم و پیام ایشان را به علمای نجف آباد رساندم. بعد از آن، امام (ره) اعلامیه ای در باره انجمن های ایالتی و ولایتی صادر کرد.

فعالیت های سیاسی و اجتماعی پیش از انقلاب

عادت من بر این بود که در برابر بدی ها ایستادگی می کردم و همچون پدرم روحیه پرخاش گری داشتم. در منبر معمولاً چنین بودم. حتی پیش از انقلاب در آبادان اگر حرکت سویی انجام می شد، من فریاد می کشیدم. در آن زمان کمونیست ها هم فعالیت می کردند و رئیس فرهنگ، آنان را بیرون می کرد. ما یک شب به فضل الهی آنان را بیرون کردیم. گفتم: آقایان مرخص اند که بروند، اگر نروند، هستند کسانی که آنان را بکشند و بالای سرشان هم بایستند و بگویند: ما قاتل هستیم. بعد از این واقعه، من خیلی پریشان شدم، صبح آمدم مدرسه، یکی از کمونیستها گفت: شما به ما نسبت توده ای داده اید؟ گفتم: من نسبت ندادم، بلکه رئیس فرهنگ گفته است. او گفت: آنان باید بیرون بروند. در بین بحث، ناخواسته توهینی به حضرت نوح(ع) کرد. گفتم: روشن شد که توده ای هستی؛ زیرا اگر مسلمان بودی به پیغمبر توهین نمی کردی. سرانجام بعد از ۲۴ ساعت آن جا را ترک کردند. این واقعه در

حدود سال ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ شمسی رخ داد. بعضی از فدائیان اسلام با ما خیلی مانوس بودند و می گفتند: ما می کشیم و می ایستیم و برای همین ما با کمک مؤمنان این کارها را می کردیم. یکی از جوانان که الان زنده است، در بازار به سرهنگی که با خانم خود که مینی ژوپ پوشیده بود رد می شد، گفت: «پیامبر اکرم ص فرموده است: ((هر کس راضی باشد زنش را نگاه کنند، دیوث است))»

این سرهنگ وقتی این را شنید آتش گرفت. بلافاصله با پلیس تماس گرفت و او را به شهربانی بردند. رئیس شهربانی گفت: به سرهنگ جسارت کرده‌ای؟ گفت: من جسارت نکرده‌ام، من روایت خوانده‌ام. گفتم: «پیغمبر اکرم ص فرموده است: هر کس راضی باشد به زنش نگاه کنند دیوث است» چه این آقا باشد چه تو باشی و چه شاه باشد! حال شما آن زمان را در نظر بگیرید و این روحیه را! آری، منبرها با این روحیه ها بود و هر کس درد دین داشت، پای منبر حاضر می شد. بعدها که قضیه رفسنجان و تبعید شدنم پیش آمد، دیدم زمینه آماده شد. از این رو، گفتم: اکنون که فریادگر بزرگی هست، پس باید مشغول فعالیت شوم. از این رو، از روزی که امام را شناختم، همواره از او اشاره کردن و از ما به سر دویدن بود. و از این رو بود که فرمود: پیام مرا به علمای نجف آباد برسان و این زمانی است که هنوز نهضت شروع نشده بود. بنابراین، من خدا را بسیار شاکرم که از یک ماه پیش از نهضت تا شب آخر (۱۴ خرداد ۱۳۶۸) در خدمت این مرد بوده‌ام. یک ساعت پس از رحلت حضرت امام (ره) به مرحوم سید احمد آقا گفتم: اجازه بدهید من به محضر ایشان بروم و بوسه‌ای بر ایشان بزنم، ایشان موافقت کرد و من صورت امام را به عنوان خدا حافظی بوسیدم، ولی ارتباط قطع نشد و معمولاً شبها با مهربانی به خوابم می آمد. حتی دو شب با فاصله در خواب به من فرمود: بیا کربلا! گفتم: کربلا؟! چون قبلاً کربلا رفته بودم؛ اما این دفعه - که چهار سال پیش رفتم - چیز دیگری بود. همه - عمرم یک طرف و این کربلایی که ایشان دعوت کرد یک طرف

وقتی که نهضت شروع شد و امام (ره) را تبعید کردند و بعد از نه ماه و چند روز بازگشتند. دوستان گفتند: منبر بازگشت ایشان را شما به عهده بگیرید. خود امام هم اشاره ای کردند. رفتم خدمت امام که هیجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ بود. روزنامه اطلاعات نوشته بود: چون روحانیت با دستگاه کنار آمد، ایشان را آزاد کردند. امام با آن روحیه انقلابی اش فرمود: آیا می گویی مطلب دروغ است یا نه؟ اگر نگویی خودم از پای منبر فریاد می‌زنم و می‌گویم. گفتم: این که چیزی نیست، از این مهم تر را هم

می گویم. شبی در فیضیه جلسه ای تشکیل شد، آقای قبل از من منبر رفت. موج جمعیت، سیل آسا می آمد، آن بنده خدا نتوانست منبر را اداره کند، آمد پایین. با خود گفتم: با این جمعیت که خود امام(ره) در آن حضور دارند، اگر نتوانم منبر را اداره کنم، برای امام خیلی بد می شود و مناسب نیست. از این رو، بر خدا توکل کردم و به منبر رفتم. دیدم ابتدا باید این مردم را ساکت کرد. راهش چیست؟ پس از بیان بسم الله و گفتن حمد، گفتم: الف - ب - پ - ت - ...، مردم ساکت شدند. نبض مجلس را گرفتم. آن گاه گفتم: روزنامه اطلاعات مطالب کذبی را نوشته است که روحانیت با دستگاه کنار آمده است! کدام روحانی؟ کدام روحانی می تواند با دستگاه کنار بیاید؟ امام نشسته بودند و گوش می دادند و دیدند که آن حرارت لازم را به خرج داده ام و هر چه بود با صراحت گفتم.

در بین سخن رانی، هوا بارانی شد. گفتم: ای باران! تو بیار، بدن ها را پاک کن و من هم می بارم و هر دو با هم جسم و جان را تمیز و طیب می کنیم. از این منبر، امام(ره) خرسند شدند و این منبر، تاریخی شد. برخی گفتند: در زندان صدام که بودیم، این منبر را تکرار می کردیم. بعد امام فرمودند: تو و آقای مشکینی و یک نفر دیگر همیشه باشید و من چون با امام خیلی خودمانی شده بودم، گفتم: اگر خواستید نفر پنجم را اضافه کنید که همسو باشیم با ما مشورت کنید. امام از این صراحت لهجه خیلی خوشحال شد و فرمود: من می خواهم که با من اینطور باشید، صریح اللهجه باشید، من و من نکنید. وقتی که ایشان به مقام امامت و رهبری رسید باز با ایشان صحبت و مشورت داشتم. ایشان فرمودند: فلان کس را برای نمایندگی قبول کن. گفتم: به این علت نمی توانم. به شوخی فرمود: به حرف من هم گوش نمی کنی؟

حفظ قرآن و نهج البلاغه

من چون ادبیات عرب را بسیار خوب خوانده بودم و علاقه زیادی به قرآن داشتم، به حفظ قرآن روی آوردم؛ ولی به دلیل تراکم کارها گاهی برنامه حفظ را رها می کردم تا این که سرانجام در چند سال پیش مصمم شدم که کل قرآن را حفظ نمایم که - بحمد الله - این توفیق حاصل شد و در مسابقه کشوری مقام اول را در ایران کسب کردم و نیز در مسابقه بین المللی رتبه دوم را به دست آوردم. بعدها دوستانی (دانشجویانی) از دانشگاه امام صادق(ع) آمدند و گفتند: با ما در باره حفظ قرآن،

معاهده ای برقرار فرما. گفتم: حفظ قرآن از شما و حفظ نهج البلاغه از من و این را هم می دانید که کلمات نهج البلاغه سختتر از کلمات قرآن است. سرانجام با آنان عهد کردم که اگر شما برنده شدید، من شما را به حج می برم و اگر من برنده شدم، چون شما دانشجو هستید و در آمدتان کم است، هر نفر پنج هزار تومان به فقرا صدقه بدهید. خلاصه این که پس از دو سال یکی از آنان پانزده جزء و دیگری پنج جزء را حفظ کردند و من هم موفق به حفظ کل نهج البلاغه شدم.

مسئولیت های پس از انقلاب

وقتی که حضرت امام به ایران تشریف آورد، من در اهواز بودم و سه شهر اهواز، آبادان و خرمشهر را شبانه روز سرکشی می کردم و با مردم صحبت می کردم؛ چون آنجاها منطقه مرزی و خطرناک بود. مردم می خواستند در آن جا سرهنگ ها را بکشند؛ اما من می خواستم امام بیاید و کار را تمام کند. از این رو، مواظب بودم و نمی توانستم شهرها را ترک کنم. در یازدهم بهمن ماه به من تلفن کردند و گفتند: فردا امام می آید. شما بیا به عنوان پدر شهید صحبت کن. شهید مطهری ۳۵ دقیقه با من تلفنی صحبت کرد. طولانیترین تلفنی که تا آن موقع داشتم. گفتم: من نمی توانم اینجا را رها کنم. اوضاع به هم می ریزد. درست است که دیدار امام و ملاقات اول، خیلی مورد علاقه من است؛ اما چه کنم که سه شهر به هم می ریزد. به ایشان گفتم: برای من مشکل است، ولی ایشان خیلی اصرار کرد تا این که سرانجام امام آمد و من در ۲۲ بهمن ماه به منزل امام مشرف شدم و عرض کردم: الحمدلله الذی أذهب عنا الحزن و گفتم: عذر می خواهم اگر دیر آمدم، علت را گفتم. امام فرمود: می دانم، وظیفهات همان بوده که انجام دادی اظهار لطف و محبت کرد. در همانجا یک رندی دید امام به من خیلی محبت می کند، تا آمدم بیرون دستها را روی سینه گذاشت و سلام کرد و گفت: حضرت آیه الله! هفت میلیون در اختیارت می گذاریم، اگر لازم بود به فقرا بدهید. این هم دیدار ما با امام بود و از آن بعد مشغول کار شدم. وقتی که حضرت امام بنده را برای عضویت در شورای نگهبان برگزید، عذر آوردم و برای بار دوم که تقاضا کرد، من قبول کردم. امام فرمود: بیا، به آن کارهایت هم می رسی. گفتم: چشم. در مجلس خبرگان قانون اساسی بودم و در مجلس خبرگان رهبری هم هستم. زمانی اعضای خبرگان قانون اساسی، در ۲۵ یا ۲۷ رمضان بود که خدمت امام رسیدند. ایشان مقداری صحبت کرد و همه را ارشاد کرد. آن گاه پس از پایان جلسه، به من فرمود: تو بمان، آقای بهشتی هم

بماند. یکی دو نفر دیگر هم بودند. نزد کسانی که دارای محورهای عقیده ای مختلف بودند، نمی خواستند چیزی بگویند. به ما چند نفر فرمود: مواظب باشید زن، رئیس جمهور نشود که مرحوم بهشتی خیلی با ظرافت تعبیر کردند به این که رئیس جمهور باید از رجال سیاسی باشد و دیگر این که در باره ملک مردم سفارش فرمود که بیجهت کسی تعرّض به مال مردم نکند و هر کس به بهانه این که فلانی مستکبر است به اموال او دستبرد زنند و مورد تصرّف قرار ندهند. اگر کسی از راه شرعی ملکی به دست آورده، هر چه قدر هم زیاد باشد کسی نمی تواند در آن تصرّف کند. اگر امام یک دستور کوچکی در این زمینه می داد، مردم می ریختند و روزگار سرمایه داران را سیاه می کردند؛ ولی امام می فرمود: من باید جواب خدا را بدهم. بعضیها که عمامه ای به سر داشتند، گفتند: هر کس که دارایی اش بیش از اندازه لازم باشد، حرام است. رفتم پشت تریبون، گفتم: برای ناخن چیدن روایتی لازم است که سند داشته باشد. روایتی که سند ندارد، حتی به درد ناخن چیدن هم نمی خورد. شما مال مردم را به چه دلیل بر خود حلال می کنید؟ گفتم: اگر شما بایستید، ما هم ایستاده ایم که - بحمدالله - قانون اساسی قوییی تنظیم شد

از دیگر کارهای سیاسی من این است که در سه دوره مجلس خبرگان رهبری عضویت دارم و در کمیسیون تحقیق فعالیت می کنم. این کمیسیون در باره ویژگی و صفات رهبر تلاش می کند و شاید این انفع باشد که کسی صدمه نزند و ما باید بیدار باشیم و جهاتی که لازم است حتی به خود رهبر هم تذکر بدهیم و داده ایم و ایشان هم پسندیدند. پایه مهم، رهبری است. اگر به این پایه صدمه برسد، آن سه قوه دیگر، ضعیف خواهد شد. ما باید زیر نظر رهبری کار کنیم. این جنبه را از جهت مثبت و منفی باید مورد اهتمام زیاد قرار داد

ارتباط با مقام معظم رهبری

در ملاقات های با ایشان، مطالب را بیان می کنم. ایشان با سعه صدر می پذیرد. حتی یک بار خدمت ایشان عرض کردم: شما فرمودید: من صددرصد، رئیس جمهور (آقای خاتمی) را تأیید می کنم! این مطلب، خیلی دنباله دارد! ما نمی توانیم این را کنترل کنیم. تاما بخواهیم جایی صحبت کنیم، بلافاصله می گویند: آقا ایشان را صددرصد تأیید کردند. ایشان در پاسخ فرمود: ما در مرحله خاصی به سر می بریم و من باید جمع و جور کنم که باشند و تأیید بشوند و کار کنند؛ ولی این بدان معنا نیست که شما

انتقاد نکنید. شما اگر مطلبی دارید بگویید و انتقاد کنید.

این مطلب را من به مجلس خبرگان منتقل کردم و به دوستان گفتم که عمده، محور رهبری است. مسئله رهبری را بگویید. اگر نگویید، خطر پیش می آید و به گردن شما می افتد. نکات مثبت و منفی را بگویید. تا به حال - بحمدالله - توفیق نصیب شده است.

فعّالیت های علمی

تنها اثری که از بنده به چاپ رسید، تفسیر سوره فاتحه الکتاب است. بر شعرهای عینیه ابن ابی الحدید در باره امیر المؤمنین - که هشتاد و چند بیت است - نیز شرحی نوشته ام؛ ولی اکنون نمی دانم کجا است. همچنین در باره تنظیم آیات قرآن نیز تلاش هایی انجام داده ام که البته به اتمام نرسیده است. در این زمینه بنا دارم مجموعه ای تنظیم کنم که بتوان از آن دریافت که مثلاً جمله (والله عزیز حکیم) در چند جای قرآن آمده، و یا جمله (علیم حکیم) و یا (حکیم علیم) برایش ضوابطی درست شود که هرگاه بخواهند بگویند: سوره، مثلاً همیشه بگویند: (علیم حکیم). این برای حافظه هم خوب است و اگر مثلاً در سوره انعام است، همیشه بگویند: (حکیم علیم). یا مثلاً در باره این که سیر لیل و نهار همه لی» و آن در سوره لقمان است. این یک مطلبی است که جمع و آجا با «ل» آمده، ولی یک جا با «ا» جورش کرده ام، ولی هنوز کامل نشده است. کار من بیش تر روی قرآن و نهج البلاغه است. این که از شورای نگهبان کنار کشیدم برای آن بود که در این پایان عمر، چیزی در باره قرآن بنویسم، نکاتی را که کمتر در تفاسیر گفته شده است از خود قرآن و روایات استخراج کنم و به آن ها پردازم.

محمود لطفی نیا قاری ممتاز و داور قرآن کریم



آقای محمود لطفی نیا در ۲۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۳ شمسی در شهر لاهیجان از توابع استان گیلان دیده به جهان گشود. ولادت او در خانواده ای کم درآمد و در عین حال سرشار از جاذبه های معنوی بود آقای لطفی نیا همچون بسیاری دیگر از قاریان قرآن بانوای دلنشین و روح انگیز استاد عبدالباسط در وادی تلاوت گام نهاد و نخستین بار در سال ۱۳۵۴ هـ ش جهت آموختن تکالیف دینی به مسجد محل قدم گذارده در جلسات قرآن استاد عزیزاده شرکت نمود

او که متأثر از صوت گرم مرحوم عبدالباسط، اشتیاقی وصف ناپذیر نسب به تلاوت قرآن در خود یافته بود زندگی قرآنی خود را به این ترتیب آغاز نمود او از مادرش، استاد حاج آقا علیزده و استاد محمد پُر دل به عنوان عوامل اصلی در امر پرورش قرآنی خود یاد می کند

حاج محمود لطفی نیا در ابتدای امر از استاد مرحوم عبدالباسط و سپس استاد مرحوم مصطفی اسماعیل پس از آن برای یافتن شیوه مستقلی در امر تلاوت به طور متناوب به تقلید از قاریان دیگری چون محمد عبدالعزیز حسان، کامل یوسف البطینی، محمد محمود رمضان، سید محمد نقش بندی، محمد عمران، محمد رفعت، عبدالفتاح شعشاعی پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ساماندهی فعالیتها بویژه آموزشهای قرآنی در شهرستانها، اجرای تلاوتهای او به تقلید از قاریانی چون عبدالباسط و شرکت در جلسات سنتی به مسابقات مختلف قرآن کریم کشیده شد و به این وسیله به سنجش آموخته های خود پرداخت.

لطفی نیا همچنین از محضر اساتیدی چون شهیدی و رنجبر نیز در امر تلاوت بهره گرفت و تحصیلات خود را در رشته ادبیات عرب مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم و قرآن و حدیث دانشگاه تهران ادامه داد و علاوه بر تحصیلات دانشگاهی به تحصیل دروس حوزوی در شهرستان کاشان پرداخت و در فاصله سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ در مدرسه علمیه مرحوم حاج آقا رضا مدنی تحصیل خود را در حدود اتمام رسائل در مکاسب ادامه داد.

آقای محمود لطفی نیا در سال ۱۳۶۹ ازدواج نمود و یک فرزند او به نام محمد حسین شیفته تلاوت قرآن و اجرای اذان است. همسرش نیز که از دبیران معارف اسلامی است با قرآن و مفاهیم عالی آن مأنوس است. و در مسابقات قرآن دوران تحصیل نیز رتبه هایی به دست آورده است

آقای محمود لطفی نیا علاوه بر امر تلاوت در زمینه خوشنویسی نیز توفیقاتی بدست آورده است و در رشته های خوشنویسی چلیپا، کتابت، و نسخ درجه ممتازی را کسب نموده است.

آقای لطفی نیا نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات سراسری قرآن کریم در مدرسه علمیه شهید مطهری در سال ۱۳۵۹ اجرا نمود حاج محمود لطفی نیا در سال ۱۳۵۹ در مسابقات استانی رشت رتبه برتر در مسابقات کشوری قرآن کریم در مدرسه عالی شهید مطهری رتبه سوم را از آن خود ساخت در سال ۱۳۷۵ در مسابقات قرآن کریم دانشجویان کشور در تبریز رتبه نخست این دوره از مسابقات را از آن خود نمود. در همان سال نیز در مسابقات کشوری اوقات در شهر ارومیه رتبه نخست را بدست آورد و بدین ترتیب در مسابقات بین المللی قرآن کریم در سال ۱۳۷۵ در حسینیه ارشاد رتبه برتر را کسب کرد.

آقای لطفی نیا علاوه بر تلاوت قرآن و شرکت در مسابقات قرآن کریم به امر داوری نیز پرداخته است از جمله آنها در سال ۱۳۶۸ به کشورهای امارات، اتیوپی و ماداگاسکار سفر نمود. در سال ۱۳۶۹ به پاکستان و در سال ۱۳۷۵ به لبنان و در سال ۱۳۷۹ نیز به تایلند مسافرت داشته است.

آقای لطفی نیا در ایام و دوران دفاع مقدس چندین ماه در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضور داشته است او معتقد است که تمامی زندگیش در معیت قرآن رنگی دیگر داشته و آشنائیش با کلام وحی را از همان آغاز طفولیت از برکات الهی می داند او به قاریان قرآن نیز توصیه می کند که در امر تلاوت ابتدا به رفتار و اخلاقشان بنگرند و با قرآن منطبق کنند که آیا رفتاری در شأن کلام وحی دارند یا خیر؟

او که سالها علاوه بر تلاوت قرآن به امر تدریس در زمینه های مختلف چون صوت و لحن پرداخته، به قاریان قرآن سفارش می کن که در ابتدای امر تلاوت، به تقلید از یکی از قاریان برجسته مصری بپردازند و به تدریج خود سبکی برگزینند. او همچنین توصیه می کند که قاریانی که در ابتدای راه هستند به امر تجوید بیشتر توجه کنند و آنرا بکار ببندند.

آقای لطفی نیا تاکنون در متعددی بتدریس صوت و لحن قرآن پرداخته است از جمله تربیت مربی حوزه علمیه قم، دوره های کانون قرآن دانشگاه آزاد اسلامی، دوره های منطقه تربیت قرآن سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه های عالی آموزش تخصصی قاریان نوجوان و جوان شورای عالی قرآن. او همچنین در زمینه های مختلف تلاوت به گرد آوری جزواتی پرداخته که در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید.

آقای حاج محمود لطفی نیا از سال ۱۳۶۰ تا کنون به تدریس جلسات مختلف پرداخته است که نخستین جلسه رسمی او در سال ۱۳۶۴ در شهر کاشان تشکیل شد که یکسال به طول انجامید آقای لطفی نیا در حال حاضر دبیر آموزش و پرورش گیلان می باشد و همزمان نیز به تحصیلات علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران ادامه می دهد. آقای لطفی نیا از اساتید رفعت، عبدالفتاح شعشاعی و مصطفی اسماعیل به عنوان قاریان برتر مصر از ابتدا تا کنون یاد می کند. و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید شعیشع، غلوش و حسان را برترین می داند او از جمله قاریانی است که علاوه بر تلاوت به امر ابتهال و تواسیح نیز اهتمام می ورزد، اشتیاق به ابتهالات دینی باعث شده تا در محافل مذهبی، قرآنی و نیز صدا و سیما به اجرای ابتهال نیز بپردازد او در توصیه اش به جوانان و نوجوانان تأکید دارد بر استماع مداوم قرائت استادان مصری که جوانها می خواهند آنرا الگو خود قرار دهند و در غیر اینصورت خیلی دیر نتیجه خواهند گرفت بخصوص اگر تحت نظر استاد نباشند

منصور قصری زاده حافظ و قاری قران کریم



استاد “منصور قصری زاده” دارنده ی رتبه نخست مسابقات قرآنی دانشجویان سراسر کشور در سال های ۶۵ و ۶۷ و مقام اول مسابقات بین المللی قران کریم در مالزی در سال ۷۰ و نیز حفظ کل قرآن کریم و از افتخارهای ایران زمین است . او متولد ۱۳۴۶ در شهر تهران و در خانواده ی متدین و مذهبی به دنیا آمد .

پدر و مادر او با فراهم کردن فضای مناسبی در خانه و همراهی صمیمانه و نیز تشویق های سازنده موجبات موفقیت او را فراهم کردند از جمله مشوقین اصلی او، دایی شان آقای اکبر شریعتمداری بود که خود قاری قرآن بود .استاد موفقیتش را مدیون خانواده و دایی خود می داند و می گوید همین قضیه باعث شده که آنها از من راضی باشند و از اینکه آنها از من راضی اند خیالم راحت است .

او مدرک فوق لیسانس رشته ی الهیات و علوم حدیث از دانشگاه تهران دارد و صاحب سه فرزند صالح و دوست داشتنی است که در راه پدر گام بر می دارند .

دخترشان کلاس اول راهنمایی و از قاریان ممتاز مدرسه است و محمد حسین ، پسر ۷ ساله ایشان نیز در جلسات قرآنی شرکت می کند و محمد مهدی ۲ ساله هم فعلاً ادای قرآن خوانها را در می آورد .

پدر این خانواده قرآنی، استاد قصری زاده از ۹ سالگی کار قرائت قرآن را به سبک استاد عبدالباسط شروع کرد ۱۵ ساله بود که انقلاب جمهوری اسلامی ایران پیروز شد و پس از آن رادیو جمهوری اسلامی با اعلان عمومی از همه قراء دعوت کرد که در تست و گزینش شرکت کنند او هم در گزینش حاضر شد، قرائت زیبای او را برگزیدند و از او خواستند در کلاسهای فراگیری نغمه ها و دستگاههای استاد سید محسن موسوی بلده شرکت کند و پس از اتمام دوره در رادیو پذیرفته شد.

در سال ۶۵ قرائت ایشان را از مسجد شیخ فضل الله نوری ضبط و در تلویزیون پخش کردند و بعد از آن ایشان به صورت کلاسیک کار تجوید و قرائت را ادامه داد و از محضر اساتیدی چون مرحوم اربابی استفاده و در مسابقات بسیاری شرکت کرد که از شاخص ترین آنها در سال ۶۶ مسابقات دانشجویی بود که امتیاز نفر اول را کسب کرد و همچنین مسابقات حج بود که در همان سال برگزار شد و باز نفر نخست مسابقات شد و در سال ۶۸ در مسابقات استان تهران نفر اول شد و در مسابقات کشوری سال ۶۹ نفر دوم و برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به همراه داور مسابقه استاد عبایی به مالزی رفت و آن سال مصادف بود با جنگ عراق و آمریکا و جنگ خلیج فارس و به همین خاطر ایران را از شرکت در مسابقات محروم کرده بودند و آنها اطلاع نداشتند و تا مالزی رفتند و بدون شرکت در مسابقه برگشتند. سال ۷۰ بار دیگر برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به یاری خداوند نفر اول شد. خاطره از دوران جوانی: سال ۷۱ بعد از اینکه از مسابقات مالزی برگشته بودم همراه پدرم خدمت رهبر عزیز "آیت الله خامنه ای" رسیدیم و هدیه ای را که آنجا به من داده بودند که قرآنی در یک کاپ نقره ای بود، خدمت ایشان تقدیم کردیم.

ایشان سؤالاتی از من کردند در رابطه با آن قرآن و چاپ آن و وضعیت مسابقات و بسیار تشویقم کردند برای ادامه ی راه و آن دیدار برای من بسیار شیرین و به یاد ماندنی بود. مسافرتها ی خارج از کشور او قریب به ۴۰ کشور است؛ از جمله سوریه، چین، پاکستان، انگلیس، اتریش، تایلند، ماداگاسکار، اتیوپی، عراق، سریلانکا و... در خاطراتی از سفرهایش می گوید: اخیراً در سفری که به انگلیس رفتیم آنجا قاریان مصری هم دعوت شده بودند.

حقیقتاً وقتی بچه های ایرانی قرائت می کردند قرائتشان چیزی کمتر از قراء مصری نبود حداقل اینکه شانه به شانه مصریان بودند و این نظر من از باب استقبال مردمی بود که در مقابل قراء ایرانی نشان می دادند و با شوق فراوان به قرائت ایرانیان گوش می سپردند . و این نشان می دهد که به رغم آنکه ایرانیان فارسی زبان اند و تقلیدشان بیشتر از استماع است تا بحث های علمی و نقلهای سینه به سینه ولی در بسیاری از موارد از مصریان جلوتر هستند . من در سال ۷۰ که در مسابقات مالزی شرکت کردم یکی از رقبای من مصری بود . بنده به کمک خداوند مقام اول را آوردم و او نفر پنجم شد . یک غلط اعرابی هم داشت و غلط قرائت کرد . ولی قراء مصری شهرت جهانی دارند چرا ؟ استاد در پاسخ می گوید : در کل می توان گفت مصریان صاحب سبک اند و سبک و سیاق قرائت قرآن را مصریان ابداع کردند و مصر یکی از کشورهای صاحب تمدن و فرهنگ است و ذوق خواندن در مدایح و ابتهالات دینی در مردمش وجود دارد قشرهای مذهبی در قرائت و قشرهای غیر مذهبی در زمینه های دیگر و احساس می شود که قرائت قرآن به سبک مصری با فطرت انسان منطبق است این یکی از ریشه های شهرت قراء مصری می باشد . در مورد جذابیت و گیرایی قرائت می گوید : جذابیت های صوت و لحن در قرائت بسیار دارد . اگر شما نیم ساعت ترتیل گوش کنید شاید گوشتان از نظر موسیقایی خسته شود اما در قرائت اختیارات انسان در صوت و لحن بیشتر است و قاری قدرت مانور دارد ؛ در آیات عذاب می تواند حزین و اندوهگین بخواند و در آیات بهشتی مهیج و شاد بخواند . مثلاً در قرائت تحقیق استاد عبدالباسط " اذا الشمس " و ... جذابیت و زیبایی و اثرگذاری قرائت متجلی است . خدا رحمت کند کسانی مانند عبدالباسط زمینه را فراهم کردند و دنیا را با این قرائت ها هدایت کردند و الان حدود ۹۹٪ قراء جهان از سبک آنها پیروی می کنند . استاد قصری زاده اگر چه الان در جلسات قرآنی زیادی حضور ندارد . اما از قرآن جدا نشده و همواره قرآن چراغ روشن گر راه زندگی او در زندگی شخصی و اجتماعی اش است ایشان همچنین در مسابقات خارج از کشور و در مراسمات حج تمتع دعوت می شود و حضور دارد . در حال حاضر جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم در مسجد شهدا واقع در خیابان ۱۷ شهریور ، اتوبان شهید محلاتی ، شبهای جمعه ، قبل از نماز مغرب و عشاء با حضور استاد منصور قصری زاده برگزار می شود . این جلسات بیست سال است که با کمک هیئت امناء ، امام جماعت و بسیج مسجد دایر است .



آقای حسین کرمی روز اول فروردین سال ۱۳۴۲ در شهر اردبیل در خانواده ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. جدّ مذهبی خانواده از همان آغاز، بر عشق و اشتیاق به قرآن را در ژرفای وجود او نشانده و ایشان را در جرگه عاشقان و دوستداران این کتاب انسان ساز قرار داد.

و به این ترتیب او که خانه دلش از شنیدن تلاوت قرآن از رادیوی قاهره در ۸ سالگی به قرائت قرآن علاقه مند شد و به جلسات قرآن شهر اردبیل رفت. دکتر حسین کرمی از همان سن ۸ سالگی با شرکت در جلسات قرآن شهر اردبیل و همزمان با تحصیل و تجوید به فراگیری مقدمات تلاوت قرآن هم پرداخت و با گوش دادن به نوارهای تلاوت اساتید مشهور مصری توانایی خودش را در مسیر تلاوت بیشتر کرد. او با تقلید از تلاوت های استاد منشاوی در آغاز کار و بقیه اساتید در ادامه کار، اولین گامها را در مسیر تلاوت برداشت و توانست به موفقیت های چشمگیری در مسیر تلاوت دست پیدا کند.

دکتر کرمی از جمله قاریانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه های قرآنی و تلاوت به فراگیری علم و دانش نیز اهتمامی وافر دارد. به همین دلیل هم تحصیلات خود را تا مقطع فوق تخصص جراحی کلیه ادامه داده و د حال حاضر دارای مدرک دکترای فوق تخصص جراحی کلیه است.

دکتر حسین کرمی به موسیقی عرفانی و هم چنین از میان رشته های ورزشی به فوتبال علاقه دارد. وی علاوه بر مدارای بیماران کلیوی در بیمارستان شهدای تجریش عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد

رتبه هایی که تا کنون آقای حسین کرمی در مسابقات مختلف بدست آورده است عبارتند از

- ۱- رتبه نخست در مسابقات کشوری که در شهر مقدس قم برگزار شد
- ۲- رتبه نخست در سال ۱۳۷۸ در شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران
- ۳- رتبه دوم در سال ۱۳۷۲ در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی.
- ۴- رتبه نخست در سال ۱۳۷۷ در کشور سوریه و در مسابقات قرآنی

آقای حسین کرمی در سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و یک فرزند بنام امیر علی دارد و همسرشان دارای مدرک دکترای در رشته زنان و زایمان است و ایشان هم به مسائل مختلف قرآنی علاقه وافر دارند. دکتر حسین کرمی نیز مثل بسیاری از قاریان برجسته در ابتدای کار از سبک قاریان مصری مثل استاد منشاوی تقلید کرده است اما اعتقاد دارد که هر قاری قرآنی در ابتدای کار تلاوت باید از قاریانی مثل منشاوی، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات محمد انور و متولی عبد العالی تقلید نماید و بعد از طی مراحل ابتدایی باید از تقلید محض خارج شود و با تسلط بر الحان و موسیقی عربی و قرآن به تلاوت پردازد و میان معنا و الفاظ آیات در تلاوتهایش پیوند برقرار نماید

ایشان تا کنون به کشورهای زیادی همچون مالزی، سنگاپور، هند، بنگلادش، سوریه و ترکیه برای تلاوت قرآن سفر کرده و بیش از ده بار برای انجام مناسک سیاسی عبادی حج به عنوان قاری اعزام شده است. آقای دکتر حسین کرمی از اساتیدی مثل مصطفی اسماعیل، عبد الباسط و منشاوی به عنوان بهترین و برترین قاریان عصر طلایی تلاوت در مصر یاد می کند و همچنین از اساتیدی مثل شعیشع، شحات محمد انور و احمد نعینع به عنوان قاریان برتر کنونی در مصر نام می برد

دکتر کرمی که خود از قاریان برجسته کشور است و بارها در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته است به قاریان ایرانی سفارش می کند که برای موفقیت در امر تلاوت ابتدا به فراگیری

تجوید و اصول صحیح آن از اساتید برجسته فن تجوید پیردازند و بعد از آنکه تجوید را تکمیل کردند به مسائل دیگر روی بیاورند و برای فراگیری لحن خوش و مطابق با آیات، بسیار به نوارهای مختلف اساتید قرآن گوش جان بسپارند و نکات لازمه آن را از تلاوتهای مختلف فرا بگیرند. ایشان همچنین تقلید را در ابتدای امر تلاوت لازم و ضروری می دانند آنرا باعث خلاقیت در انسان می شمارد زیرا هنگامی که انسان به طور کامل تقلید از یک قاری را انجام داد باید تقلید را کنار بگذارد و تمام آنچه را که از تقلید آموخته و بدست آورده در تلاوتهای خود به نحو بدیع بکار برد و او آخر سفارش می کند که قاریان قرآنی اخلاق و رفتار قرآنی را رعایت کنند و به آن ملزم باشند و به پیش .کسوتان در امر تلاوت احترام بگذارند و به آیات قرآن عمل کنند

سید محسن موسوی بلده قاری برجسته قران کریم و نویسنده حلیه القران



استاد سید محسن موسوی بلده ۱۹ شهریور ماه ۱۳۳۲ شمسی در شهر تهران دیده به جهان گشود ولادت او در خانواده ای مذهب، اولین طلیعه آشنایی او با کتاب انسان ساز قرآن شد جو مذهبی خانواده و اشتیاق قرآنی اقوام مادری، عامل دیگری در تربیت قرآنی او شد زیرا علاقه اقوام مادریش بخصوص دایه‌های او که همگی از ذاکران اهل بیت (علیه السلام) بودند اشتیاق او را نسبت به فراگیری قرآن دو چندان ساخت

به‌همین دلیل پیش از ورود به دبستان بذر عشق به قران در نهادش جای گرفت و بتدریج باور شد پس از آن بود که با تشویق والدین و نزدیکان، زندگی قرآنی رقم خورد. استاد موسوی علاوه بر والدینش از خود او در استادش وطنی بعنوان کسی که نقش تعیین کننده در پرورش قرانی او داشته یاد می کند این باره می گوید جناب آقای وطنی معلم قرآن کلاس چهارم دبستان، بود. او علاوه بر ظاهری بسیار مرتب و منظم، تدریس بسیار خوب و منظمی داشت. در آن زمان که کلاسهای قرآن مدارس و حتی هیئتهای مذهبی، وضع منظمی نداشت او با روش ویژه در آهنگین خواندن استفاده و با لحن خواندن آیات تمام شاگردان را به پیروی از سبکش موظف می ساخت

استاد سید محسن موسوی در مراحل مختلف آموزش و فراگیری قرآن از محضر اساتیدی چون استا محمد تقی مروت بهره گرفت و علم تجوید را نزد او فرا گرفت. از دیگر اساتید او مرحوم دکتر سید ابراهیم مفیدی جراح و متخصص بیماریهای زنان بود که از محضر او بهره ها برد

اگر چه پیش از انقلاب و حتی سالهای قبل از آن جلسات قرآن و فراگیری آن مانند امروز منظم و دقیق نبود مباحث چون آموزش صوت و لحن مانند امروز وجود نداشت، با وجود این در اطراف و اکناف شهر تهران جلساتی به شیوه سنتی و هیئتی برقرار بود که بسیاری از قاریان برجسته کشور در این جلسات به فراگیری قرآن پرداختند.

حاج محسن موسوی بلده در سال ۱۳۳۸ هـ ش تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان محمودیه اسلامی که آغاز کرد.

و در سال ۱۳۴۴ به پایان رساند. پس از آن در همان سال در مدرسه امیر کبیر تحصیلات دوره راهنمایی را آغاز کرد. و در سال ۱۳۵۰ دیپلم طبیعی را از دبیرستان جعفری اسلامی گرفت و از آنجا که به تحصیل و فراگیری علم و دانش علاقه وافری داشت در میان تمامی دبیرستانهای منطقه ۱۷ آموزش و پرورش آن زمان رتبه ممتاز را کسب نمود. که او عشقی بی نهایت به قرآن داشت در تمامی این سالها در کنار درس و تحصیل به فراگیری قرآن نیز می پرداخت و بدین ترتیب آینده اش در جوار این کتاب انسان ساز رقم خود. او در سال ۱۳۵۰ در رشته فیزیوتراپی در دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۴ به دریافت مدرک کارشناسی این رشته نائل شد و پ از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۵۶ در مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر شهر ری مشغول به کار شد.

آقای سید محسن موسوی یکی از قاریان برجسته کشور در سال ۱۳۵۷ با خانم روحانی منش ازدواج نمود که او نیز معلم قرآن و مسئول بخش فرهنگی اداره دارالتحفیظ قرآن کریم است و علاقه و اشتیاق وافری به علوم قرآنی دارد ثمره این ازدواج سه فرزند دختر است از آنجا که استاد موسوی و همسرش از علاقه مندان و مشتاقان این کتاب الهی اند و در این زمینه فعالیت دارند عشق به قرآن در تمامی خانواده دیده می شود و فرزندان اگر چه قاری قرآن محسوب نمی شوند اما آشنایی کامل با تجوید قرائت دارند و در این زمینه فعالیت دارند.

استاد سید محسن موسوی در ابتدا به سبک استاد مرحوم عبدالباسط تلاوت می کرد پس از آن از سال ۱۳۴۸ تا به تلاوتهای مرحوم علی البنا علاقه مند شد و به سبک او روی آورد خود او در این باره

می گوید: من با تلاوت استاد مرحوم علی البّناء آشنا شدم و آنچنان شیفته تلاوتهای این استاد بودم که چه شبها و روزها که نوار تلاوت علی البّناء را می شنیدم و یا با برنامه هایی که بصورت زنده از تلاوتهای این استاد، سبک تلاوت مرا تفسیر داد. در آن زمان استاد موسوی با پیروی از سبک مرحوم علی البّناء سبکی نو برای تلاوت خود برگزیده بود. پس از آن تلاوتهای استا احمد شیب و مدتی هم .تلاوتهای استاد برجسته شیخ محمد عبدالعزیز حسان، آقای موسوی را به سمت خود جذب کرد

استاد سید محسن موسوی بلده از جمله قاریانی است که اگر چه مدتهای مدید از تلاوت قاریان برجسته ای چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، احمد شیب و عبدالعزیز حسان بهره ها گرفتند ولی هرگز به تقلید محض توجه نداشت و همواره سعی می کرد سبک این اساتید برجسته را اقتباس کند و هرگز به تقلید از حرف از آنها نپردازد. ایشان در همین زمینه به قاریان قرآن سفارش می کنند که در آغاز کار از استادی مشخص شروع کنند، نوارهای این استاد را آنقدر بشنوند و تقلید کنند تا زیر ساخت قوی برای نحو بدست آید پس از آن در دومین مرحله از استادی دیگر چند نوار تقلید شود تا به تدریج امر تلفیق در سبکها تلاوت بدست آید استاد موسوی به قاریان ایرانی سفارش می کند که در مرحله تلفیق تلاوتهای اساتید مختلف باید در تلاوتها چنان ذوب شوند تا همه آن را فرا بگیرند و نیز قاریانی که در ابتدای راه هستند باید حتما تلاوتهای خود را ضبط کنند و بشنوند و ایرادات آنرا برطرف کنند. توصیه ای که نه تنها برای برای ابتدای راه بلکه سازمانی که تلاوت انجام می شود باید آنرا در نظر داشت ایشان همچنین به قاریان قرانی سفارش می کنند که از تمرکز بر تجوید و صوت و لحن در ابتدای کار باید پرهیز کنند و تنها باید به مفهوم و معنای آیه پرداخت زیرا اگر تلاوت بر اساس مفهوم و معنا انجام شود لحن تلاوت هم طبیعی و جذاب خواهد شد.

استاد سید محسن موسوی از جمله قاریان و اساتیدی است که علاوه بر داخل کشور سفرهایی نیز به نشر فرهنگ قرآنی به برخی از کشورها داشته و در آنجا به تلات پرداخته است. او در سال ۱۳۵۷ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب گروهی اعزامی از دار التحفیظ قرآن کریم به مکه معظمه و مدینه منوره سفر کرد. او همچنین به همراه اقایان مرتضی رهنما، ذبیح الله تمرکز امیر محمودیون و احمد و احمد زرنگار به کشور سودان سفر کرده است. از جمله کشورهای دیگری که استاد مولوی در آنها به

تلاوت پرداخته می توان به کشورهای مالزی، فرانسه، بنگلادش، امارات متحده عربی، برزیل آراژانتین، سنگاپور، آلمان و ترکیه اشاره کرد که تلاوت ایشان را این کشورها با استقبال پرشور مردم مواجه بوده است

یکی از خدمات ارزنده قرآنی استاد سید محسن موسوی به جامعه قرآن دوست کشور، کتاب دو جلدی حلیه القرآن در خصوص قواعد تجوید به روایت حفص از عاصم است که تا کنون با تیراژ سه میلیون منتشر شده است.

استاد سید محسن موسوی تا کنون در بسیاری از مراکز قرآنی به تدریس تجوید قرآن کریم پرداخته که از آن جمله می توان به تدریس دوره ای و مقطعی در آموزش و پرورش، تدریس تجوید در ارتش جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی، سازمان تبلیغات اسلامی، دار التحفیظ القرآن الکریم و نیز جلسات آموزش تجوید خواهران که از سالها قبل در منزل ایشان برگزار می شود و خدمت بزرگی به جامعه قرآنی خواهران است، اشاره کرد

استاد سید محسن موسوی در اولین مراسم حج تمتع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در معیت ایه الله العظمی خامنه ای به حج تمتع مشرف شده است. و در محضر ایشان به تلاوت پرداخته است. استاد موسوی اکنون به عنوان مسئول بخش فیزیولوژی مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر تهران به فعالیت مشغول است.

مهدی قره شیخ لو قاری و داور بین المللی قرآن کریم



تحصیلات : کارشناسی علوم قرآن و حدیث

آقای حاج مهدی قره شیخ لو در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۴۷ هـ ش در منطقه امامزاده حسن تهران دیده به جهان گشود. ولادتش در میان خانواده ای مذهبی و مقید به آداب اسلامی، نوید بخش آینده ای قرآنی برای او بود و پس از آنکه بصورت اتفاقی در جلسه آموزش قرآن محل شرکت نموده و بذر عشق و اشتیاق در دلش جای گرفت پدر و مادر در شمار نخستین حامیان و مشوقان او را در مسیر قرآن رهنمون گشتند و در مرحله دوم معلم قرآن، دوره راهنمایی او و نیز حضور در جلسات درس جناب آقای توپچی زمینه را برای آموخته شدن هر چه بیشتر روح و جانش با کلام پروردگار هموار ساخت، آقای قره شیخ لو روخوانی و روانخوانی قرآن کریم را در سال ۱۳۶۱ تجوید را در فاصله سالهای ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۴ و صوت و لحن قرآن کریم را بصورت کلاسیک از ۱۳۶۴ آغاز کرده است و ممارست در این زمینه مشغول است. آقای قره شیخ لو علاوه بر فعالیتهای قرآنی تحصیلات خویش را در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران ادامه داده و مدرک کارشناسی این رشته را در سال ۱۳۷۷ اخذ نمود. او در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرده و ثمره این ازدواج سه فرزند است. و از آنجا که همسرش نیز از معلمان قرآن کریم فرزندانیش نیز در یادگیری مباحث قرآنی مشغولند

نام اساتید : خدام حسینی ، اربابی ، موسوی ، حاجی شریف و غفاری

شروع فعالیت : او از سال ۵۹ فعالیت قرآنی خود را شروع کرد و با استفاده از اساتید خود با حضور در جلسات قرآن کریم به فراگیری قرائت قرآن اقدام نمود و پس از کسب تجارب و الگو قراردادن سایر

اساتید در زمینه آموزش قرآن قدم برداشت و در این راستا کلاسهای مختلفی را در برخی استان ها راه اندازی نمود و در زمینه نشر معارف قرآنی با نهادها و سازمان های مختلف همکاری کرد

مقام های کسب شده

- نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه استان تهران سال ۷۱
- نفر اول مسابقات قرآن کریم سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران سال ۷۱
- نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه سال ۷۱
- نفر اول مسابقات کشوری قرآن کریم سازمان تبلیغات اسلامی سال ۷۱
- نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران سال ۷۱

: مأموریت های قرآنی در داخل کشور

- داوری مسابقات استانی قرآن کریم کل استان ها سالهای ۶۴ تا ۸۲
- داوری مسابقات سراسری قرآن کریم شکوفه ها
- حضور فعال در محافل انس با قرآن و مجالس قرآنی در تمامی استانهای کشور

: مأموریت های قرآنی در خارج از کشور

- سفر به کشورهای عربستان سعودی ، سوریه ، لبنان ، بنگلادش ، امارات متحده عربی ، پاکستان ، ترکیه ، سودان ، جمهوری آذربایجان ، چین ، هندوستان ، سریلانکا ، ایتالیا ، فیلیپین ، تایلند ، مالزی ، آفریقای جنوبی و موازمبیک جهت تبلیغات قرآنی

• آقای قره شیخ لو همچنین ۹ بار توفیق سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره را داشته است او می گوید: در تمامی این سفرها با استقبال بی سابقه مردم مواجه می شدیم و به طور کلی در تمامی کشورها از تلاوت قاریان ایرانی استقبال می شود که این موضوع باعث شگفتی است. آقای قره شیخ لو بارها در صدا و سیما به تلاوت پرداخته است او از تلاوتش در برنامه بسوی نور که در سن ۱۳ سالگی در سیما

یاد می کند. آقای قره شیخ لو تا کنون چندین بار توفیق تلاوت در محضر مقام معظم رهبری را داشته است. از جمله در مراسم اختتامیه پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم و یا در ایام ماه مبارک رمضان که موفق به تلاوت در حضور معظم له شده است

آقای قره شیخ لو در ابتدای کار تلاوت از قاریانی چون مرحوم استاد منشاوی، استاد محمود علی البنا و استاد مصطفی اسماعیل تقلید می کرد و مانند بسیاری از قاریان معتقد است که تقلید از قاریان مصری به عنوان نخستین مرحله زیادگیری صوت و لحن، از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. او در حال حاضر در دوره ای تخصصی مراکز چون تربیت معلم، و تربیت داور در سازمانها و نهادهای مختلف تدریس می کند او اساتید مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط را سه قاری برتر مصر از ابتدا تا کنون می داند و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید حسّان، شحات محمد انور و الیثی را از قاریان برتر کنونی مصر بر می شمارد

آقای قره شیخ لو از جمله قاریانی است که سالهای دفاع مقدس را با تمام وجود درک کرده و در برخی عملیاتها حضور داشته است او در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ جزو نیروهای فرهنگی با نام معلم قرآن در جبهه جنوب و مناطق پاسگاه زید، جفیر و مهران مشغول به خدمت شد آقای قره شیخ لو دوبار نیز در شمار نیروهای رزمی در سالهای ۱۳۶۵ الی ۱۳۶۷ در منطقه جنوب و در عملیاتهای کربلای ۵ و مرصاد شرکت نمود آقای قره شیخ لو زندگی شخصی اجتماعی و خانوادگی خود را مرهون قرآن می داند و می گوید: کسی که با قرآن همنشین شد در تمامی ابعاد زندگی موفق خواهد شد و به همین دلیل نیز همواره در تلاش بوده تا بتواند آنچه را که در سایه سار کلام وحی آموخته در جلسات به دوستداران قرآن بیاموزد. در سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ در دار القرآن سازمان تبلیغات اسلامی و دو سال نیز در کانون علوم پزشکی تهران به فعالیت پرداخت و هم اکنون نیز جانشین مسئول کمیته قرآن شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی است و علاوه بر این از سال ۱۳۷۷ تا کنون در بسیاری از مسابقات قرآن کریم داوری کرده است

آقای مهدی قره شیخ لو معتقد است که فعالیتهای قرآنی در کشور پاسخگوی نیاز جامعه نیست و به رغم اقدامات بسیاری که انجام شده ضعفهایی نیز وجود دارد

او در توصیه اش به جوانان می گوید: تا آنجا که می توانند وقتشان را برای قرآن صرف بکنند و سعی نمایند که با قرآن مأنوس شوند چون هر چه که ما برای قرآن وقت بگذاریم جز خیر و برکت، چیزی نخواهد بود و جوانان بهتر است که بهترین لحظات عمرشان را که همان جوانی است در جلسات پر نشاط و شاداب قرآنی صرف بکنند و بتوانند در آن لحظات از قرآن بهره بگیرند و تا آنجا که می توانند با قرآن مأنوس شوند.

محمد حسین سبزعلی قاری ممتاز قران کریم



حاج محمد حسین سبزعلی در اول آبان ماه سال ۱۳۳۵ در شهر تهران چشم به جهان هستی گشود. تولد او در خانواده ای مذهبی، زمینه ساز پرورش در مسیر پربرکت قرآن کریم شد

شنیدن تلاوت قرآن توسط یکی از اعضای هیئت محله اولین بارقه های عشق و علاقه به تلاوت قرآن را در او ایجاد کرد. پس از آن آشنایی با یک قاری به نام حاج محمد ثابتی و شرکت در کلاسهای آموزش او، اشتیاق آقای سبزعلی را به امر تلاوت قرآن دو چندان نمود محمد حسین سبزعلی از پدر و مادرش، آقای محمد ثابتی و نیز استاد ابراهیم پور فرزید به عنوان افراد مؤثر در امر تربیت و آموزش قرآن خود یاد می کند

او توصیه های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۵۲ درباره قران و همچنین شرکت در جلسات قرآن مسجد علی ابن موسی الرضا علیه السلام را در پیمودن این مسیر بسیار مؤثر می داند. آقای سبزعلی آموزش علوم مختلف قرآنی را از سال ۱۳۵۰ در تهران آغاز کرد. آقای سبزعلی دارای دیپلم طبیعی است. او در سال ۱۳۶۰ ازدواج کرده و سه فرزند دارد. فرزندان و اعضای خانواده او نیز در قرائت قرآن تلاش خوبی دارند و در این راه از راهنمائیهای ارزشمند پدر، بهره ها می گیرند. محمد حسین سبزعلی برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ موفق شد در رادیو سراسری تلاوت کند. او می گوید اولین بار که صدای خود را از رادیو شنیدم، باورم نمی شد و خیلی منقلب

شده و تصمیم گرفتم تا آخر عمر این راه نورانی و جذاب را ادامه دهم.
حاج محمد حسین سبزعلی در امر تلاوت قرآن در ابتدا از استاد عبدالباسط سپس از محمود علی البنا
تقلید می کرد

و بمدت دو سال از مرحوم شعبان محمود عبدالعزیز صیاد و آنگاه از مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید
می کرد او در زمینه تقلید از قاریان مشهور کشور مصر معتقد است: باید از بزرگان و مشاهیر قرائت
قرآن در جهان که قدمت بسیار دارند تقلید نمائیم و تلاش کنیم با قاریان کنونی کشور مصر به رقابت
بپردازیم

آقای سبزعلی توجه به قاریان جوانی را که در ابتدای راه تلاوت قرآن هستند به **۴ نکته** جلب می
کند:

اول اینکه هر روز هر نوار یک قاری که انتخاب نموده اند گوش کنند **دوم** در جلسات قرآن اساتید
شرکت کنند و تلاش کنند جلسه ای که می روند از بهترین ها باشد **سوم** هر روز ۲ یا ۳ مرتبه تمرین
تلاوت قرآن داشته باشند و **چهارم** اینکه در امور اجتماعی و اخلاقی باید در حد عالی باشد تا با
شخصیت قرآنیش تعادل داشته باشد.

حاج محمد حسین سبزعلی همراه دیگر قاریان، به کشورهای مختلفی سفر کرده و در آنجا به تلاوت
قرآن پرداخته که با استقبال گسترده حاضرین مواجه شده است. از جمله به کشورهای عربستان
سعودی، سوریه، اندونزی، مالزی، تایلند، چین، غنا، نیجریه، آفریقای جنوبی، بنگلادش، ایالت،
فرانسه، پاکستان و هندوستان سفر کرده است

آقای محمد حسین سبزعلی نخستین بار در سال ۱۳۵۲ در مسجد کرامت مشهد مقدس در جلسه آقای
فاطمی در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخت و معظم له که همواره با رهنمودهای خویش،
قاریان قرآن را مورد عنایت قرار داده اند، او را تشویق نمودند. او تا کنون بارها در حضور معظم له به
تلاوت قرآن پرداخته است. آقای سبزعلی قرآن را راه رهایی از مفاصل اجتماعی می داند و معتقد
است که باید جاذبه ها در این مسیر که در برابر جاذبه های دیگر جامعه بیش از پیش رهنما باشد
حاج محمد حسین سبزعلی علاوه بر تلاوت قرآن در محافل و مجالس مختلف، به تدریس در
دبیرستان نیز اشتغال داشته، در شورای عالی قرآن بعنوان کارشناسی مشغول همکاری است

او از اساتید: مصطفی اسماعیل، غلوش و منشاوی به عنوان برترین اساتید مصر از آغاز تا کنون نام می برد و همچنین معتقد است که اساتید شحات محمد انور، الّیثی و دکتر نعینع از قاریان برتر کشور مصر در حال حاضر هستند. آقای سبزعلی از سال ۱۳۶۰ تا کنون بارها در مسابقات مختلف قرآن در استانها و شهرهای مختلف به داوری پرداخته است

آقای سبزعلی در بسیاری از مسابقات قرآن شرکت نموده است. در سال ۱۳۶۰ مقام دوم استان تهران و نیز مقام دوم مسابقات بین المللی اوقاف را کسب نموده و همچنین در سال ۱۳۷۵ در مسابقات بین المللی کشور مالزی شرکت نموده و مقام دوم این دوره از مسابقات را به خود اختصاص داد. او از سال ۱۳۵۰ به تدریس در زمینه های مختلف قرآنی در حسینیه ها، مساجد، جلسات و هیئتهای مذهبی مبادرت ورزیده است.

محمد عباسی قاری ممتاز قرآن کریم



آقای محمد عباسی در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۴۵ هـ.ش در شهر تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود جوّ مذهبی خانواده و اشتیاق پدر و مادر برای پرورش قرآنی این کودک، نخستین بارقه عشق به قرآن را در نهاد ایشان به ودیعه نهاد از این رو به تدریج شعله و این اشتیاق در درونش وسعت می گرفت و او را به جلسات و محافل انس با این کتاب سعادت می کشاند

در سالهای ۵۳ تا ۵۴ هـ.ش پدر ایشان تمامی فرزندانش، از جمله محمد را در فصل تابستان به مسجد محل خودشان یعنی مسجد موسی بن جعفر (ع) می بدر تا فرزندانش نخستین الفبای فراگیری کتاب خدا را بیاموزند و محمد که اشتیاق زاید الوصفی در فراگیری کتاب وحی داشت در جلسات درس می درخشید. استعداد ایشان در این مسیر آن چنان بود که استاد جلسات از او می خواست تا در غیابش کلاس درس را اداره کند و او هم که کودکی بیش نبود برنامه تدریس را از جزء سی ام قرآن مسابقه ای شرکت کرد دنبال می کرد. در همان ایام محمد عباسی بنا به توحید استاد روحانی اشان در و با عنایت الهی جزء نفرات برتر انتخاب شد و عکسش را در یکی از مجلات فرهنگی آن زمان به چاپ رساندند و بدین سان موفقیت او در امر فراگیری قرآن روز بروز چشمگیرتر از گذشته می شد

در سال ۵۷ در همان ایام اوج درگیریهای مردم با رژیم طاغوت، محمد عباسی به همراه تنی چند از دوستانش در مسجد محل گرد هم می آمدند و آیات الهی را تلاوت می کردند در این جلسات ایشان با تقلید از نوارهای مرحوم عبدالباسط گامهای اولیه تلاوت طی می کرد و بتدریج با اجازه امام

جماعت مسجد و مسئول بسیج مسجد آقای عباسی قبل از نماز مغرب و عشاء، بصورت زنده در مسجد به تلاوت قرآن می پرداخت. همین تلاوتها و گفتن تکبیر و اذان استعداد نهفته ایشان را بارور کرد. آقای عباسی در کنار فعالیتهای معمولی از سال ۱۳۶۰ تا کنون به تدریس قرآن نیز اشتغال دارد. ایشان بنابه توصیه استادانش، استاد خدام حسینی، نسبت به یادگیری موضوعی و تفسیر مفاهیم قرآن هم وارد این زمینه شد و در همین ایام مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قرآنی و حدیثی از دانشگاه تهران دریافت کرد. آقای محمد عباسی همچنین از سال ۱۳۶۵ بمدت دو سال به فراگیری دروس حوزوی در مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی پرداخت. آقای عباسی علاوه بر این، دارای مدرک ممتاز خوشنویسی در رشته خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان تهران نیز هست و در این زمینه از استاد هاشم زمانیان بسیار یاد می کند.

آقای محمد عباسی در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو فرزند است و ایشان از همسرشان بعنوان یکی از عوامل پیشرفت و موفقیت خود در مسیر تلاوت یاد می کند و معتقد است که با همیاری و همفکری و کمکهای همسرش توانسته است در مسیر فعالیتهای قرآنی موفق باشد. آقای محمد عباسی در آغاز کار تلاوت بمدت ۳ سال از استاد عبدالباسط تقلید کرد پس با توصیه استادش به تقلید از استاد مرحوم، منشاوی و مرحوم استاد مصطفی اسماعیل پرداخت و کمتر از حدود ۶ سال به صورت تقلید از این اساتید به تلاوت ادامه داد.

سپس به تلفیق الحان اساتید برجسته ای چون مصطفی اسماعیل، کامل یوسف البطیّنی و شعیب پردها و با ترکیب الحان تلاوت این اساتید سبکی ویژه برای خود برگزید. بهمین دلیل آقای عباسی نیز چون سایر اساتید تلاوت به قاریان قرآن سفارش می کند که در ابتدای کار با تقلید از تلاوت قاریان برجسته مصری به تلاوت پردازند و به تدریج برای خود سبکی برگزینند. تا بتوانند از استعدادهای خود در مسیر تلاوت به خوبی بهره بگیرند.

در سال ۱۳۶۰ مسابقه ای از سوی اوقاف برگزار شد که آقای محمد عباسی در این دوره ۱ مسابقات به عنوان نفر چهارم برگزیده شد در این سال برای اولین بار قاریان برتر به تعداد ۷۲ نفر به حج اعزام شدند و آقای عباسی نیز جزء این گروه بود.

آقای عباسی در سال ۶۷ در مسابقات سراسری قرآن که در کرمان و از سوی اوقاف برگزار شد با

کسب رتبه سوم به هندوستان اعزام شد ولی در مسابقات بین المللی قرآن کریم هندوستان رتبه نخست را از آن خود نمود ایشان همچنین در سال ۷۱ در مسابقات سراسری طلاب علوم دینی در قم و نیز در مسابقات بین المللی ایران نفر اول و در مسابقات بن المللی قرآن در کشور مالزی در سال ۷۳ رتبه دوم را بدست آورد.

آقای محمد عباسی نخستین تلاوت رسمی خودش را در سال ۱۳۵۸ در مسجد قنات آباد تهران اجرا کرد که این تلاوت از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد پس از بازگشت از مسابقات کشور هندوستان در سال ۶۷ خدمت حضرت امام خمینی (ره) مشرف شد و او با قرائت در مقام معظم رهبری که در آن سال ریاست جمهوری را بعهدہ داشت مورد تفقد معظم له قرار گرفت.

آقای محمد عباسی هم چنین به مدت ۱۶ سال در برنامه قرآن صبحگاهی رادیو به تلاوت می پرداخت که این تلاوت از ساعت ۶ صبح از رادیو پخش می شد آقای محمد عباسی در حال حاضر کارشناس ارتباطات و صنعت هوایی در داشکده صنعت هواپیمایی کشوری و نیز مدیر روابط عمومی این دانشکده است. جلسات تلاوت و تدریس آقای عباسی از سال ۵۸ تا ۶۷ در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) تهران و از سال ۷۲ تا کنون در مسجد نظام مافی واقع در خیابان آیت الله کاشانی در روزهای شنبه بعد از نماز مغرب و عشاء تشکیل می شود.

یکی از ویژگیهای جلسات آقای عباسی توجه همزمان به مفهوم آیات در هنگام تلاوت و آموزش اصول صوت و لحن است علاوه بر این ترجمه آیات و احادیثی در رابطه با آن در جلسات مطرح می شود.

آقای عباسی علاوه بر تلاوت به ابتهال و مدیحه خوانی هم علاقه دارند و در برخی از اجراهای استاد آذر در دعا و در کراهای دسته جمعی گروه ایشان به تک خوانی هم پرداخته است مثل اجرای ربنا که در ایام ماه مبارک رمضان پخش شده است.

آقای عباسی ضمن تلاوت در شهرهای مختلف کشور تا کنون به ۱۷ کشور جهت اجرای تلاوت سفر کرده است.

محمدرضا پور زرگری قاری و داور مسابقات قرآن کریم



آقای حاج محمدرضا پورزرگری در ۲۸ شهریور سال ۱۳۴۹ هـ ش در شهر تهران و در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. محیط مذهبی خانواده و اشتیاق پدر برای تربیت معنوی فرزندش، از همان آغاز بستر مناسبی برای فراگیری قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن پدر در سحرگاهان، اشتیاق محمدرضا را برای تلاوت قرآن دو چندان ساخت.

البته مادر بزرگ مکرمه او، اولین و مؤثرترین عامل در گرایش آقای پورزرگری به این راه بود. از دیگر عوامل تأثیر گذار در حیات قرآنی محمدرضا پور زرگری، باید به استادان و مربیان دوره دبستان، بویژه استادش آقای مصطفی اسلامی اشاره کرد. آقای پورزرگری از خاطرات خوش نخستین سالهایی که در ایام کودکی در جوار حرم مقدس رضوی تلاوت آیات وحی را شنیده بود بسیار یاد می کند و یکی از عوامل علاقه مندی خود به تلاوت قرآن را حال و هوای آن لحظات مقدس می داند آقای پورزرگری از کلاس دوم ابتدایی در ساعات درس قرآن اشتیاق بسیار از خود نشان می داد و آشنایی با استاد مصطفی اسلامی در دبستان علوی به همین دلیل نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی شماره ۲ به این دبستان رفت و با اشتیاق، پشتکار و اهتمامی بسیار به تمرین و اجرای همخوانی قرآن کریم بر اساس تلاوت سوره حشر استاد عبدالباسط پرداخت.

آقای محمدرضا پورزرگری آموزش روخوانی قرآن کریم را در کلاس چهارم دبستان و زیر نظر استادش آقای فتحعلی و آموزش مقدماتی تجوید و صوت و لحن را، زیر نظر استادش آقای مصطفی

اسلامی در کلاس پنجم ابتدایی به پایان رساند و پس از آن با حضور جلسات استاد محسن موسوی نکات تجویدی و صوت و لحن را در سطح بالاتر همراه با مفاهیم قرآنی فرا گرفت.

او همزمان با فراگیری تجوید و صوت و لحن در جلسات درس آیت الله ضیاء آبادی و حجت الاسلام قرائتی به فراگیری مفاهیم آیات قرآن کریم نیز پرداخت.

آشنائی با مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم، نقطه عطفی در زندگانی قرآنی پورزرگری شد. در همین مکان او با کلاسهای آموزشی تجوید استاد محسن موسوی آشنا شد و در جلسات این استاد که در بعد از ظهرهای تابستان برگزار می شد، بهره های فراوان برد.

آقای محمدرضا پورزرگری نخستین بار در یکی از هیئتهای مذهبی که به همت آموزش و پرورش برگزار می شد بصورت رسمی به تلاوت قرآن پرداخت. او همچنین نخستین بار در سال ۱۳۶۱ همراه با استاد علی اربابی و جمعی از قاریان مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم در تلویزیون به اجرای چند برنامه همخوانی پرداخت.

حاج محمدرضا پورزرگری نیز در ابتدای کار تلاوت خویش همچون سایر قاریان به تقلید از قاریان مشهور مصری نظیر استادان عبدالباسط، صیاد، علی البناء و مصطفی اسماعیل پرداخت. او معتقد است که مؤثرترین مسئله در زمینه تلاوت قرآن برای تمامی قاریان در ابتدای کار تقلید از استادان برجسته مصری است.

آقای پورزرگری معتقد است که قاریان تازه کار و کسانی که در ابتدای امر تلاوتند باید علم تجوید را از مراحل ابتدایی تا سطوح عالی زیر نظر استادان، با دقت کامل فرا بگیرند و با یادگیری ترجمه کلمات قرآن با مفاهیم آن آشنا شوند. او همچنین قاریانی را که در ابتدای مسیر تلاوتند به یادگیری صرف و نحو زبان عربی و نیز فراگیری مفاهیم و تفاسیر آیات قرآن سفارش می کند.

آقای محمدرضا پورزرگری در سال ۱۳۷۵ ازدواج کرد که ثمره آن یک فرزند پسر است. او در مسیر زندگی قرآنی خود از همان آغاز به آموزش قرآن کریم به علاقه مندان پرداخت و از همان دوران تحصیل در دبیرستان، به تهیه و تنظیم جزواتی در خصوص آشنایی با قرآن، اقدام کرد. او همچنین در سال ۱۳۶۴ بصورت رسمی در دارالتحفیظ و علاوه بر آن تمام سالهای دفاع مقدس را در پایگاه های مقاومت بسیج اقدام به برگزاری جلسات قرآن کریم نمود. آقای پورزرگری علاوه بر تدریس در

زمینه های مختلف قرآن در برخی از مدارس تهران در حدود ۱۵ سال به آموزش قرآن در حسینیه محبان الحسین (علیه السلام) پرداخت او همچنین در سال ۱۳۶۳ در مسابقات قرآن کریم که سازمان تبلیغات اسلامی برگزار کرد رتبه سوم و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات سراسری قرآن کریم که به همت سازمان اوقاف در سمنان برگزار شد رتبه نخست را از آن خود ساخت و در همان سال، در مسابقات بین المللی قرآن کریم که در حسینیه ارشاد برگزار شد مقام نخست این دوره از مسابقات را کسب کرد.

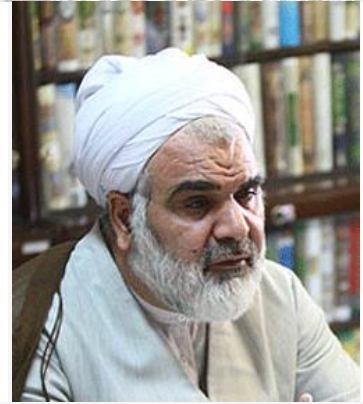
در میان خانواده آقای پورزرگری باید به برادر بزرگوار او شهید حمید رضا پورزرگری اشاره کرد. که در زمینه های مختلف قرآنی فعالیت داشت. در محضر استاد مولوی فراگیری نکات مختلف قرآنی پرداخته و چهره های فعال در زمینه های قرآنی به حساب می آمد.

آقای پورزرگری در سالهای ۶۳ و ۶۲ در ایام ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی، از جلسات درس تفسیر ایشان، بهره ها گرفت. در این جلسات که صبحهای جمعه در همان مکان ریاست جمهوری برگزار می شد قاریان و علاقه مندان بسیاری حضور می یافتند آقای پورزرگری نیز از جمله این مشتاقان بود که در این جلسات در حضور آیت الله خامنه ای به تلاوت قرآن می پرداخت و مورد تفقد و تشویق ایشان قرار می گرفت.

او همچنین از قاریانی است که همه ساله به همراه کاروان قاریان قرآن برای تبلیغ به کشورهای مختلف اعزام شده اند که از جمله این کشورها می توان به ماداگاسکار، اتیوپی، هند، سوره و افریقای جنوبی، پاکستان، امارات، غنا، اردن، و انگلیس اشاره کرد.

آقای حاج محمدرضا پورزرگری علاوه بر قرائت بر قرآن کریم و اجرای اذان به اجرای برجسته تواشیح و همخوانی در کشور است که از سال ۶۸ فعالیت خود را آغاز کرد. آقای پورزرگری علاوه بر داوری مسابقات داخلی یکبار نیز در کشور هند در مسابقات سراسری قرآن کریم که در شهر حیدرآباد این کشور برگزار شد داوری کرده است.

حجت الاسلام محمد رضا شهیدی پور حافظ کل قرآن کریم



حجت الاسلام محمد رضا شهیدی پور در سال ۱/۱/۱۳۳۷ در شهر قم دیده به جهان گشود

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در شهرستان قم دیده به دنیا گشودم تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی مسعود گذراندم و در بیشتر سالها شاگرد نمونه کلاس بودم. پس از گذراندن ششم ابتدایی با تشویق پدرم که روحانی برجسته‌ای است در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه‌ی علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل ادبیات و زبان عربی و دروس مقدماتی حوزه گردیدم. از همان دوران تحصیلات حوزوی اشتیاق فراوانی نسبت به قرائت و حفظ قرآن کریم در خویش یافتم و در کنار تحصیل به فراگیری فنون قرائت و حفظ قرآن پرداختم و به فضل الهی موفق به حفظ کل قرآن کریم در مدت چهار سال (۱۳۵۲ - ۱۳۵۵) شدم و در مدارس ضمناً در جلسات قرائت قرآن نیز به تدریس قرائت و حوزه به تدریس فنون قرائت قرآن پرداختم مفاهیم قرآن به جوانان مشغول بودم. در سال ۱۳۵۶ در مسابقات حفظ و قرائت قرآن که در سطح شهرستان قم در مسجد محمدیه سه راه موزه برگزار گردید به عنوان استاد و داور قرآن، همکاری داشتم. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) که احیاگر ارزشهای قرآنی در کشور ایران و جهان اسلام بود فعالیتهای قرآنی شکل تازه‌ای به خود گرفت و فراگیر شد و با استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، فعالیت‌های قرآنی در نهادهای انقلابی و مؤسسات علمی

و حوزه و دانشگاه آغاز و رشد و توسعه یافت اینجانب نیز در نهادهایی انقلابی از جمله سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی اوقاف و امور خیریه سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس فنون قرائت پرداختم. در سال ۱۳۵۹ به دعوت سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان داور مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن و سپس در سال ۱۳۶۰ در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن به داوری مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد و سابقه اینجانب در داوری مسابقات بین‌المللی بالغ بر ۲۵ سال می‌باشد سابقه تدریس اینجانب در دانشگاه از سال ۱۳۶۳ تاکنون و افزون بر ۲۲ سال می‌باشد و در دانشکده شهید محلاتی دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک دانشگاه قم پیام نور دانشکده علوم قرآنی قم و مجمع آموزش عالی پردیس قم به تدریس فنون قرائت مشغول می‌باشم.

اینجانب تاکنون در مسابقات قرآنی فراوانی به عنوان داور مسابقات شرکت داشته‌ام از جمله: دانشگاه آزاد (قرآن و عترت) سازمان تبلیغات، نیروهای مسلح، ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، مسیح، جهاد دانشگاهی، پیام نور، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، تربیت بدنی، فهرستی و سازمان اداره زندانها می‌باشد. بیشترین فعالیت اینجانب در کنار تدریس فنون قرائت، تربیت مربی قرآن بوده که با همکاری برخی نهادها از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهشهای قرآن و عترت و جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شد و حاصل آن به ترتیب مربیان برجسته و متعهد در سراسر نقاط میهن اسلامی ایران می‌باشد. اینجانب موفق به تألیف چند کتاب گردیدم که هر کدام متن درسی قرائت و تجوید قرآن در حوزه علمیه و دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور می‌باشد از جمله کتاب روان‌خوانی و تجوید قرآن، همکاری جناب آقای علی حسینی و آموزش قرائت قرآن با همکاری آقای حسین اسدی. نوشته دیگری که به سفارش مرکز جهانی علوم اسلامی انجام شده کتاب آشنایی با اصول قرائات می‌باشد که متن درسی طلاب علوم دینی غیرایرانی قرار گرفته است. توضیحات تحلیلی وقف و ابتداء در حاشیه مصحف به سفارش شواری عالی قرآن صدا و سیما انجام شده که در مراحل چاپ و نشر می‌باشد و برای قاریان قرآن بسیار لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به این که عنوان درس قرائت قاریان برجسته جهانی اسلام را تهیه کرده‌ام که از جمله غنی ترین آرشیو تلاوت‌هایی قرآن در کشور به شمار می‌رود که شامل ده هزار تلاوت می‌گردد که برخی از آنها در اختیار رادیو قرآن قرار گرفته و از آن رادیو پخش شده

است این مجموعه در اختیار افرادی که در زمینه قبول قرائت تلاش می کنند قرار می گیرند و نیز در کلاسها و جلسات آموزش قبول قرائات استفاده می شود. اینجانب عضو شورای عالی قرآن اوقاف و امور خیریه و کارشناس تلاوت های قرآن در شورای قرآن صدا و سیما و عضو کمیسیون تحقق مرکز طبع و نشر قرآن کریم می باشم. در گروه گزینش استادان قرآن در دانشگاه آزاد اسلامی عضو بوده و در سال ۱۳۸۴ به عنوان خادم نمونه قرآن در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی معرفی گردیده و توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر احمدی نژاد مورد تقدیر قرار گرفته ام که خداوند را بسیار شاکرم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن کریم را به اینجانب عنایت فرمود امید است لیاقت این عنوان را داشته باشم و از شفاعت قرآن و عترت در دو جهان بی بهره نباشم

استاد حسن رضائیان قاری قرآن کریم



آقای حسن رضائیان در ۷ مهرماه سال ۱۳۳۴ هـ.ش در شهر تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود.

استماع صوت زیبا و روح بخش مرحوم استاد عبدالباسط، با تلاوت سوره های حشر و تکویر، نخستین بارقه عشق به تلاوت آیات روحی را در نهاد او تاباند و از این رو از همان سنین نوجوانی، به تلاوت و تقلید از این استاد پرداخت که تاکنون نیز ادامه دارد. جوّ قرآنی و مذهبی خانواده آقای حسن رضائیان، و اهتمام بسیار پدر به امر تلاوت قرآن، پرورش قرآنی او را چنان سرعت بخشید که در فاصله کوتاهی در شمار قاریان قرآن قرار گرفت چرا که پدرش نیز خود قاری قرآنی بود و بر تلاوت فرزندش بسیار مشتاق بود.

آقای رضائیان مراحل ابتدائی تلاوت قرآن را به کمک والدینش در سن ۱۲ سالگی آغاز کرده، با کوشش و تلاش خود و تمرین در زمینه تلاوت، به موفقیت هایی در این زمینه دست یافت. او در ابتدای کار به تقلید از استاد مرحوم عبدالباسط پرداخت و آنچنان در تقلید از این استاد مرحوم پیش رفت که صدای او با سبک تلاوت مرحوم عبدالباسط، عجین شد. از این رو، اگر چه گاهی از سبک اساتیدی چون غلوش، مصطفی اسماعیل و منشاوی تقلید می کند اما بطور کلی تلاوتهای او رنگ و بوی تلاوتهای استاد عبدالباسط را دارد. او نیز چون بسیاری از قاریان برجسته معتقد است که قاری در ابتدای امر تلاوت باید به تقلید محض از قاریان مشهور مصری بپردازد. و پس از آن برای خود سبکی

را برگزینند. آقای حسن رضائیان در بسیاری از مسابقات سراسری قرآن کریم شرکت کرده و رتبه های برتری را از آن خود ساخته است. او در مسابقات جهانی مالزی رتبه سوم و در مسابقات بین المللی قرآن کریم در آفریقای جنوبی رتبه نخست را کسب نمود. آقای رضائیان در بسیاری از استانهای کشور به تلاوت پرداخته، و همچنین بعنوان داور در بسیاری از مسابقات استانی قرآن کریم حضور داشته است.

حاج حسن رضائیان در سال ۱۳۶۰ ازدواج نمود که ثمره آن دو فرزند است - فرزند اوان کودکی به تلاوت اشتغال داشته و در حال حاضر در شمار قاریان می باشد آقای رضائیان نخستین برنامه رسمی تلاوت خود را در مسجد دارالسلام تهران اجرا کرد. او در این برنامه آیاتی از سوره مبارکه ابراهیم را تلاوت نمود. آقای رضائیان علاوه بر اجرای تلاوت قرآن جلساتی نیز جهت آموزش تجوید و صوت و لحن تشکیل داده که در حال حاضر نیز این جلسات ادامه دارد و به تدریس در این جلسات می پردازد.

آقای رضائیان در راستای فعالیتهای قرآنی خود، به بسیاری از کشورهای جهان سفر نموده است او دو مرتبه به کشور هندوستان سفر نمود که در اکثر استانهای شمالی و شهرهای تابعه آن، به تلاوت قرآن پرداخت. در این جلسات مردم با شور و اشتیاق، تا پاسی از شب تلاوت او را و برخی دیگر از قاریان ایرانی حاضر در جلسه، گوش جان می سپردند و حتی اگر قاریان دچار تأخیر یک ساعته می شوند مردم همچنان در مسجد با اشتیاق فراوان، در انتظار می ماندند. آقای حسن رضائیان در صحبتهای خود به خاطرات سفرش از کره چین اشاره می کند: در کره جنوبی هنگامی که ما قرآن تلاوت می کردیم، مردم می گریستند و اشتیاق عجیبی داشتند. در سفر به کانادا و تلاوت در این کشور، مردم چنان به وجد می آمدند که او را برای مراسم افطاری به منزلشان دعوت می کردند. او همچنین به کشورهای دیگری چون ژاپن، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، امارات متحده عربی، تانزانیا، آفریقای جنوبی، عربستان و استرالیا سفر کرده است.

آقای حسن رضائیان نخستین بار در سال ۱۳۵۸ در سیمای جمهوری اسلامی ایران به تلاوت پرداخت و تاکنون بارها تلاوتهای او از شبکه های مختلف صدا و سیما به سمع دوستداران تلاوتهای او رسیده است؛ تلاوتهایی که خاطره خوش تلاوتهای مرحوم عبدالباسط را در اذهان تداعی می کند.

آقای رضائیان اذان را نیز به زیبایی اجرا کرده است که از سالها قبل در صدا و سیما پخش می شود. او به قاریانی که در ابتدای راه هستند توصیه می کند که ابتدا به حفظ قرآن همت گمارند، پس از آن احکام تجویدی از استادی که خود قاری باشد، بیاموزند. او معتقد است که این افراد پس از یادگیری صوت و لحن و پس از مدتی تقلید از یکی از قاریان مشهور می توانند، به ترکیب خوانی پردازند او همچنین به قاریان قرآن سفارش می کند که اعمال و کردار خود را با قرآن بیامیزند. آقای حسن رضائیان در دوران ۸ سال دفاع مقدس بارها در جبهه های حق علیه باطل حضور یافت و با برپائی مراسم های شبی با قرآن در تقویت روحیه معنوی رزمندگان اسلام، قدم برداشت او معتقد است که به برکت خون شهیدان است که قرآن این گونه جایگاه بالایی یافته است و انقلاب اسلامی ما، راه را برای جوانان هموار کرده است. آقای رضائیان اساتید عبدالباسط، غلوش، مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی بعنوا قاریان برتر مصر از آغاز تا کنون یاد می کند او همچنین از قاریان کنونی مصر اساتید غلوش، شحات انور و سید متولی عبدالعالی را برترین می داند آقای رضائیان می گوید: من زندگی را با قرآن و عترت عجین شده یافتم زیرا از هنگامی که خود را شناختم در خانواده ای بودم که با تلاوت قرآن مأنوس بود. آقای رضائیان در حال حاضر به عنوان دست اندر کار تهیه و توزیع داروهای گیاهی می باشد



آقای قاسم رضیعی در ۸ فروردین ماه سال ۱۳۴۹ شمسی در شهر ازنا در استان لرستان در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود در سال ۱۳۵۹ همزمان با تحصیل در مقاطع ابتدائی صحنه تشویق یکی از همکلاسیانش او را به تلاوت قرآن بسیار علاقه مند ساخت زیرا تلاوت سوره حمد به شیوه استاد عبدالباسط توسط همکلاسی اش مورد توجه معلم دینی و قرآن گرفته بود دیدن این صحنه قاسم رضیعی را متوجه توانایی هایش کرد و پی برد که او بهتر از همکلاسی اش می تواند تلاوت کند بهمین دلیل او نیز به تلاوت پرداخت و بسیار مورد تشویق قرار گرفت امری که باعث شد قاسم رضیعی به طور جدی به تلاوت قرآن بپردازد.

قاسم رضیعی از جذابیت و اعجاز لفظی قرآن کریم به عنوان مهمترین عامل در تربیت و پرورش قرآنی خود یاد می کند. حمایت های والدین و جو مذهبی خانواده اش و تشویق بعضی از معلمان و برخی دوستان قرآنی عامل دیگری در پیشرفت قرآنی آقای رضیعی بوده است.

. آقای رضیعی آموزش صوت و لحن را همزمان با هم آغاز کرد و تا کنون نیز در این زمینه مداومت دارد. او نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات دانش آموزی سراسر کشور در شهر رامسر اجرا کرد. همچنین آقای دکتر رضیعی در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار بصورت فنی در محفل انس با قرآن شهر کاشان تلاوت کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

حاج قاسم رضیعی در سال ۱۳۶۸ تحصیلات خود را در رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آغاز کرد و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ درجه دکترا شد. پس از آن او با ادامه تحصیل در این رشته در سال ۷۷ مدرک دکترای تخصصی در رشته پزشکی هسته ای را از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دریافت کرد. او در کنار امر تحصیل در زمینه تلاوت قرآن نیز تلاش می کرد و بر آن مداومت داشت. و در دوره های مختلف مسابقات قرآن رتبه های برتری را کسب کرد. آقای دکتر قاسم رضیعی در سال ۱۳۶۴ در مسابقات سراسری دانش آموزان کشور، رتبه نخست را بدست آورد و در سال ۱۳۷۰ در مسابقات سراسری دانشجویان علوم پزشکی مقام اول را در کشور بدست آورد و در سال ۱۳۷۹ در مسابقات سراسری جانبازان کشور نیز حائز رتبه نخست شد و در سال ۱۳۸۰ در مسابقات سراسری اوقات و امور خیریه در شهر اردبیل موفق به کسب مقام سوم در رشته قرائت شد. آقای دکتر رضیعی در زمینه فعالیت های قرآنی خود علاوه بر موفقیت هایی که در مسابقات داخلی کشور کسب کرد در سال ۷۳ در سومین دوره مسابقات بین المللی بنگلادش رتبه نخست را بدست آورد، و پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ در مسابقات بین المللی کشور سوریه در قرائت رتبه اول را از آن خود کرد. دکتر قاسم رضیعی که زندگیش با تحصیل و عشق به قرآن بهم آمیخته است از جمله کسانی است که در کنار تحصیل در جامعه پزشکی و دریافت درجات بالای آن به امر تلاوت قرآن نیز پرداخته و در این زمینه نیز از قاریان برجسته کشور است. او مجموعه مقالاتی در مباحث تجوید و صوت و لحن تحریر کرده که از سوی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی منتشر شده است قاسم رضیعی که در زمینه طب و پزشکی به تحصیل پرداخته، در دانشگاه عبور پزشکی شهید بهشتی در دانشکده های پزشکی، پرستاری و مامایی به امر آموزش در زمینه های مختلف قرآنی پرداخت. او علاوه بر این، در دانشکده های برق و عمران خواجه نصیر الدین طوسی و مسجد علی ابن ابیطالب تهران نیز جلساتی در زمینه آموزش تجوید و صوت لحن داشته است.

دکتر قاسم رضیعی، همچون دیگر قاریان برجسته تلاوت معتقد است که یک فرد قاری در ابتدای کار با تقلید از قاریان مشهور جهان، باید شیوه خود را در تلاوت برگزیند. او معتقد است برای ابتدای راه تقلید تنها وسیله است. او خود نیز در ابتدای کار از اساتیدی چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید کرد پس از آن نیز به تقلید از اساتیدی چون کامل یوسف، عبدالفتاح

«شعشاعی، محمود رمضان، حسان و شحات محمد انور پرداخت

پرداختن به مفاهیم آیات شریف قرآن در کنار امر تلاوت، یکی از نکات بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد از این رو آقای قاسم رضیعی به قاریانی که در ابتدای راه قرار دارند توصیه می کند که در جلسات قرآن، علاوه بر پرداختن به فنون قرائت، با مفاهیم قرآن نیز آشنا شوند او برای دستیابی به این هدف، توضیح خواستن از اساتید راه حل خوبی می داند. او همچنین به قاریان قرآن سفارش می کند که با ضبط نوار تلاوت خود برای شناسائی نقاط ضعفشان تلاش کنند

آقای دکتر قاسم رضیعی در سال ۱۳۷۷ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک فرزند پسر است. همسر ایشان نیز پزشک است و به مسائل قرآنی علاقه دارد. آقای رضیعی آیات قرآن را بصورت موضوعی حفظ کرده است و برای تبلیغ این کتاب عظیم بر تلاوت قرآن از حفظ اهتمام دارد

آقای رضیعی تا کنون به کشورهای مختلفی برای تلاوت قرآن سفر کرده است. از جمله کشورهای بنگلادش و ترکیه وی در سال ۱۳۷۴ به همراه آقایان سید حسین موسوی و محمد تهرانی به کشور ترکیه سفر کرد و در شهرهای استامبول و آنکارا به تلاوت قرآن پرداخت. او در سال ۱۳۷۵ به همراه جناب آقای علی اکبر حشمتی، سفری به کشور نامیبیا داشت و در میان استقبال مردم آن دیار، آیات و کلمات وحی را تلاوت کرد. از دیگر سفرهای دکتر رضیعی که به منظور آشنا ساختن هر چه بیشتر مسلمانان جهان با کتاب آسمانی قرآن است باید به سفر ایشان به کشور روسیه اشاره کرد که در سال ۷۶ به همراه آقای اصغر شعاعی در این کشور به تلاوت پرداخت. همچنین او در سال ۱۳۷۷، به همراه آقایان علّامی، ستوده نیا، دولتی، و امام جمعه برای اجرای تلاوت قرآن، به کشور سوریه اعزام شد. قاسم رضیعی در سفرهای تبلیغی خود به خارج از کشور در سالهای ۷۸ و ۷۹ به کشورهای هندوستان و اتیوپی نیز سفر کرد و در آن کشورها، آیات قرآن را تلاوت نمود

دکتر قاسم رضیعی هم اکنون به عنوان متخصص پزشکی هسته ای در بیمارستان آیت الله طالقانی تهران مشغول به فعالیت است. وی معتقد است انسان باید همواره قرآن را در محضر خود ببیند. او می گوید: هدف و غایت نهایی از تلاوت ظاهری قرآن، مانند حفظ و قرائت این است که ما بتوانیم مقیاس خوبیها و بدیهای خود را از مفاهیم آیات قرآن در یابیم. آقای رضیعی از اساتید بزرگ همچون مصطفی اسماعیل، رفعت، عبدالفتاح، کامل یوسف، حسان، محمد صدیق منشاوی و عبد الباسط به

•عنوان برترین اساتید تلاوت قرآن در مصر یاد می کند

دکتر قاسم رضیعی چندین بار در دیدار رهبر معظم انقلاب با قاریان و حافظان قرآن در حضور ایشان به تلاوت پرداخته اند و از رهنمودهای ارزنده ایشان، بهره ها گرفته اند. آقای رضیعی که خود نیز به ابتهال و مناجات علاقه دارد، برخی از ادعیه مفاتیح الجنان را اجرا کرده است که از سوی مؤسسه امام رضا علیه السلام در یک لوح فشرده با عنوان مفاتیح مورد استفاده علاقه مندان است. او به قاریان توصیه می کند که همیشه عظمت کلام الهی را در نظر داشته باشند که این امر باعث تواضع بیشتر انسان مقابل کلام الهی می شود و در تلاوتش هم بروز خواهد کرد یعنی توجه به عظمت قرآن، تلاوتهای بهتری را نیز در دل خواهد داشت.

رحیم خاکی قاری ممتاز قران کریم



آقای رحیم خاکی در ۳۰ خرداد ماه سال ۱۳۵۱ هـ.ش در شهر مراغه در استان آذربایجان شرقی در میان خانواده ای مذهبی و اهل علم پا به عرصه وجود نهاد. جو مذهبی خانواده و علاقه بسیار به فراگیری قران و مسائل دینی زمینه بسیار مناسبی برای علاقه مندی او به مسائل قرآنی شد. اهتمام خانواده بخصوص پدر بزرگ ایشان که حافظ برخی سور مختلف قرآن بوده و با صوتی زیبا به تلاوت آیات قرآن می پرداخت یکی از عوامل مهم تربیت قرآن ایشان بود. پدر او آقای کریم خاکی که مدیر دبستان بود و سالها در مسجد محله قدیمی به تدریس قرآن و احکام می پرداخت تمام تلاش خویش را برای پرورش مذهبی فرزندش بکار بست

خود او درباره نخستین طلیعه های این پرورش قرآنی می گوید: بی شک همان تربیتی که پدر بزرگم به هنگام تولد در کامم نهاد و همان آیاتی که در گوشم زمزمه کرد اولین نشئه جان بخشی خواهد بود . که تا ابد جان و روحم را سیراب خواهد نمود

رحیم خاکی نخستین آموخته های قرآنی را به هنگام برگزاری جلسات قرآنی که در منزلشان برگزار می شد دریافت نمود در همین جلسات بود که در کنار پدر به استماع آیات قرآن گوش جان فرا می داد و نخستین تلاوتهایی که او را مجذوب نمود، تلاوتهای مرحوم استاد عبدالباسط بود که به تقلید از او تلاوت سوره مبارکه ضحی را در بسیاری از مراسم شهر مراغه اجرا می کرد و مورد استقبال قرار می گرفت. در مدرسه به او لقب عبدالباسط کوچک دادند

او پس از مدت ۵ سال به تقلید حرف از استاد مرحوم منشاوی پرداخت زیرا به عقیده او بدون تقلید نمی توان از چهار چوب تلاوت آگاهی پیدا کرد. در یکی از مساجد شهر مراغه اولین جلسه عشق به قرآن به صورت جدی در جانش زده شد و بدین سان آموزش قرآن را برای نخستین بار در کلاسهای انجمن اسلامی مکتب قرآن زیر نظر استاد اصغر محمد نژاد فرا گرفت. خاطره ای شنیدنی از تلاوت او در ۶-۵ خالی از لطف نیست: او می گوید ۶-۵ سالم بود که در یک محفلی از من خواستند که قرآن بخوانم و من که دو سه آیه اول سوره ناس را بواسطه والدینم یاد گرفته بودم با یک صدای بلند و جیغ مانندی شروع به خواندن کردم. پس از این خواندن مورد تشویق حضار قرار گرفتم که از خجالت از مسجد فرار کردم

حاج رحیم خاکی در سال ۱۳۶۱ در سن ده سالگی نخستین تلاوت رسمی خود را شامل تلاوت سوره های ضحی و انشراح به سبک مرحوم عبدالباسط و در مراسم رژه نیروهای مسلح مراغه اجرا نمود. او تحصیلات ابتدایی تا اخذ دیپلم را در فاصله سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۷۰ در شهرستان مراغه به پایان رساند. پس از آن با پذیرفته شدن در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبائی به پایان رساند و در حال حاضر نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در حال تحصیل است

رحیم خاکی در سال ۱۳۵۶ در سن ۵ سالگی آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن را در شهر مراغه آغاز نمود که این دوره تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. او از سال ۱۳۶۰ دوره آموزش تجوید مقدماتی را آغاز نمود و پس از فراگیری دوره تجوید مقدماتی قرآن، از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۶۹ دوره تجوید عالی و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره آموزش صوت و لحن مقدماتی قرآن کریم را به پایان رساند و پس از آن در سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰ در حضور استاد حنیفی دوره عالی آموزش صوت و لحن را در دانشگاه تهران تکمیل نمود

رحیم خاکی از اساتید انجمن اسلامی مکتب قرآن شهر مراغه از جمله شهید حمید پرکار، شهید نادر قادری شهید الله یاری بعنوان اولین اساتید خویش یاد می کند از جمله اساتید و دیگر معلمان او شهید دوستان و شهید عادل نسبت هستند که در مسیر تربیت قرآنی او بسیار تلاش کردند همچنین او از استاد حنیفی در دانشگاه تهران و استاد خدام حسینی در مسجد ابوذر تهران نکات بسیاری را در زمینه

صوت و لحن و مسائل قرآنی فرا گرفته است.

آقای رحیم خاکی در سال ۱۳۷۴ با یکی از اقوام ازدواج نمود همسر ایشان نیز خانه دار است و نسبت به فراگیری علوم قرآنی و پرورش قرآنی فرزندشان بسیار مشتاق است. آقای خاکی بسیار از موفقیت‌های خود را مرهون زحمات همسرش می‌داند.

رحیم خاکی چند سال در مسجد کوی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشته است همچنین در مسجد امام صادق محله صادقیه نیز جلسات قرآن را برگزار نموده است. او به خوشنویسی، نقاشی و موسیقی سنتی و موسیقی‌های اصیل مصر علاقه دارد و در زمینه ای ورزشی به فوتبال، ورزشهای رزمی و تنیس روی میز علاقه مند است. او از اساتید؛ محمد رفعت، عبدالفتاح شعشعی، مصطفی اسماعیل، کامل یوسف و محمد صدیق منشاوی بعنوان ۵ قاری برتر کشور مصر از آغاز تا کنون نام می‌برد.

او تا کنون به کشورهای زیادی از جمله اتریش، کورواوسی، بوسنی و هرزوگوین، ترکیه، سوریه، عراق، ترکمنستان، امارات و غنا سفر نموده که با استقبال گرم مردم این کشورها مواجه شده است. آقای خاکی در سال ۱۳۷۰ رتبه نخست دانش آموزی را در آذربایجان شرقی و در سال ۱۳۷۳ رتبه نخست دانشجویان کشور را در شهر مقدس مشهد کسب نمود در سال ۱۳۷۶ پس از کسب عنوان نخست در مسابقات کشوری در کرمانشاه به مسابقات بین المللی ایران راه یافته و در یان مسابقات رتبه دوم قرائت را از آن خود ساخت.

رحیم خاکی از اساتید؛ شحات محمد انور، ابوالعینین شعیش و عبدالعزيز حسان بعنوان قاری بزرگ مصر که هم اکنون در قید حیاتند یاد می‌کند. او علاقه ویژه ای به ابتهال و مو شحات مصری دارد بخصوص اجراهای محمد عمران، کامل یوسف بطحینی، طه الفشمی و محمد نقش بندی و محمد طوخی.

او در گروه تواشیح شهر مراغه، گروه تواشیح دانشگاه تهران عضویت داشته و از سال ۱۳۷۲ هم عضو گروه تواشیح پرافتخار "قدر" است و در برخی اجرا نقش تکخوان را داشته است.

آقای رحیم خاکی در سال ۱۳۷۰ همکاری خود را بصورت افتخاری با جهاد دانشگاهی تهران آغاز نمود و پس از آن نیز چند سال در سمت مسئول قرآن با آن نهاد همکاری داشته است. او اکنون بعنوان

کارشناس مسئول در دبیرخانه دائمی فعالیتهای قرآنی دانشگاهها وابسته به جهاد دانشگاهی مشغول به فعالیت است او بسیاری از موفقیتهای خود را مرهون همکری و حمایتهای مسئولان این نهاد شریف می داند

توصیه او به جوانان این است که در یادگیری حوصله داشته و در پیشرفت عجله نکند و قدم به قدم از حفظ قرآن شروع کند و تجوید و صوت و لحن را از اساتید گرانقدر فرا بگیرند و برای خودشان سبکی نو ابداع نمایند.

جواد فروغی قاری ممتاز قرآن کریم



در سال ۱۳۵۸ در مشهد مقدسه بدنیا آمدم

پدرم فرهنگی و مادرم خانه دار است. دارای یک خواهر هستم که دبیر دبیرستان های مشهد می باشد. و دارای یک فرزند به نام امیرعلی می باشم. با یک سال جهش تحصیلی در سن ۱۷ سالگی در رشته ریاضی فیزیک دبیرستان را به پایان رساندم. در سال ۷۷ در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه بین المللی کیش پذیرفته شدم و در سال ۸۱ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم، خدمت سربازی را در بسیج منطقه تهران بزرگ به پایان رساندم

اینجانب بنا بر احساس وظیفه و به تاسی از مقام معظم رهبری در جهت تقویت هر چه بیشتر مبانی از علمی و اشاعه معارف و فرهنگ قرآنی مشغول مطالعه دروس حوزوی و با مطالعه در شاخه ادبیات قبیل مولوی، حافظ، سعدی و... بوده و حدود ۱۰ سال با تلاش مضاعف به فراگیری زبان انگلیسی و عربی اهتمام دارم تا ان شاء الله بتوانم در فرصت های مقتضی جوانان مسلمان خارجی را به سهم خود با واقعیات اسلام عزیز و قرآن مجید آشنا نمایم

حضور در مساجد و مراکز مختلف در سطح کشور و نیز با سخنرانی و با انتقال مفاهیم و معارف قرآنی و قرائت قرآن کریم در دانشگاه ها برای دانشجویان آینده ساز از افتخارات اینجانب و برنامه های در

حال اجرا می باشد. همچنین شرکت در کنفرانس ها و مجالس مذهبی خارج از کشور و با سخنرانی انگلیسی و عربی در انتقال مفاهیم قرآن برای مسلمانان و غیر مسلمانان از افتخارات بنده در خارج از کشور است

با توفیقات الهی تا کنون بیش از ۳ هزار برنامه در داخل و خارج کشور اجرا نموده ام که ۲۰۰ برنامه قرآنی در کشورهای عربستان، سوریه، لبنان، کشورهای اقماری شوروی سابق، سنگاپور، اسکاتلند، مالزی، هنگ کنگ، قطر، امارات، تایلند، انگلستان و ... و دانشگاه های منچستر، لیورپول و بلک برن بوده است. با بیش از ۴۰ پرواز خارجی و ۴۵۰ پرواز داخلی جهت اجرای برنامه های قرآنی سفر کرده ام و با دعوت بسیاری از نهادها و سازمان های گوناگون کشوری و لشکری در محضر علماء اعلام و مراجع عظام در کنفرانس ها، اجلاس ها، سمینارها و افتتاحیه ها و ... حضوری فعال داشته ام

حامد شاکر نژاد قاری ممتاز قرآن کریم



استاد حاج حامد شاکر نژاد یکی از قاریان نام آشنا در عرصه فن قرائت قرآن است. وی متولد سال ۱۳۶۲ هجری شمسی است. و در حال حاضر در رشته مدیریت بازرگانی مشغول به تحصیل است. استادان فرقانی، حاج جواد و حاج مجتبی سادات فاطمی در تعلیم و تربیت وی نقش بسزایی داشتند. پدر و برادر بزرگترش حاج حمید شاکر نژاد، نیز از قاریان مطرح و موفق جامعه قرآنی به شمار می روند

بهترین هدیه به ایشان اجازه تشریف به داخل کعبه می باشد و ایشان از این بابت خیلی خوشحال است

او در تلاوتهای خویش پیرو سبک اکبر القراء استاد مرحوم مصطفی اسماعیل است. با فن اختلاف قرائات به خوبی آشناست و در تلاوتهای مجلسی خویش قرآن را به روایتهای چندگانه قرائت می کنند

صدای پخته، انعطاف پذیر، قدرتمند، انواع تحریرهای چرخشی، چکشی، و... به همراه استفاده بجا از مقامها، گوشه ها، ملودیها و مبدلهای قرآنی، از وی چهره ای ممتاز و برجسته ساخته است؛ چندانکه که اگر کسی وی را نشناسد و فقط صدای او را بشنود گمان می کند یکی از قاریان مصری مشغول تلاوت است.

مقامات داخلی و بین المللی وی بدین شرح است

مقامهای داخلی

نفر اول مسابقات قرآن کریم دانش آموزی مشهد مقدس در سال ۱۳۷۴

نفر اول مسابقات قرآن کریم دانش آموزی استان خراسان در سال ۱۳۷۴

نفر اول مسابقات قرآن کریم دانش آموزی کشور در سال ۱۳۷۴

نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه مشهد مقدس در سال ۱۳۷۴

نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف در استان خراسان در سال ۱۳۷۴

نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۷۴

مقامهای بین المللی

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی در رشته قرائت و حفظ ۵ جزء در سال ۱۳۷۴

مأموریت های قرآنی داخل کشور

تلاوت قرآن کریم در حرم مطهر امام رضا (ع) و در محضر مقام معظم رهبری

مأموریت های قرآنی در خارج از کشور

سفر به کشورهای عربستان سعودی، پاکستان، قطر، امارات متحده عربی، سوریه و لبنان جهت تبلیغ

حاج احمد ابوالقاسمی قاری ممتاز قرآن کریم



احمد ابوالقاسمی» متولد سال ۱۳۴۷ منطقه جنوب غربی تهران است و در حال حاضر مدیر مرکز آموزش قرآن حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) می باشد

ابوالقاسمی» درباره آغاز فعالیت های قرآنی می گوید: «از سال ۵۶ وارد کلاس های آموزش قرآن» شدم و در مدت کوتاهی روخوانی را یاد گرفتم. البته ورود من به این مسیر چندان با علاقه و انگیزه هم نبود و در ابتدا اصرار و علاقه مادرم باعث شد تا در این جلسات شرکت کنم. چون پسرعموی من استاد «محمد رضا ابوالقاسمی» نیز از قاریان ممتاز آن زمان بودند، مادرم خیلی دوست داشتند تا یکی از پسرانشان مثل ایشان قاری قرآن باشند

بعد از این که یکی دو هفته در کلاس های استاد «رضا شهدادی» شرکت کردم، برخورد خوب ایشان و محیط دوستانه ای که آنجا بود باعث شد تا بحث روخوانی را تکمیل کنم

سال ۶۱ جذب کلاس های قرائت استاد «جابر جلیلی» شدم که شاید ایشان استاد معروفی نبودند اما زحمات زیادی برای من کشیدند

حدود ۴،۵ سال در جلسات ایشان فقط قرائت ها را گوش می دادم اما اصلاً جرأت خواندن حتی یک آیه را نیز نداشتم، هرچه استاد به من اصرار می کرد نمی خواندم تا این که یک روز قسم خوردم که هرطور شده باید بخوانم. فردای آن روز وقتی برای اولین بار در عرم در حضور چند نفر قرآن را با قرائت خواندم، با تشویق و تعجب استادم مواجه شدم. ایشان از آمادگی من خیلی تعجب کرده بودند

و تصور می کردند قبل از کلاس ایشان، کلاس دیگری می رفتم. به هر حال حضور من در جلسات و شنیدن قرائت‌ها، گوش دادن نوارهای قرآنی که در منزل ما بودم، نزدیکی منزل ما به مسجد و شنیدن قرائت‌هایی که قبل از اذان از مسجد محلمان پخش می شد، همه‌ی این‌ها سرمایه‌ای شده بود که از همان ابتدا قرائت خوبی داشته باشم.

به نظر من اگر کسی بخواهد در بخش صوت و لحن پیشرفت کند، ابتدا باید از قاریان بزرگ تقلید کند، آن هم تقلید در حالت، طنین و تزیینی که قاری در صوت خود ایجاد می کند نه در جنس صدا؛ از همین مسأله برای گفتن یک نکته آموزشی استفاده می کنم و به اساتید می گویم که هرکسی در جلسات شما اظهار کرد که من نمی توانم بخوانم، اتفاقاً که می تواند؛ چون کسی که هوش موسیقایی خوبی دارد نقاط ضعفش را بهتر می فهمد، به همین دلیل از خواندن واهمه دارد، اما کسی که فکر می کند می تواند بخواند، همین فکر غلط، نشانه‌ی عدم استعداد او است

بعد از تشویق‌های استادم، به قدری این موضوع برای من جالب شد که از آن روز به بعد کسی مرا در خانه پیدا نمی کرد. آدرس تمام جلساتی که اطراف منزلمان برگزار می شد را پیدا کردم تا جایی که بعد از گذشت ۲،۳ ماه، ۸ جلسه می رفتم. از قبل مغرب آن جا نوبت می گرفتم تا اولین نفر بخوانم و به جلسه بعدی که کیلومترها فاصله داشت برسم. هیچ شبی نبود که جلسه‌ای باشد و من آن جا نباشم تا این که بعد از ۶ ماه، خواندن من پیشرفت چشم گیری کرد

آقای «جلیلی» نیز حق استادی را به جا آوردند و مثل بعضی از اساتید که شاگردان با استعدادشان را پیش خودشان نگه می دارند ایشان این کار را نکردند و مرا به جلسه استاد «محمد غفاری» که آن زمان از بزرگ ترین اساتید قرائت قرآن در ایران بودند، معرفی کردند و من همین جا از زحمات ایشان که مرا با چنین استاد بزرگی آشنا کردند تشکر می کنم و جادارد فاتحه‌ای را به روح ایشان هدیه کنیم این سیر ابتدایی کار من بود، بعد از آن با استاد «خدام حسینی» آشنا شدم و به همراه تعدادی از دوستانم که در زمینه قرائت قرآن کار می کردیم از ایشان که هم محلی ما بودند خواستیم تا جلساتی را در محلمان برگزار کنند

ایشان هم از همان سال، جلساتشان را برقرار کردند که تا امروز این جلسات ادامه دارد و جمعه شب‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار می شود

از «استاد ابوالقاسمی» در مورد روند قرائت قرآن در ایران می پرسیم، او می گوید: «روند قرائت قرآن در ایران، سیر صعودی داشته است و با جرأت می گویم سطح قرائت فعلی قاریان مصری با قاریان ایرانی هم تراز است، چون سطح فعلی قرائت قرآن در مصر، مثل ۵۰ سال قبل نیست. آن جو موجبات پرورش قاریان بزرگ را فراهم ساخت

اگر همان جوی که ۵۰ سال پیش در مصر ایجاد شد، در کشور ما به وجود آید، ما قاری در همان سطح خواهیم داشت. البته خیلی ها ممکن است این حرف را قبول نداشته باشند و تصور کنند تنها مصریان صدا و استعداد لازم برای تلاوت زیبای قرآن را دارند، اما من معتقدم قاریان ایرانی نیز توانایی لازم را دارند و فقط تجربه و سابقه ما از آنها کمتر است و گرنه حتی موسیقی آنها نیز موسیقی تبدیل شده ایرانی است، مثل لغاتی که از فارسی به عربی رفته و معرب شده اند

نمره دادن به قاری غلط است

اشکال اصلی ما این است که به قاری نمره می دهیم. قاریان ما باید سطح بندی و کلاس بندی شوند که این کار ما را به داوری عادلانه تر، نزدیک می کند

فکر می کنید اگر کسی بخواهد در زمینه های لحنی پیشرفت کند، حتماً باید موسیقی بداند؟ این سؤال من از استاد است که در پاسخ به آن می گوید: «تا حدی بله، البته ممکن است بعضی از خوانندگان این شبهه برایشان ایجاد شود که باید از ابتدا به سراغ موسیقی بروند، در صورتی که این طور نیست موضوع اولیه ما در بحث ورود به صوت و لحن، ساختن صدا و کار بر روی صوت است، نه یادگیری مقامات و الحان عربی؛ صدا وقتی زیبا و پخته شد هر مقام و نغمه ای را که بخواند زیبا است، اما اشتباه اصلی ما این است که قرآن آموزانمان را از ابتدا به سمت یادگیری مقامات سوق می دهیم و همین

وارد شدن بی موقع و بدون آمادگی به مباحث لحنی، قرائت آنها را دچار افت می کند

اگر کسی بخواهد در بخش صوت و لحن پیشرفت کند ابتدا باید از قاریان بزرگ تقلید کند، آن هم تقلید در حالت، طنین و تزینی که قاری باید در صوت خود ایجاد کند نه در جنس صدا؛ جنس صدا تقلیدی نیست و هر فردی یک نوع صدا با یک رنگ خاصی دارد. مثلاً وقتی شما یک متن عارفانه ای می خوانید، حالت خاصی به صدا می دهید که در محاوره های معمولی چنین حالتی را در صدا به وجود

نمی‌آورید

داوری صوت و لحن، سلیقه‌ای است

به هر حال این آقای داور یک سلیقه‌ای دارد، مهم این است که از داوران خوش سلیقه استفاده شود. ضمن اینکه ما در داوری صوت و لحن باید از افرادی استفاده کنیم که خودشان قاریان خوب و ممتازی باشند؛ کسی که خودش تلاوت خوبی ندارد، چگونه می‌تواند در مورد صوت و لحن نظر بدهد.

بنابراین ایجاد حالت صدای عربی و رسیدن به توانایی‌های ویژه صوتی اولین گام برای کسی است که می‌خواهد صوت و لحن را یاد بگیرد، اگر کسی به این حد رسید و در پی اضافه کردن اطلاعات خود «بود، یادگیری موسیقی می‌تواند او را در اجرای بهتر الحان کمک کند

بحث صاحب سبک بودن قراء مصری به میان می‌آید، «ابوالقاسمی» معتقد است: «تفاوت قرائت‌های «قاریان مصری در اختلاف سبک آنها نیست، بلکه در ویژگی‌های صوتی قاریان مصری است او می‌گوید: «به عنوان مثال آنچه در خواندن استاد «شحات انور» وجود دارد، یک سبک جدید نیست. همان نغمات و آهنگ‌هایی است که دیگران خوانده‌اند، منتها با یک صدای جدید و الا چه تفاوتی بین تلاوت «احمد شیب» و «شحات انور» وجود دارد. ما حتی نشانه‌های تقلید در بعضی از قرائت‌های قراء مصری را می‌بینیم، اگر نوار «سعید زناتی» را شنیده باشید، متوجه تقلید صد در صد شحات انور از «زناتی» خواهید شد. حتی استاد «مصطفی اسماعیل» هم از «طه الفشنی»، «عبدالفتاح» و «منصور بداح» تقلید کرده است، «مصطفی اسماعیل» حتی گرفتگی‌های صدایش هم شبیه «منصور بداح» است. با این دیدگاه، «سبک» معنایی متفاوت خواهد داشت و منظور از سبک همان تفاوت در صوت است سبک از نظر لحنی جائی مطرح می‌شود که بحث انتخاب ردیف آهنگی و یا تعویض‌های مقامات و ارتباط مقام به مقام بعدی باشد که هر کدام از اینها مرتبه‌ای از سبک هستند که با این تعریف، هیچ «قاری مصری، صاحب سبک نیست

و اما اینکه بعضی معتقدند، داوری صوت و لحن سلیقه‌ای است، بله سلیقه‌ای است. به هر حال این آقای داور یک سلیقه‌ای دارد، مهم این است که از داوران خوش سلیقه استفاده شود. ضمن اینکه ما

در داوری صوت و لحن باید از افرادی استفاده کنیم که خودشان قاریان خوب و ممتازی باشند؛ کسی
» که خودش تلاوت خوبی ندارد، چگونه می تواند در مورد صوت و لحن نظر بدهد.

کریم منصوری قاری ممتاز و حافظ کل قرآن کریم



کریم منصوری در سال ۱۳۴۷ در آبادان متولد شد و تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم ادامه داد و هم اکنون کارمند وزارت امور خارجه می باشد

اساتید ایشان صاحب نامانی چون سید صالح ، گروسی ، رکابی ، منصوری ، عبدالله زاده ، موسوی ، اربابی و خدام حسینی بوده اند.

وی از سال ۵۹ شرکت در جلسات قرآنی آموزش قرآن کریم را به صورت فنی دنبال کرد و موفق شد در مدت زمان کوتاهی به فنون قرائت در حد مطلوبی تسلط یابد و با استفاده از نوار قرائت قاریان مشهور مصری سطح قرائت خود را ارتقا بخشد و توفیق یافت کل قرآن کریم را نیز حفظ کند

مقام های داخلی ایشان

- نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه سالهای ۶۷ و ۷۲
- نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه سال ۶۹ و ۷۶
- نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه استان تهران در رشته حفظ کل

مقام های بین المللی

- نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم مالزی سال ۶۹
- نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی سال ۷۱

• نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران سال ۷۶

مأموریت های قرآنی در داخل کشور

• تلاوت قرآن کریم در محافل انس با قرآن و برنامه های متعدد قرآنی در سراسر کشور

• تلاوت قرآن کریم در مراسم افتتاحیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۷۶

مأموریت های قرآنی در خارج از کشور

• سفر به حدود بیست کشور جهان از جمله کشورهای مغرب ، سوریه و عمان

• سفر به عربستان سعودی جهت تلاوت قرآن کریم در مراسم سیاسی عبادی حج تمتع

سه خاطره ی قرآنی از زبان کریم منصوری

• من سه خاطره مختصر اما شیرین و ماندگار با رهبر انقلاب دارم

خاطره ی اول مربوط به زمانی است که سرباز کمیته ی انقلاب اسلامی بودم و در مراسمی تلاوت

می کردم که آقا حضور داشتند. ایشان آن وقت رییس جمهور بودند. بعدها از دوستان شنیدم که

فرموده بودند چه کسی دارد قرآن می خواند؟ اطرافیان گفته بودند یکی از سربازهاست. ایشان فرموده

بودند: قدر این سرباز را بدانید که قاری خوبی خواهد شد

خاطره ی دوم مربوط به سال هفتاد و یک است که بعد از مسابقات عربستان و به اتفاق آقای پرهیزگار

خدمت حضرت آقا رسیده بودیم. ایشان برای تشویق به من گفتند: حالا وقت آن است که کل قرآن

را مثل آقای پرهیزگار حفظ کنید؛ چون قاری بین المللی هستید». بعد از مدتی موفق به حفظ کل قرآن

شدم و ایشان هم من را مورد تشویق قرار دادند

خاطره ی سوم هم این بود که ایشان به بنده فرمودند: آقای منصوری شما مردمی می خوانید؛ استقبال

مردم از خواندن شما یک نعمت است. همین طور ادامه دهید و مردم را با خواندن قرآن منقلب کنید

شهريار پرهيزگار چهره ممتاز قرانی و حافظ کل قران کریم



استاد «شهريار پرهيزگار» حافظ و قاری برجسته قرآن کریم، در طول سال‌های حضور در محافل و جلسات قرآنی کشور چهره آشنایی برای همه قرآن‌آموزان است. یادداشت زیر بخش‌هایی از زندگینامه این استاد قرآن را بازگو می‌کند.

استاد «شهريار پرهيزگار» در ۲۵ مردادماه سال ۱۳۴۳ هـ.ش در شهر تهران دیده به جهان گشود؛ اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز محیط مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش به قرآن در وی شد.

خود او می‌گوید: «میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که به‌ویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می‌شد، مرا ترغیب می‌کرد و یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه‌ای می‌نشستم و مسابقه قرآنی برای خودم ترتیب می‌دادم و خود را قاری تجسم می‌کردم و احساس می‌کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می‌کردم به خواندن. خانواده این را که دیدند بیشتر توجه‌شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند.

استاد شهريار پرهيزگار در سال ۱۳۵۲ که ۹ سال بیشتر نداشت، با شنیدن چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می‌شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و به‌ویژه تلاوت استاد

«محمدتقی مروت» که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی کسب کرد، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده‌اش را در مسیر قرآن رقم زد.

شهریار پرهیزگار، روحوانی، روان‌خوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد «ادیب» و تجوید، صوت و لحن قرآن کریم را نیز هم‌زمان در جلسات استاد «مروت» آغاز کرد و سپس با راهنمایی استاد مروت به جلسات درس استاد «مولایی» حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز کرد.

استاد پرهیزگار، اولین بار به صورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال ۱۳۵۶ در مسجد «لاله‌زار» و در مقابله با رژییم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت، در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه «یوسف» را به زیبایی تلاوت کرد.

پرهیزگار پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۶۰، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم‌افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت کرد و در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد. که ثمره این ازدواج دو فرزند به نام‌های «فاطمه و مهدیه» است.

استاد پرهیزگار، قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولایی از حفظ کرد و در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور شرکت کرده و رتبه‌های ممتاز به دست آورد.

در سال ۱۳۶۲ در مسابقات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در حفظ ۱۵ جزء رتبه نخست را کسب کرد، همچنین در سال ۱۳۶۴ در حفظ ۲۰ جزء رتبه دوم را در کشور عربستان به دست آورد و در سال ۶۶ هم استاد پرهیزگار در رشته حفظ کل قرآن کریم در مسابقات بین‌المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست این مسابقات را از آن خود ساخت.

وی علاوه بر این، در سال ۷۱ نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت؛ وی شیرین‌ترین خاطرات فراموش‌نشدنی خود را دست‌بوسی حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان با او می‌داند و خاطره دیگر را ورود به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان در سال ۶۶ می‌داند.

پرهیزگار از استادانی چون؛ «رفعت، شعاعی، مصطفی اسماعیل و شعیب» به عنوان قاریان برتر پیشکسوت، در کشور مصر یاد می‌کند، همچنین در میان استادان حاضر در کشور مصر از «شحات

«محمد انور، الیثی و نعینع» به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می برد

دور کامل تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیزگار که از سال ها پیش و به برکت نظام جمهوری اسلامی ایران پخش می شود بسیار مورد توجه دوست داران و علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است ، همچنین نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل صدای استاد پرهیزگار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است

پرهیزگار مانند بسیاری دیگر از استادان و صاحب نظران امر تلاوت معتقد است که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هر گونه ابداع و ابتکار سبک نوین پرهیز کند

وی معتقد است پس از سپری کردن این دوره می توان سبکی نو ابداع کرد، به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد «عبدالباسط»، سپس مرحوم «منشاوی» و پس از آن از «مصطفی اسماعیل» تقلید کرده است

استاد پرهیزگار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می کند که در شنیدن تلاوت ها برای یاد گیری، توجه و دقت بالایی را داشته باشند یعنی به صورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق، گوش بسپارند

استاد پرهیزگار تاکنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستان های مختلف در زمینه های قرآنی تدریس کرده اند، وی همچنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آواشناسی را تدریس کرده است

پرهیزگار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است و در طول هشت سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود در روزهایی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می کردند و حضور قایان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری به سزا داشت استاد پرهیزگار نیز مانند بسیاری از برادران قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آن ها را از عشق حق، ..حیاتی دوباره می بخشید

وی در توصیه‌های خود به جوانان می‌گوید که فعالیت قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی‌داند و می‌گوید: «باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می‌دهد به سمت انس هرچه بیشتر با قرآن حرکت کنیم تا در این عرصه موفق باشیم.»

دکتر محمد مهدی فولادوند مترجم قرآن کریم



محمد مهدی فولادوند (۱۲۹۹-۱۵ مرداد ۱۳۸۷) استاد دانشگاه و از مترجمان قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه به زبان فارسی است.

زندگی

محمد مهدی فولادوند فرزند محمد حسن بختیاری، در سال ۱۲۹۹ در شهرستان اراک متولد شد. در شهریور ۱۳۲۹ عازم پاریس شد و مدت چهارده سال در آنجا تحصیل کرد. فولادوند در این مدت در دانشگاه سوربن به تحصیل در رشته ادبیات، هنر، فلسفه و زبان‌شناسی عرب پرداخت. رساله دکتری وی پیرامون «عمر خیام» بود که بعدها به چاپ رسانید. وی در آبان ۱۹۶۴ میلادی به تهران بازگشت و در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، از جمله دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دانشگاه امام صادق دروسی چون فلسفه، زیباشناسی، زبان فرانسه، فولادوند نزدیک ۳۰ جلد کتاب به فارسی و فرانسه. تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرد. منتشر کرده است. وی در روز ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ درگذشت.

شهرت فولادوند بیشتر به سبب ترجمه او از قرآن بود. وی در سال ۱۳۴۵ جزوه‌ای به نام «گل‌هایی از قرآن» را در تهران منتشر کرد، در حالی که به جز ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و ابوالقاسم پاینده ترجمه فارسی دیگری از قرآن در دسترس نبود. این جزوه مورد اقبال قرا گرفت و این استقبال تا آنجا بود که محمدعلی جمال‌زاده، نامه‌ای در تجلیل مترجم نوشت و از وی خواست تا این کار را تا پایان قرآن ادامه دهد.

فولادوند به دو زبان فارسی و فرانسه شعر می‌گفت. دیوان اشعار فارسی وی به ۲۰ هزار بیت و اشعار فرانسه او به ۷۰۰ صفحه بالغ می‌شود. تخلص او در اشعار فارسی اش «مهدا» بود.

آثار فولادوند

از وی آثار تألیفی و به ویژه ترجمه‌ای فراوانی باقی مانده است

ترجمه‌ها

برخی از ترجمه‌های فولادوند عبارت‌اند از: قرآن، نهج البلاغه، اقتصادنای محمدباقر صدر و المنقذ من الضلال (رهایی از گمراهی) غزالی به زبان فارسی. وی همچنین مترجم دعای کمیل به فرانسه است. از دیگر ترجمه‌های او می‌توان به مادام بواری اثر گوستاو فلوبر اشاره کرد

تألیفات

خیام‌شناسی

قرآن‌شناسی

نخستین درس از زیباشناسی

معرفی ترجمه

ترجمه قرآن به زبان فارسی توسط فولادوند در سال ۱۳۷۳ توسط دفتر مطالعات تاریخ و معارف

اسلامی با ویرایش محمد رضا انصاری و سید مهدی برهانی منتشر شده است

بهاءالدین خرمشاهی در توصیف ترجمه فولادوند می‌نویسد: «بدون اغراق ترجمه فولادوند از

بهترین ترجمه‌های موجود به زبان فارسی است». ترجمه فولادوند ترجمه‌ای است به فارسی امروزی

و بدون گرایش‌های خاص افراطی است یعنی نه فارسی‌گرایی مفرط دارد نه عربی‌گرایی مفرط. علاوه

بر این یکی از ویژگی‌های کم‌نظیر ترجمه حاضر، ارائه یک ترجمه آهنگین در سوره‌های مکی

انتهای قرآن است

ویژگی‌های ترجمه

نوع ترجمه: روش ترجمه آمیخته‌ای از دو روش ترجمه محتوایی و ترجمه تحت‌اللفظی است یعنی

ارائه یک نثر روشن و شیوا و در عین حال مطابق با متن آیات

نثر ترجمه: اسلوب و زبان ترجمه به فارسی امروز، ساده و در عین حال شیواست

مطابقت با متن: این ترجمه از مطابقت بی‌نظیر با اصل کلام الهی برخوردار است. ناقدان ترجمه‌های

قرآن مهمترین ویژگی ترجمه فولادوند را مطابقی بودن آن می‌دانند

توضیحات: توضیحات مختصری شامل ظاهر کردن مراجع ضمیر، حرف ربط و دیگر افتادگی‌ها دارد.
که به دقت در داخل قلاب قرار گرفته‌است

هماهنگی شیوه ترجمه: روش مترجم به صورت یکسان در سراسر ترجمه حفظ شده‌است
هماهنگی در ترجمه واژه‌های مشابه: رعایت این مسئله مورد توجه مترجم بوده‌است. و در سراسر
ترجمه توفیقات خوبی داشته‌است.

ابوالقاسم پاینده مترجم قرآن کریم



وی در سال ۱۲۹۰ش در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. مقدمات علوم عربی را در زادگاهش بیاموخت، آن گاه پس از مدتی به اصفهان رفت و در حوزه‌های علمی آن جا دروس منقول و معقول را فرا گرفت. در سال ۱۳۱۲ به تهران مهاجرت نموده و به کار روزنامه‌نگاری و تالیف و ترجمه پرداخت. پس از گذشت مدت زمانی هفته نامه صبا را در سال ۱۳۲۱ تاسیس کرد که تا سال ۱۳۳۰ منتشر می‌شد. در کنار این کار، تالیفات فراوانی نیز داشت که حدود چهل اثر می‌باشد از جمله آنها ترجمه قرآن مجید است که مورد استقبال علاقه‌مندان به قرآن و قرآن پژوهان قرار گرفته است. وی در سال ۱۳۶۳ش پس از ۷۳ سال تلاش در عرصه امور فرهنگی و خدمت به قرآن، دار فانی را وداع گفت.

مشخصات ترجمه

نام کتاب: ترجمه قرآن

نسخه شناسی

مترجم: پاینده، ابوالقاسم

موضوع: آزاد

قرن: پانزدهم

زبان: فارسی

مذهب: شیعی

ناشر: سازمان انتشارات جاویدان

مکان چاپ:

سال چاپ: سال ۱۳۵۷

نوبت چاپ: پنجم

خط: نامعلوم

قطع: وزیری تعداد چاپ

ویژگی‌ها

نوع ترجمه: جمله به جمله ۲- مطالب اضافی کمتر دارد. ۳- برخی از کلمات، شیوایی و رسایی ۱- خوبی دارد. ۴- اکثر افعال مجهول، در ترجمه، مجهول بودن آن‌ها رعایت شده است و کمتر موردی را می‌توان یافت که فعل مجهول، به صورت معلوم ترجمه شده باشد. ۵- همه کلمات موجود در آیات، ترجمه شده و کمتر موردی وجود دارد که از آیات حذف شده باشد. ۶- دارای مقدمه‌ای از مترجم درباره جایگاه قرآن و کیفیت نزول آن است

نمونه ترجمه

سورة الكوثر

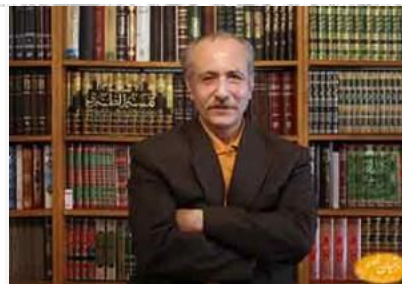
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای رحمان رحیم

ما تو را فروزی [نسل] بخشیده‌ایم (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۱)

پس برای پروردگارت نماز کن و قربان کن (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ۲)

که دشمن تو، همو، بی‌دنباله است (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۳)

بهاء الدین خرم شاهی پژوهشگر قرآن کریم



بهاالدین خرمشاهی در سال ۱۳۲۴ ن در قزوین به دنیا آمد. او در زمینه ادبیات فارسی و علوم تربیتی به تحصیل پرداخت و سرانجام در با اخذ کارشناسی ارشد کتابداری فارغ التحصیل شد. استاد بهاالدین خرمشاهی فعالیت علمی و فرهنگی خود را از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو گروه علمی مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه ملی آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۳ در این مرکز مشغول به کار بود. پس از آن، از سال ۱۳۶۳ به عضویت انجمن فلسفه وابسته به موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی درآمد. استاد خرمشاهی بعد از فارغ التحصیل شدن بیشتر وقت خود را در زمینه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی مصروف داشت.

خرمشاهی پس از طی دوران طفولیت، نزد پدرش تحصیلات خود را آغاز کرد. با طی نمودن مقطع متوسطه در زادگاه خود، به دانشگاه راه یافت و در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت. اما پس از مدتی از این رشته انصراف داد و در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۷ دوره لیسانس را به پایان رساند. او در سال ۱۳۵۲ از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، با درجه فوق لیسانس در رشته کتابداری فارغ التحصیل گردید.

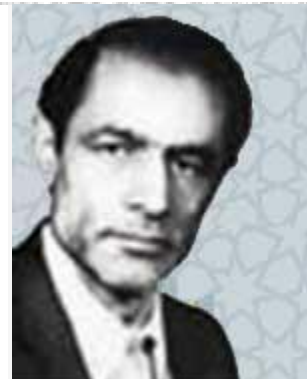
خرمشاهی ابتدا نزد پدر خود میرزا ابوالقاسم که از رجال علم و دانش بود به تحصیل پرداخت. سپس از محضر درس استادانی چون: آیت الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، جعفر شهیدی، دکتر مهدی محقق، دکتر خانلری و دکتر صفا بهره مند شد.

استاد خرمشاهی علاوه بر همکاری با کتابخانه ملی ، از سال ۱۳۶۳ به عضویت انجمن فلسفه وابسته به .موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی درآمد

استاد بهالدین خرمشاهی فعالیت علمی و فرهنگی خود را از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو گروه علمی .مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه ملی آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۳ در این مرکز مشغول به کار بود

استاد خرمشاهی بعد از فارغ التحصیل شدن بیشتر وقت خود را در قرآن پژوهی و حافظ پژوهی مصروف داشت. از این محقق شش اثر قرآنی تا به حال به جامعه فرهنگی و قرآنی عرضه شده است. وی در حافظ پژوهی و غیر آن دارای تالیفاتی است. کتابهای او در زمینه های مختلف اعم از تصحیح ، ترجمه و تالیف به پنجاه مورد بالغ می گردد. همچنین بیش از پانصد مقاله علمی به یادگار گذاشته .است

سید جلال الدین مجتبوی



دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به سال ۱۳۰۷ در تهران متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۳۰ در رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شد. سپس در ۱۳۳۷ دوره فوق لیسانس و دکتری را که آن زمان پیوسته بود آغاز نمود و در ۱۳۴۶ با دفاع از پایان نامه خویش با عنوان «خدا در فلسفه ارسطو و ابن سینا» موفق به اخذ درجه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. ایشان در طول مدت تحصیل در دانشگاه تهران از محضر اساتیدی همچون فاضل تونی، عصار، دکتر صدیق، دکتر مهدوی استفاده نمود و پس از مدتی به عنوان استاد در دانشگاه تهران شروع به تدریس نمود. ایشان هم‌زمان با تدریس به مدت ۹ سال ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی را عهده‌دار بود در این مدت کنگره‌های اقبال لاهوری، بزرگداشت فردوسی و کنگره جغرافیا برگزار گردید.

دکتر مجتبوی در سال ۶۸ به دریافت درجه استادی ممتاز نائل آمد و تا پایان عمر به تدریس اشتغال داشت.

دقت علمی، تهذیب اخلاقی و منش بزرگوارانه آن عالم فرزانه همواره الگویی علمی و عملی برای همه مشتاقان علوم و معارف خواهد بود.

بی‌مناسبت نیست در این نوشته با اغتنام فرصت، توضیح و معرفی کوتاهی از ترجمه قرآن، که به کوشش استاد مجتبی‌ی صورت انجام پذیرفت، درج شود با این قید که ترجمه ایشان به گواهی برخی از قرآن‌پژوهان و صاحب‌نظران این حوزه، نسبت به کارهای انجام‌شده، کم‌نظیر و در ردیف کارهای محکم و قابل‌اعتنا و توجه و بسیار مفید است.

این ترجمه به روال بسیاری از ترجمه‌های منتشرشده در روزگار ما در یک صفحه، اصل قرآن و در صفحه مقابل، ترجمه آن را دربر دارد. در پاورقی بسیاری از صفحه‌ها، توضیحاتی روشن‌گر برای کمک به فهم ترجمه در زمینه‌های مختلف آمده است که غالباً نکاتی تفسیری، لغوی، نحوی و از این قبیل است.

در پایان ترجمه با عنوان «بقیه زیرنویسها» توضیحاتی با ارجاع به صفحه‌های مورد نظر در حدود سی صفحه آمده است و پس از آن مطلبی با عنوان «سخنی چند درباره این ترجمه» که ابتدا با طرح سؤال «چرا ترجمه‌ای دیگر از قرآن مجید؟» لزوم اقدام به کار ترجمه در کنار ترجمه‌های دیگر و در واقع پاسخ به سؤال مقدر است.

پس از آن چند نکته که در این ترجمه درخور توجه است؛ از آن جمله اینکه در این ترجمه تا آنجا که ممکن و میسر بوده است از کلمات فارسی استفاده کرده‌ایم که این مقتضای ترجمه است ولی معتقد به نوشتن فارسی سره که زبانی نامفهوم خواهد بود، نیستیم... و برآنیم که تا وقتی کلمات برابر در فارسی هست، دلیل و توجیهی وجود ندارد که کلمات عربی را در ترجمه بیاوریم... همچنین از ترجمه نام سوره‌ها و هر نامی خودداری کرده‌ایم زیرا نامها را نباید ترجمه کرد.

- در این ترجمه بیشترین هم‌ما صحت ترجمه بوده است لیکن بعضی از مترجمان قائل به نوعی توسع شده‌اند مثلاً «الذین آمنوا» را مؤمنان و «الذین كفروا» را کافران ترجمه کرده‌اند. اگرچه این ترجمه غلط نیست اما دقیق هم نیست زیرا عبارت با فعل بیان شده نه با اسم و ما کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که کافر شدند (یا کفر ورزیدند) ترجمه کرده‌ایم.

- بعضی از مترجمان تصور کرده‌اند که باید در برابر هر کلمه‌ای یک کلمه آورد و حال آنکه رعایت این قید در هیچ گونه ترجمه‌ای ضروری نیست بلکه برعکس هر جا که نتوان برای ترجمه کلمه‌ای یک کلمه کاملاً معادل یافت، آوردن دو کلمه اگر معنی و مفهوم را بهتر و درست‌تر و کامل‌تر برساند،

موجّه و بلکه ضروری است و نیز درباره کلمه‌ای که دو معنای نزدیک به هم دارد و هر دو معنی ...مطلوب است، آوردن هر دو با هم روا و پسندیده است .

در صفحات پایانی ترجمه، مرحوم استاد با عنوان سخنی درباره چاپ دوم مطالبی آورده است که گمان می‌رود دقت و تأمل در این چند سطر، افزون بر معرفی این ترجمه و نمایانگر بودن آن، شخصیت والای آن استاد ارجمند را نیز بخوبی و درستی می‌نمایاند و به همین جهت، روا و پسندیده است که با نقل عین نوشته آن بزرگمرد از دست‌رفته، این نوشته به پایان برسد:

پس از آنکه ترجمه و توضیحات تفسیری اینجانب از قرآن مجید در سال ۱۳۷۲ منتشر شد با آنکه بسیاری از دوستان و علاقه‌مندان از آن استقبال کردند و نیز مورد تشویق و قدردانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت، دریافتم که برخی لغزشها و نارساییها در آن هست و اشتباهاتی هم به هنگام چاپ پدید آمده است .

برای رفع این نقصها که در چاپ اوّل هر کتابی (تألیف یا ترجمه) عادی است تا چه رسد به ترجمه قرآن کریم که ادّعای بی‌لغزش و کامل بودن آن سخنی است گراف، بر آن شدم که به بازنگری و ویراستاری دقیقتر آن پردازم و از تذکرات دوستان نیز آنچه را درست یا بهتر یافته‌ام، بهره گیرم و همچنانکه در یادداشت مندرج در پایان ترجمه (چاپ اوّل) یادآور شدم بنابر دلیل موجّه بنا داشتم تا آنجا که ممکن است کلمات مفهوم و متداول فارسی را به کار برم، مگر در مورد اصطلاحات، مانند ایمان و انفاق و هجرت و توکل و... و واژگانی که مفهوم آنها برای خوانندگان، روشنتر و رساتر است. لیکن پس از آن توجه کردم که الفاظی مانند انباز و کین‌ستان و... برای بعضی از خوانندگان آشنا و مأنوس نیست و بهتر است آنها را با شریک و انتقام‌گیرنده و... عوض کنم. وانگهی در ترجمه برخی از آیات آن شیوایی و روانی و صحت و دقتی که منظور و مطلوب بود دیده نمی‌شد. از این رو در بازنگری و ویرایش دوم ترجمه که شخصا آن را انجام داده‌ام، تعدادی از صفحات هیچ تغییری نکرده و در برخی اندک تغییر، مثلاً در شماره زیرنویسها و ذکر مکی و مدنی سوره‌ها پدید آمده و در دیگر صفحات کم و بیش اصلاحاتی صورت گرفته است و آن توضیحات تفسیری را که در چاپ اوّل از نظر غایب مانده بود ولی لازم و سودمند می‌نمود، افزودم.

دکتر طاهره صفّارزاده مترجم قرآن کریم



دکتر طاهره صفّارزاده، شاعر، نویسنده، نظریه پرداز، محقق، مترجم و استاد دانشگاه، در روز ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در خانواده‌ای متوسط با پیشینه‌ای از مردان و زنانی تلاشگر، عارف، مردمگرا و ستم ستیز در سیرجان به دنیا آمد. پدر و مادرش را در ۵سالگی از دست داد و تحت تکفل مادر بزرگ خود قرار گرفت که چشم پزشکی و شاعر بود و در کرمان می زیست. خواهر بزرگترش نیز به اشاره مادر بزرگ برای سرپرستی طاهره و رسیدگی به او ترک تحصیل کرد. او همواره طاهره را فرزند اول خود می دانست. طاهره در ۶سالگی تجوید، قرائت و حفظ قرآن را در مکتب محل آموخت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. نخستین شعرش را (به نام «بینوا و زمستان») در ۱۳سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه شد. اولین جایزه همان شعر را که یک جلد دیوان جامی بود، به پیشنهاد استاد باستانی پاریزی از دبیران آن زمان دبیرستان بهمنیار، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

نزد مردم ایران شهرت طاهره صفّارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد که در نخستین کتاب شعر او به چاپ رسیده و توصیفی از وضعیت فرزند یک مادر اشرافی و ترسیمی از انحطاط فرهنگ غربگرایانه بود.

سال ششم دبیرستان را با رتبه نخست به پایان رساند و در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی، و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد. چون تردید در انتخاب داشت خانواده او به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز لیسانس گرفت. در

این دوران بود که متوجه کاربردی نبودن واحدهای این رشته برای حال و آینده دانشجویان ایرانی شد.

در پی جدایی از سه سال زندگی با همسری معتاد و غیر قابل تحمل، به همراه فرزندش به تهران مهاجرت کرد. مدتی برای گذران زندگی به کار در یک شرکت بیمه، تدریس زبان انگلیسی و نوشتن داستان برای مطبوعات پرداخت. همزمان با مسئولیت صفحه شعر یکی از مجلات، به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت استخدام شد اما به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران شرکت نفت علیه تبعیض موجود و عوامل ستمی که مایه فقر و محرومیت کارگران و فرزندان آنها بود، مجبور شد کار خود را ترک کند.

شاعری جهانی

طاهره صفّارزاده مدتی پس از درگذشت فرزندش برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا MFA رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه به معنی: استاد هنرهای زیبا) درجه ای Master of Fine Arts (مخفف MFA. نایل آمد است که به نویسندگان و هنرمندانی دارای لیسانس در یک رشته هنری یا ادبی که PhD مستقل از داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود. آنها باید قبل از ورود به این دوره تحصیلی از عهده امتحانی جامع که حتی برای دانشجویان آمریکایی دشوار است – بایند. در این دوره، شاعران و نویسندگان به جای یادگیری محفوظات، به آموختن نقد ادبی به صورت نظری و عملی و اجرای پروژه‌های ادبی و هنری متنوع شامل مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان، شاعران و هنرمندان می‌پردازند. همچنین باید یک رشته دیگر را به عنوان هنر دوم برگزینند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک برای تدریس نظری و عملی در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری صورت می‌گیرد. طاهره صفّارزاده، ضمن گذراندن دروس دیگر، برای درسهای اصلی «شعر امروز جهان»، موضوعهای «نقد ادبی»، «نقد عملی ترجمه» و «سینمای مستند» را انتخاب کرد.

سینما را نیز به عنوان هنر دوم برگزید و دو فیلم کوتاه ساخت

در این دوران طاهره صفّارزاده در پی دست یافتن به زبان خاص شعری، و در نتیجه مطالعاتی مستمر، به تعاریف و نظریات جدیدی در زمینه هنر و به ویژه شعر توفیق یافت. نخستین نمونه این قبیل

شعرهایش او را به شهرت، اعتبار و احترامی قابل توجه در میان شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف جهان رساند و ارتباطهای ادبی متقابلی را میان او و شاعران و هنرمندان دیگر کشورها پدید چتر سرخ) نام مجموعه ای کوچک از شعرهای انگلیسی (The Red Umbrella آورد. کتاب طاهره صفّارزاده است که در سال ۱۹۶۸ میلادی از سوی دانشگاه آیووا به چاپ رسیده است. بسیاری از شعرهای این کتاب به زبانهای گوناگون شرقی و غربی ترجمه شده اند. هم اینک شعرهای انگلیسی طاهره صفّارزاده در برخی از کشورها به عنوان واحدهای درسی تدریس می شوند. اصل شعرهای انگلیسی یا ترجمه فارسی شعرهای او به زبانهای گوناگون، مایه انگیزش برخی از موسیقیدانان برای (Joachim F. W. Schneider) خلق آثاری بر اساس آنها بوده است. از جمله یوآخیم ف. و. شنایدر موسیقیدان آلمانی بر روی ترجمه آلمانی خانم آنماری شیمل – خاور شناس و (Schneider) پژوهشگر معروف فرهنگ اسلامی – از چند شعر طاهره صفّارزاده موسیقی نهاده و دیوید فدرولف (David Federolph) The Red Umbrella موسیقیدان آمریکایی بر چند شعر کتاب (David Federolph) موسیقی نهاده است.

علمی سازی ترجمه

در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل روشنگریهای سیاسی در ایران و خارج، مشکلاتی برای استخدام دکتر طاهره صفّارزاده وجود داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی باعث گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ مقامات آن زمان با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت کردند دکتر طاهره صفّارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزار کننده نخستین کارگاه «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه های ایران محسوب می شود. اگرچه سابقه برگردان آثار ادبی و مذهبی به ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد اما تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ میلادی، ترجمه، حرفه ای ذوقی و غیر آکادمیک به شمار می رفت و تدریس آن به برنامه های آموزشی دانشگاه های مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، اولین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام ورزید. صفّارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت. در

کلاس به سبب تنوع زبانهای خارجی در بین شرکت کنندگان، بررسی متون ترجمه شده، در تنها سطح صحت و بلاغت زبان انگلیسی، فارغ از مقایسه با متن اصلی از سوی استاد انگلیسی زبان انجام می شد که در عین حال امری اجتناب ناپذیر بود. اما صفارزاده با هدف علمی سازی و سامان بخشی ترجمه در ایران، با موافقت استادش به جای شرکت در کلاس به منظور تدوین یک روش جامع و کاربردی، با مراجعه به کتابخانه ها و کتابفروشیها به مطالعه، یادداشت برداری و گردآوری نوشته ها، سخنرانیها و عقاید صاحب نظران درباره روش ترجمه پرداخت و متد مورد نظر را یافت. بر این اساس از ابتدای تدریس خود در ایران روشی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی، در شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته ترجمه مفید افتاد. این کتاب در کارگاههای ترجمه مورد استفاده قرار گرفت و نقشی مؤثر در صحنه ترجمه ایران ایفا کرد. چند سال بعد بود که کتابی در این علم در انگلستان منتشر شد.

شعر طنین، طنین شعر

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری هم به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی در زمینه شعر امروز، به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر توفیق یافت که عنوان «شعر طنین» بر آن نهاد؛ زمزمه ای روشنفکرانه که بی دغدغه وزن، با استعاره ای روشن، حرکتی در ذهن خواننده بیاغازد. از آنجا که نمونه های این قبیل شعرهای طاهره صفارزاده با توجه به مضامین و درونمایه های خود از گونه شعر مقاومت دینی و طنز سیاسی به شمار می آمد و حکومت پسند نبود، شعر طنین در آغاز بسیار بحث انگیز شد. سرانجام در سال ۱۳۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی و امضا نکردن برگه عضویت اجباری در حزب رستاخیز از دانشگاه اخراج شد.

درون مذهبی صفارزاده در ایام خانه نشینی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد. کتاب «سفر پنجم» او که

درب‌گیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۱۳۵۶ تنها در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید.

زیربنای حوزه هنری و مسئولیت‌های تازه

طاهره صفّارزاده با آگاهی از خلأ فرهنگی نهضت اسلامی، در آغاز نهضت به کمک نویسندگان سرشناس و متعهد مسلمان اقدام به تأسیس مرکزی به نام «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» کرد. در مدت مسئولیت او قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۳۰۰ هنرجو در رشته‌های سینما، عکاسی، تئاتر، نقاشی، گرافیک، شعر و داستان، به همت استادانی که توقع حق التدریس نداشتند، در آن مرکز پرورش یافتند که اندکی بعد از چهره‌ها و مسئولان فرهنگی و هنری انقلاب اسلامی شدند. کانون فرهنگی نهضت اسلامی پس از آن که صفّارزاده آن را به جوانها واگذار کرد، به «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» و بعدها به «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» تغییر نام داد.

وی در سال ۱۳۵۸ با دکتر عبدالوهاب نورانی وصال، ادیب، شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه ازدواج کرد و این زندگی مشترک تا زمان درگذشت آن استاد (دیماه ۱۳۷۳) ادامه داشت. دکتر طاهره صفّارزاده پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی همکاران خود در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان رئیس دانشگاه و نیز رئیس دانشکده ادبیات انتخاب شد. همزمان با سرپرستی دانشکده ادبیات «طرح بازآموزی دبیران» را به اجرا درآورد که از طرحهای ضروری برای برطرف ساختن نقاط ضعف آموزشهای پیش از دانشگاه است.

طرح زبان تخصصی دانشگاهها

در سال ۵۹ برخی گروهها با تدریس زبانهای خارجی در ایران مخالفت کردند. اما پیرو مقالات انتقادی دکتر طاهره صفّارزاده درباره ضرورت آموزش زبانهای خارجی در رشته‌های علمی، از سوی ستاد انقلاب فرهنگی برای مسئولیت برنامه‌ریزی زبانهای خارجی از وی دعوت به عمل آمد. در این مسئولیت با همکاری استادان باتجربه تغییرات مفیدی در برنامه‌ها پدید آورد و پیرو طرحی که از سوی او تقدیم ستاد انقلاب فرهنگی گردید و به تصویب رسید برای نخستین بار برای کلیه رشته‌های علمی دانشگاهها کتابهای زبان تخصصی به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی در سطوح مختلف تألیف شد. این فعالیت ارزشمند، در آموزش علوم و فنون، پژوهشهای علمی و ارتباط متقابل با جهان

خارج در جهت استقلال علمی و فرهنگی در سالهای بعد از انقلاب بسیار مؤثر بوده است. وی حدود ۱۷ سال بدون چشمداشت مادی سرپرست اجرایی طرح بود. ۳۶ عنوان از ۸۰ عنوان کتابی که به همت دکتر صفّارزاده به نظام آموزشی دانشگاههای کشور راه یافتند، برخوردار از ویراستاری خود اوست. پس از آن به دلیل عدم موافقت سازمان «سمت» با روزآمدسازی متون زبان تخصصی از این طرح. کناره گرفت و خانه-نشین شد.

نظریه پردازی و حرکت آفرینی

دکتر طاهره صفّارزاده نظریه ها و فکرهای ارزنده‌ای در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و ترجمه تخصصی به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده است. «نظریه ترجمه تخصصی» که تأثیر آن موفقیت در آموختن رشته‌های مختلف علمی از طریق تمرکز ذهن بر واژگان تخصصی است، به تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است. تمرینهای «معادلیابی واژگان تخصصی» به منظور تأمین این هدف آموزشی، بر اساس همین نظریه، از سوی مؤلفان کلیه کتابهای زبان تخصصی در این کتابها گنجانده شده است. نیز در زمان همکاری او با فرهنگستان زبان و ادب فارسی طرح وی برای تهیه «فرهنگهای تخصصی» که با ضوابط علمی و پیشنهادهای جدید تدوین شده بود، به تصویب رسید و مورد بهره‌برداری اهل علم قرار گرفت. او همچنین پیشنهاددهنده تأسیس «مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی» و نیز «انجمن قلم» بوده است.

در «فستیوال شعر آسیایی داکا» که در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۷ میلادی) برپا شد، مسئولان برگزاری جشنواره، دکتر طاهره صفّارزاده را به عنوان یکی از پنج عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا برگزیدند. رئیس فستیوال درباره این انتخاب گفت: «ما معتقدیم که یک نفر، آن هم در این سر دنیا از علم "ترجمه حرف زده و اصولی عرضه کرده و آن یک نفر خانم دکتر صفّارزاده است»

در خدمت متون مقدس

ضمن برنامه‌ریزی زبانهای خارجی، به پیشنهاد دکتر صفّارزاده درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکالهای معادلیابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید گردید. وی در کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم

بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستیهای مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی – یعنی عدم ایجاد ارتباط نامهای خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن از سوی مترجمان – دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحولی در ترجمه کلام الهی به زبانهای مختلف باشد. این برخورد علمی او را برانگیخت که به خدمت ترجمه قرآن به دو زبان انگلیسی و فارسی همت گمارد. «قرآن حکیم» حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از مراجعه به کلام الهی برای کاربرد در شعر آغار شد و به ترجمه ای مفهومی، سلیس، روان و قابل فهم همگان از قرآن به دو زبان انجامید. شرح این توفیق در مقدمه کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید» و نیز دو مقدمه فارسی و انگلیسی «قرآن حکیم» آمده است. این ترجمه و تجربه حاصل از آن، دکتر صفارزاده را موفق به ترجمه برخی از مشهورترین متون یا دعا‌های مورد توجه شیعیان کرد که آنها نیز همین ویژگیهای ترجمه مفهومی را دارند. استقبال فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان از این ترجمه‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه جای این گونه برگردانها از «متون مقدس خالی است».

نمونه و افتخارآفرین

دکتر صفارزاده در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی به عنوان «استاد نمونه» معرفی شد. در سال ۱۳۸۰ نیز پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم» به افتخار عنوان «خادم القرآن» نایل آمد وی در ماه مارس سال ۲۰۰۶ میلادی همزمان با برپایی جشن روز جهانی زن، از سوی «سازمان به عنوان شاعر مبارز (Afro-Asian Writers' Organization)» نویسنده‌گان آفریقا و آسیا و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. در بخشی از نامه این سازمان آمده است: «از آنجا که دکتر طاهره صفارزاده – شاعر و نویسنده برجسته ایرانی – مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوششهای علمی گسترده به عنوان شخصیت برگزیده سال جاری انتخاب کرده است».

در نخستین جشنواره بین المللی شعر فجر که بهمن ۱۳۸۵ برگزار شد، هیئت داوران با بیشترین آرا طاهره صفارزاده را به عنوان برگزیده بخش شعر نو (سپید و نیمایی) معرفی کردند.

در عرصه تألیف و ترجمه

از دکتر طاهره صفارزاده علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی و اجتماعی، تاکنون یک مجموعه داستان، ۱۲ مجموعه شعر، ۵ گزیده اشعار و ۱۳ اثر ترجمه یا درباره نقد ترجمه در زمینه‌های ادبیات، علوم، قرآن، علوم قرآنی، حدیث و علوم حدیث انتشار یافته و گزیده سروده‌های او به زبانهای گوناگون جهان ترجمه شده‌اند.

از جمله آثار دکتر طاهره صفارزاده

(لوح فشرده صوتی و ترجمه قرآن حکیم، جزء ۲۹ و جزء ۳۰)، ۱۳۸۴ (نشر دوم)

ترجمه دعای عرفه: دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی) ۱۳۸۱ (چاپ دوم)

گزیده نهج البلاغه (متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۷ (چاپ اول)

ترجمه ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، از ۱۳۷۹ (چاپ دوم)

ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه: متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰ (چاپ هفتم)

ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه: متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲ (چاپ دوم)

ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه: متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵ (چاپ اول)

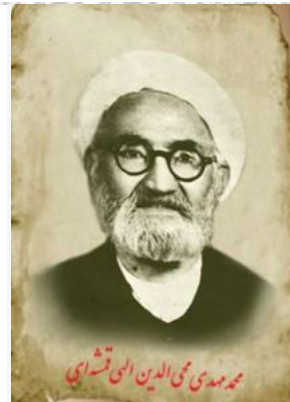
لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه: متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی) ۱۳۸۳ (نشر دوم)

ترجمه دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، از ۱۳۸۳ (چاپ دوم)

مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده‌ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، از ۱۳۸۴ (چاپ دوم)

ترجمه دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵ (چاپ دوم)

استاد محمد مهدی محی الدین الهی قمشه ای مترجم قرآن کریم



نیاکان، خاندان و خانواده

اجداد حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای از سادات بحرین و از بزرگان علم و معرفت و حافظان قرآن به شمار می رفته اند. گفته می شود که در دوران حکومت نادرشاه که سادات را تحت شکنجه و فشارهای شدید قرار می دادند نیاکان حکیم مخفیانه از بحرین به شهرستان قمشه از توابع استان اصفهان مهاجرت می کنند و سیادت خود را به دلیل اختناق حاکم مخفی می نمایند. عموزادگان آن حکیم به سیادت صحیح معروفند اما ایشان احتیاط می کردند

علامه حسن زاده آملی می نویسد: آن بزرگوار از سادات بحرین و از بیت علم و عرفان و زهد و تقوا بود. بارها به این بنده می فرمود: اصلاً از سادات بحرینم ولی چون در کسوت متعارف فعلی شناخته شده ام از تبدیل عمامه سفید به سیاه خودداری می کنم

:حکیم الهی قمشه ای در شرح حال منظومی که برای خود گفته به این مسأله اشاره دارد

نیاکان بُودَم از سادات بحرین ز حَقّاق قرآن قرّاء دفتر
زمانه خواندشان در شهر قمشه بدور نادر آن مرد دلاور
دست خطی از آن مرحوم بر جای مانده که سلسله شریف خاندانش را برای برادرزاده اش به صورت
ذیل به نگارش در آورده است

میرزا مهدی بن حاج ملا ابوالحسن بن حاج عبدالمجید بن حاج محمدرضا بن حاج عبدالملک بن

• حاج شیخ جعفر السید البحرینی رحمهم الله تعالی

پدر بزرگ حکیم الهی از افراد خوشنام شهرستان قمشه به شمار می رفت که در انجام امور خیر شهری به سزا داشت. آب انبار و پل حاج عبدالحمید و مدرسه علمیه حاج عبدالحمید از باقیات صالحات ایشان در شهر قمشه است

وی قبل از آنکه میرزا مهدی الهی دیده به جهان گشاید طی رؤیایی صادق مشاهده کرده بود که ملا محمد مهدی ابن ابی الفتوح قمشه ای (از دانشوران در گذشته این دیار) از هودجی از آسمان بر زمین فرود می آید و به اتاق ایشان وارد می شود. از آن پس ایشان بارها نزد پدر میرزا مهدی آمده، از عیال وی که در انتظار مولود تازه ای بود عیادت می نمود و بی صبرانه در انتظار میلاد آن فرزند لحظه شماری می کرد و پیوسته می گفت: «این نوزاد نامش محمد مهدی است و در زمره علمای بزرگ خواهد گردید

سرانجام انتظاراتها به سر رسید و در سال ۱۳۱۹ قمری و بنا به نقلی به سال ۱۳۲۰ ستاره پرفروغ این خانواده هویدا گردید. و دوستان واران و ارستگی را در موحی از شعف و سرور فرو برد. نامش را مهدی نهادند و بعدها که در خرد و حکمت و تدریس معارف دینی و فرهنگ تشیع سرآمد اقران گشت و فروغ ایمانش تابیدن گرفت به محی الدین (زنده کننده معارف دینی) ملقب گردید و در شرع و ادب :تخلص الهی برای خود برگزید. چنانچه خود در بیتی بدین الفاظ اشاره دارد

الهی» طبع و «مهدی» نام و در عشق

لقب گردید «محی الدین» منور

در محضر اساتید قمشه، اصفهان، مشهد و تهران

میرزا محمد مهدی در پنج سالگی به مکتبخانه رفت و تا هفت سالگی مقدمات ادبیات فارسی و عربی را آموخت و سپس نزد پدر و ادبای شهر قمشه به پیگیری تحصیلات و فراگیری علوم دینی پرداخت و با وجود خردسالی به دلیل هوش سرشار و برخورداری از حافظه ای قوی، کتب مهم و مشکل زبان و ادب پارسی و عربی را یاد گرفت و چون ده بهار را پشت سر نهاد «شرح نظام» را نزد پدر آموخته بود و در پانزده سالگی در ادبیات عرب به درجه ای از توانایی رسید که شرح نظام نیشابوری، مغنی .اللیب ابن هشام و مطول تفتازانی را تدریس می نمود

به موجب ذکاوتی که در وجودش نهفته بود کمتر نیاز می دید که به مرور درسها پردازد و اوقات فراغت خویش را برای کمک به معاش خانواده سپری می کرد.

مقدمات فقه و اصول و حکمت را در شهرضا از ملامحمد هادی فرزانه قمشه ای (۱۳۸۵ - ۱۳۰۲ه.ق) و دیگران بیاموخت. نامبرده در علوم عقلی و نقلی و بی اعتنایی به دنیا و زخارف آن معروف بود. وی در حکمت، کلام و فلسفه آثار مفیدی دارد. حسین امین جعفری (۱۳۶۹ - ۱۲۹۵ه.ق) از فضایی است که حکیم قمشه ای مجلس درس وی را غنیمت می شمرد. او تحصیلات مقدماتی و بخشی از علوم اسلامی و آثار فقهی را در وطنش آموخت و در ضمن از تجربیات علم و دانش های پدری فاضل و مؤمن بهره برد. اما در فصل شکفتن و به سن چهارده سالگی، توفان حوادث و امواج بلا به سوی وی یورش آورد و پدر دانشمند و مادر پاک سرشت خود را از دست داد و در غم فقدان والدین سوگوار گردید.

با وجود ممانعت برادر بزرگش به شوق تحصیل در اصفهان راهی این شهر شد و در حجره طلبه های قمشه ای ساکن اصفهان در مدرسه صدر مسکن گزید. در آن جا از محضر شیخ محمد حکیم خراسانی (متوفای ۱۳۵۵ه.ق) به مدت یک سال استفاده نمود. حکیم نامبرده از شاگردان خاص و وارث علم و اخلاق میرزا جهانگیرخان قشقایی (استاد شهید مدرس) به شمار می رفت. آیه الله سید حسن مدرس صبح ها در مدرسه جده کوچک درس فقه و اصول و عصرها در مدرسه جده بزرگ درس منطق و شرح منظومه می گفت. مجلس درس آن شهید در اصفهان بزم محبت و کلاس تدریس رشادت و استواری و شجاعت بود. حکیم الهی قمشه ای که از این محفل پرفیض برخوردار بوده است، می گوید: وقتی صبحگاه در محضرش حاضر شده، به بیانش گوش می دادیم هر لحظه در وجود ما نیرویی تازه دمیده می شد، به طوری که در پایان درس خود را پهلوانی شجاع حس می نمودیم. به طور کلی بیان درس در روحیات شاگردان اثر ویژه ای داشت که از وصف آن عاجزم.

حکیم الهی که سخت جویای حقیقت و مشتاق معارف قرآنی و فرهنگ اهل بیت بود بیش از یک سال در اصفهان نماند و این دیار را به قصد مشهد مقدس ترک نمود تا به مدد اساتید این جایگاه مبارک و سرشار از معنویت به کمالات فکری و عرفانی نایل آید. وی در مشهد به مدرسه نواب راه یافت و در این مکان حجره ای اختیار نمود و به تحصیل مشغول شد. برادر بزرگش حسینعلی، بخشی

از مخارج زندگی و تحصیلات او را تأمین می کرد. با این حال، ایام اقامت در مشهد از لحاظ اوضاع مادی برای او با مشقت و مرارت توأم بود و در این مدت به قناعت می گذراند و ماه ها غذای پختنی نمی خورد. گاه گاه به دشت های اطراف می رفت و در طول هفته از توت درختان ارتزاق می نمود وی در میان اساتیدش از مرحوم آقا بزرگ حکیم (میرزا عسکری شهید) بسیار سخن می گفت، آن بزرگوار در علوم نقلی و عقلی مهارت داشت و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه را عهده دار بود و از نامبرده کراماتی نیز نقل کرده اند

از اساتید دیگر الهی قمشه ای، آیة الله العظمی حاج آقا حسین قمی (۱۳۶۶ - ۱۴۲۸ ه.ق) می باشد که در دوران مرجعیت و زعامت این فقیه فرزانه رویدادهای مهمی رخ داد که با موضع گیری های به جا و قاطع ایشان جایگاه و عظمت مقام مرجعیت بیش از پیش نمایان گردید. نامبرده در ماجرای کشف حجاب رضاخان با موضعگیری شجاعانه این توطئه شوم را رسوا نمود

شیخ اسدالله یزدی مشهور به هراتی که در منطق و حکمت، هیئت و علوم ریاضی مهارت داشت و از دانشمندان و پرهیزگاران ارض قدس رضوی بود یکی از استادان میرزا مهدی الهی قمشه ای است. حکیم قمشه ای می فرمود: شرح نصوص قیصری را در محضر جناب عارف بزرگوار آقا شیخ اسدالله یزدی (متوفی به سال ۱۳۴۵ ه.ق) فرا گرفتم. ایشان به ما سفارش می کرد که بی وضو در درس حاضر نشوید

مرحوم حاج ملا محمدعلی فاضل (متوفی ۱۳۴۲ ه.ق) که از مدرسان و حکمای معروف مشهد بوده جرحه هایی از حکمت و عرفان را به کام اندیشه حکیم الهی قمشه ای بریخت. این عارف محقق سال ها محضر قضاوت داشته و از شاگردان نامدار میرزای شیرازی بوده است

حاج شیخ حسن مشهور به فاضل بُرسی که حوزه درسی با اهمیت و پرتحرکی داشت و بسیاری از علما از محضرش بهره گرفته اند، از دیگر کسانی است که حکیم الهی قمشه ای سعادت استفاضه از انوار علمی وی را یافت. او در فقه و اصول مهارت داشت و کتاب فوائد شیخ مرتضی انصاری را تدریس می کرد. چندی بر اثر کسالت در بُرس رحل اقامت افکند و بعد از مدتی با حالت بیماری به عتبات عالیات هجرت نمود و در سال ۱۳۵۳ ه.ق در آن مکان مبارک رحلت نمود

از دیگر کسانی که میرزا مهدی الهی از محضرش محظوظ گشت آیة الله حاج میرزا حسین فقیه

سبزواری (متوفی ۱۳۸۶ق) است. ایشان یکی از رؤسای روحانیت خراسان و نیز از زعمای حوزه علمیه مشهد به شمار می رفته و آثار خیری از خویش بر جای نهاده است

پس از شهریور ۱۳۲۰هـ.ش (۱۳۶۰هـ.ق) که با تغییرات عمده در دستگاه حکومت پهلوی تا حدودی فشار سیاسی از روی مظاهر دینی و روحانی برداشته شد زعامت حوزه مشهد را دو عالم بزرگ و معروف دینی حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آقا میرزا مهدی اصفهانی در دست گرفتند و بار دیگر به بازسازی بنیادهای روحانی در این شهر مقدس پرداختند. فقه و اصول در حلقه درس این دو مدرس بزرگ طلایی را گرد آورد

میرزا مهدی در تدریس خود مقید بود که مطالب خود را در چارچوب دستورهای ائمه اطهار(ع) بیان کند و بر این نکته تأکید داشت که سیر و سلوک در معارف الهی ضمن آنکه به تقوا نیاز دارد باید با استفاده از روایات معصومین (ع) صورت پذیرد. اصرار ایشان در کسب کمالات عرفانی و رسیدن به قله های معنوی بر انجام واجبات و ترک محرمات بود و با هر ریاضتی که مستلزم سماع و کردار خانقاه نشینان توأم بود، مخالفت می کرد

حکیم الهی پس از طی مدارج علمی و حکمت و کسب دانش قرآنی و روایی در مشهد مقدس بر آن شد تا به تهران سفر کند و از آنجا به ری و قم و سپس به حوزه نجف اشرف برود ولی زمانه خیمه اش را به تهران زد و خاک ملک ری دامنگیرش ساخت

بر کرسی تدریس

ایشان در تهران به مدرسه میرزا حسین سپهسالار (شهید مطهری کنونی) وارد شد. در آن ایام شهید آیه الله سید حسن مدرس سخت مشغول تعمیرات این مدرسه بود. حکیم الهی در ضمن بیان خاطره ای اظهار داشته است: مدتی در آنجا ماندم و به درس کفایه الاصول جناب مدرس می رفتم و ایام اقامت :در آن مدرسه به درازا کشید. ایشان روزی از من پرسید: مسافرت شما به کجا انجامید؟ عرض کردم

چشم مسافر چو بر جمال تو افتد

عزم رحیلش بدل شود به اقامت

من ضمن اینکه به درس ایشان می رفتم یک درس منطق و یک درس فلسفه را هم در مدرسه شروع کردم.

استاد الهی قمشه ای ضمن تدریس در این مدرسه از محضر حکیم و فیلسوف شهیر محمدطاهر فقیه نصیری طبری مشهور به آقامیرزا طاهر تنکابنی (۱۳۲۰ - ۱۲۴۲ ه.ش) فرزند فرج الله استفاده کرد. او از شاگردان برجسته میرزا ابوالحسن جلوه (۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ه.ق) است

پس از تأسیس دانشگاه در کشور، مدرسه سپهسالار که محفل ادبا و مجلس حکما بود به دانشکده معقول و منقول تبدیل گردید. حکیم الهی قمشه ای ضمن تدریس منطق، حکمت و ادبیات در آن مکان به عنوان یکی از برجسته ترین اساتید دانشگاه تهران شناخته شده، با نوشتن کتاب «توحید هوشمندان» به درجه دکترا از دانشکده مزبور نایل آمد. همچنین به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول افاضه به مشتاقان معرفت گردید

ایشان ضمن تدریس، با جملاتی شیوا، شیرین و پرجاذبه مفاهیم دشوار فلسفی را بیان می کرد و در تأیید اظهارات علمی خود از اشعار عرفانی شاعران بزرگ پارسی چون مولوی، حافظ و سعدی شاهد می آورد و در پایان با نهایت فروتنی خاصی سروده های خویش را برای شاگردان می خواند

با وجود کهولت، آیات قرآن، روایات ائمه (ع) و عبارات کتاب اشارات بوعلی، اسفار ملاصدرا، شرح منظومه سبزواری، فصوص الحکم ابن عربی و دیگر کتب فلسفی و عرفانی را به خاطر داشت. در تدریس فلسفه و حکمت به ظرفیت افراد توجه می کرد. روزی در محفلی چون می خواستند حکیم الهی را به شهید مدرس معرفی کنند، شهید مدرس می گوید: لازم نیست او را به من معرفی کنید چون پدر بزرگ این شخص - مرحوم حاج ملک - موجب شد که من مدرس شوم

پس از تبعید آن فقیه مبارز و مجتهد والامقام، طلاب مدرسه سپهسالار بر گرد حکیم الهی قمشه ای جمع شده، کتابی را به ایشان دادند و گفتند تا این زمان مدرس این کتاب را برای ما تدریس می کرد و اینک شما تنها کسی هستید که ما می توانیم از محضرش استفاده کنیم. ایشان بعد از این واقعه به یاد خواب خویش که چند سال قبل در مشهد دیده بود، افتاد و تعبیر آن را همین ماجرا دانست

استاد علامه حسن زاده آملی که به مدت یازده سال خوشه چین خرمن خرد حکیم الهی قمشه ای بوده می گوید: از محضر این عارف ربّانی تمام حکمت منظومه سبزواری و مبحث نفس اسفار و حدود نصف شرح خواجه نصیر الدین طوسی بر اشارات شیخ الرئیس را تلمذ نمودم و نیز در مجلس قرآن آن جناب خوشه چین بودم

در معرفی الهی قمشه ای همین بس که چون یکی از فضلاء تهران از محضر علامه طباطبائی استاد طلبید، آن مفسّر نامی خطاب به وی گفته بود: الهی قمشه ای غیر از این ظاهر است، از محضرش استفاده کنید.

دیگر از فضلاء که حوزه درسی حکیم الهی قمشه ای را درک نموده و از ابعاد اندیشه اش محظوظ گشته حضرت آیة الله عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ ه. ش) است. وی بخشی از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات خواجه نصیر طوسی را نزد حکیم الهی آموخته است. ایشان می گوید: درس مرحوم الهی نسبت به درس دیگر اساتید با روح تر و پرورنده تر بود... بین نماز مغرب و عشاء، اشارات تدریس می نمودند و اصرار داشتند نمازشان در اول وقت شرعی اقامه گردد.

فضلاء چون: ربّانی تربتی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، دکتر محمود انوار، کاظم مدیر شانه چی، سید محمدباقر حجتی، محمدباقر محقق، و حاج شیخ عبدالرحیم ملکان که تخلص « ناصح » دارد از شاگردان حکیم الهی قمشه ای بوده اند.

آثار و تألیفات

حکیم الهی قمشه ای در جای جای مباحث فلسفی، عرفانی و کلامی ضمن تشریح مباحث متنوع برای اثبات گفتارهای علمی خود آیه ای از قرآن را شاهد می آورد تا هر گونه شک را از ذهن افراد برطرف سازد و اهمیت موضوع را روشن نماید. وی ضمن آنکه در اشعار به شدت تحت تأثیر قرآن و حدیث بود در سروده هایی ویژه تحت عنوان « قصیده قرآنی » از کلام حق سخن گفته است. طی سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ ه. ش تفسیر ابوالفتوح رازی به اهتمام شادروان الهی قمشه ای در ده جلد انتشار یافت که در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۳۵ ه. ش تجدید طبع گشت. وی در این طبع، حواشی ارزنده ای بر تفسیر یاد شده نوشته که از نظر اهل فن دور نیست.

سرآغاز ترجمه قرآن به زبان امروزی به همت حکیم الهی قمشه ای صورت گرفته است. وی بدون آنکه در اصل معنا دخل و تصرفی کند تفسیر خلاصه ای با بیان ساده و در خور فهم برای عموم ارائه کرد، به طوری که مرحوم آیة الله العظمی سید حسین بروجردی (ره) که در تفسیر قرآن تبحر خاصی داشتند در مقام مقایسه با دیگر ترجمه ها فرموده بودند، **هیچ ترجمه ای را با ترجمه الهی قمشه**

ای مقایسه نکنید. کاری که ایشان کردند بسیار فوق العاده است.

ترجمه تفسیر گونه الهی قمشه ای که بعدها اصطلاحات فراوانی از سوی وی بر آن صورت گرفت نخستین بار در سال ۱۳۲۳ ه.ش به چاپ رسید و با وجود انتقادهایی که برخی بر آن داشته اند و بعد از دهها ترجمه دیگر هنوز در تیراژهای بسیار وسیع و گسترده از سوی ناشران متعدد تهرانی و شهرستانی تجدید طبع گردیده، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

عرض ارادت به پیشگاه رسول اکرم (ص) و خاندان آن سرور در اخلاق و رفتار و آثار علمی و عرفانی این عالم ربّانی کاملاً مشهود است و بخش مهمی از سروده هایش در واقع ترجمان سخنان معصومین (ع) می باشد.

گزیده ای از سخنان حضرت علی (ع) تحت عنوان « حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی » در ده مقاله به انضمام خاتمه مقالات از سوی حکیم الهی قمشه ای تنظیم شده که برای برخی فرموده های امام شرحی اجمالی اما دقیق و پرمحتوا نوشته است.

اثر مزبور برای بار نخست در زمان حیات استاد در خاتمه کتاب « حکمت الهی » به طبع رسید و به تازگی با مقدمه، تصحیح و تعلیقات آیه الله حسن زاده آملی به پیشگاه مبارک عاشقان معارف و حکم و تشنگان آب حیات کوثر ولای علوی تقدیم گردیده است.

سروده زیبا و شیوای وی که تحت عنوان « نغمه الهی » چاپ شده شرح منظومی است از خطبه همّام حضرت علی (ع) در این اثر حکیم الهی قمشه ای خطبه مزبور را به چندین بخش تقسیم نموده و هر بخش را با اشعار توضیح داده است.

یکی از گنجینه های حقایق الهی و معارف اهل بیت (ع) صحیفه سجادیّه امام چهارم است که در زمره نهج البلاغه می باشد و آن را « زبور آل محمد (ص) و « انجیل اهل بیت (ع) » نامیده اند. استاد میرزا مهدی الهی این اثر قدسی را با ترجمه ای زیبا به زبان فارسی برگردانیده و در مقدمه ای زیبا به معرفی اجمالی آن پرداخته است. ضمناً برخی دعاها نیز توضیح داده شده است.

از افاضات علمی و پژوهشهای ارزشمند آن نامدار میدان معرفت مجموعه نسبتاً مفصل « حکمت الهی » در دو مجلد می باشد، که خود در معرفی آن می نویسد: این کتابی است در حکمت الهی فقه اکبر، کلام و فلسفه اسلامی از قرون اول حکمت تا عصر حاضر، حاوی اقوال بزرگان و خردمندان الهی

عالم و مطالب همه با ادله عقلی، منطقی و قرآن، مبرهن گردید یا به وجدان ذوق اهل معرفت و کمال
مستند است

کتاب فصوص الحکم فارابی در الهیات خاص، عرفان و معرفت نفس به نگارش در آمده که حکیم
الهی قمشه ای با دیدگاه های استوار خود که بر قرآن و حدیث مبتنی است به شرح این اثر پرداخته
است. شرح مذکور در خاتمه با توضیح « خطبه توحیدیه » حضرت علی (ع) تزیین شده است
:آثار دیگر آن حکیم به شرح ذیل می باشند

- فلسفه معلم ثانی ابونصر فارابی که در تهران همراه با کتاب « توحید هوشمندان » از آثار دیگر -
- مرحوم الهی و در سال ۱۳۲۲ ه. ش به صورت سربی و در قطع جیبی انتشار یافته است
- مشاهدات العارفین فی احوال السالکین الی الله، که نسخه خطی آن نزد اخوی ایشان بوده و مرحوم -
- الهی این کتاب را با خط خود نوشته و امضا کرده است
- مناسک حج عاشقان، اثری است منظوم که در سال ۱۳۸۱ ه. ق در تهران چاپ گردید و نیز در آخر -
- دیوان آن حکیم درج شده است
- رساله ای در فلسفه کلی -
- رساله ای در سیر و سلوک -
- رساله ای در مراتب ادراک -
- حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدرای شیرازی -
- رساله ای در مراتب عشق -
- نغمه حسینی در احوالات حضرت سیدالشهداء (ع) و واقعه کربلا که در این اثر تاریخ زندگانی -
- حضرت امام حسین (ع) و قیام آن حضرت به نظم در آمده و سعی بر این بوده است که بر طبق کتب
مستند تنظیم شود
- ترجمه مفاتیح الجنان که بارها در تیراژ بالا چاپ شده و به تازگی انتشارات اسوه به طرزی جالب و -
- با حروفچینی کامپیوتری به طبع آن مبادرت نموده است
- دروس عرفانی از مکتب علوی، چاپ تهران به سال ۱۳۳۷ ه. ش -

- تصحیح دو بیتی های باباطاهر عریان -
- کلیات دیوان حکیم الهی قمشه ای -

سخنور پرهیزگار

الهی قمشه ای از دوران نوجوانی با احساسات ظریف شاعران انس و الفت داشت. در آینه شعر تواناییهای خود را بروز داد و معارف دینی، باورهای شیعی، مضامین قرآن و روایی و نیز محبت توأم با معرفت به پیشگاه اهل بیت(ع) را با ذوق لطیف خویش ممزوج ساخت و از زبان شعر به تشریح مباحث اعتقادی، کلامی و معرفی ستارگان درخشان آسمان امامت و ولایت پرداخت. رگه هایی از عرفان اسلامی در اشعارش به جهان بینی وی رنگ و بوی حکمت عملی بخشیده است. معارف قرآنی، حکمت های عالی و براهین فلسفی را با هم آشنایی داده و از آنها نتایج اخلاقی می گیرد و می کوشد تا خواننده را از خواب غفلت بیدار نموده، جان و خرد خفته اش را حیات روحانی و ابتهاج معنوی بخشد.

مناجات با خداوند در اشعار این حکیم سخنور به وفور دیده می شود. علامه حسن زاده آملی نوشته است: از اول تا آخر دیوانش یک کلمه لغو نمی یابی، دیوانش از فاتحه تا خاتمه شور و نوا و سوز و گداز است از طلعت دیوانش فروغ آن انّ من الشعر لحکمه ساطع و از صداقت بیانش شروق انّ من البیان لسحرا طالع است. نازکی اشعارش خود برهان ناطق و تقریظ مرحوم ملک الشعراء بهار بر اشعارش شاهدی صادق است. این بنده گوینده ای از معاصرین را نمی شناسد که آن همه مضامین رفیع حکمت و معانی منیع عرفان را به این سبک روان به رشته نظم کشیده باشد.

دقیقه های معانیش در سواد حروف

چو در سیاهی شب روشنی پروین بود

دیوان « الهی » مجموعه گرانباری است که پاره ای از درّهای شاهوارش در شرح خطبه امیرالمؤمنین (ع) در نشانه های پارسایان به نام نغمه الهی می باشد. قسمت دیگرش در ذکر حاسه پرشور کربلا با عنوان نغمه حسینی است و بخشی از آن شامل قصایدی متین حاوی پندهای نغز حکیمان و روشن

ضمیران است و ختامش با غزلهایی وزین و عالی مضامین، قطعات و رباعیاتی دلپذیر صورت گرفته است.

ملک الشعرای بهار در خصوص سروده هایش می گوید: «... گوینده این اشعار... عروض را دماغ موزون او پیدا کرده و قافیه را ذوق فطری او تشخیص داده (است) ... و آنچه با ذوق خاص او راست آمده درست یافته و به کار بسته است. از هیچ کس مدح ننموده و به کلی از مدح و اسلوب قصاید مدیحه که در ادبیات پارسی بابی بزرگ است کناره گرفته و در غزل نیز به مذاق اهل حال - حالی»... بین فلسفه و عرفان و شریعت - برگزیده است

:نمونه ای از سروده مناجات گونه او

همی گفتم الهی یا الهی به عالم، بی پناهان را پناهی
تویی یارب ز حال زارم آگاه برآور یوسف جان من از چاه
تو دانی خوار و زار و خسته جانم تو دانی انتظار کود کانم
به جان نیکوان بر جانم ای دوست ترحم کن ز غم برهانم ای دوست
به رحمت از گناهانم چشم در پوش به مسکینان متاع عدل مفروش
...چو خواهی از من و خون خوردن من به رنج و درد هجران مردن من

اخلاق و رفتار

حکیم الهی قمشه ای در مسیر تلاشهای علمی به خواسته های متعالی و گرایشهای والا توجه داشت و بدین سبب حالاتی چون صداقت، وارستگی اخلاق و زهد در اخلاق و رفتارش متجلی بود و از طریق ارتباط با خدا، ذکر، عبادت و تهجد و تصفیه اعمال، این خصوصیات را در خویشتن تقویت می نمود

در برابر اوامر الهی و تأکیدهای ائمه (ع) از امیال و خواسته های فردی صرف نظر می کرد و از دام

:خودخواهی رهایی یافت و در سروده ای زیبا چنین گفته است

دریغا که در دام نامم هنوز اسیر خیالات خامم هنوز
ز بعد ریاضات و درس و سلوک نشد توسن نفس رامم هنوز
تن سفله طبع از تمنای شهد کند دمبدم تلخ کامم هنوز
...دل من اگر خلوت خاص هوست چرا در غم خاص و عامم هنوز

استاد حسن زاده آملی که از پرورش یافتگان مکتب این عارف متشّرع بوده می گوید: متجاوز از ده سال با او حشر داشتم، یک کلمه حرف ناروا و یا یک جمله بیهوده از او نشنیدم. چه گریه ها و زاریها از او دیده ام و چه اندرزها از وی به یادگار دارم

همسرش طیبه الهی (تربتی) در ضمن خاطراتی گفته است: در خانه، در امور داخلی کمک می کردند، بسیار بشّاش و خوش صحبت بودند. اگر نصف روز متوالی تدریس می نمود، کسی اظهار خستگی نمی کرد. نیمه شب از خواب برمی خاست و پس از نوافل و نماز شب در صحن خانه قدم می زد و به سیارات و ستارگان آسمان چشم می دوخت و از شگفتی های جهان هستی لذّت می برد. ناملایمات را تحمل می نمود و می گفت: بلاهای این جهان همه از جانب حق است. بارها فقیری به در خانه می آمد که چیزی به او بدهیم، اثاثیه ای همچون ظروف مسی و مانند او به او می دادند و می گفتند برو بفروش و خرج کن. امر به معروف و نهی از منکر ایشان با ملایمت و از روی دلسوزی بود. روحی شجاع داشت و کینه کسی را در قلب خویش جای نداده بود

بسیار قانع و با لباسی عادی و مسکنی ساده زندگی می کرد و چون بیمار می شد می گفت: داروی من هفت بار قرائت سوره حمد است. در زمستان ها در اتاق درسش که در منزل منعقد می گشت نه کرسی بود و نه بخاری؛ تنها یک چراغ لامپای گردسوز و فرش فرسوده. و برخی شب ها که هوا بسیار سرد می شد منقل زیر کرسی اتاق دیگر را که عائله اش در آن بودند به اتاق درس می آورد و خاکستر رویش را کنار می زد و بدان حال می گذراند

حکیم الهی قمشه ای به سبب کمالاتی که از طریق تزکیه و تهذیب، عبادت و اخلاص کسب کرده بود، لیاقت هم نوایی و نغمه سرایی با قدسیان را داشت و از کرامات و حالات فوق العاده هم بی بهره نبود

بعد از اقامت ایشان در تهران و دوستی بسیار نزدیک و همکاری تنگاتنگ با شهید مدرس و پس از آنکه حکومت غاصب و رضاخانی مدرس را دستگیر و تبعید نمود، الهی قمشه ای هم روانه زندان گردید که به سفارش ذکاءالملک فروغی (نخست وزیر وقت) به دلیل ارتباط علمی که با ایشان داشت آزاد شد. گویا زمانی وی را به فشار سیاسی یا تطمیع از سوی دستگاه منحوس پهلوی تهدید کرده بودند که در غزلی با این مطلع گفته بود

من نه آن دیوانه عشقم که زنجیرم کنند
یا به جز در دام زلف یار، تسخیرم کنند
من نه آن مرغم که صیادان عالم بافسون
دانه افشانند و در دامی به تزویرم کنند

در سروده ای دیگر گویا به رضاخان ملعون طعن می زند و می گوید
دین عزیز است و رجال دین شریف و بزرگ تف به آن ابله که قدر و شوکت دین کاستی
از کلاغ زشت خوی ژاژخای هرزه طبع *** چند در باغ طبیعت نعره و غوغاستی
سرانجام در حالی که آن حکیم نامدار به اصلاح خلاصه التفاسیر خود مشغول بود در شب سه شنبه
۱۲ ربیع الثانی ۱۳۹۳.ق (۲۵ اردیبهشت) ۱۳۵۲ دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت،
پیکر پاکش از تهران به قم انتقال یافت و در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) در وادی السلام (اتاق
شماره) ۱۹ این شهر به خاک سپرده شد.

دکتر مسعود نیکدستی قاری ممتاز قران کریم



اینجانب مسعود نیکدستی در بیست و ششم اسفندماه یکهزار و سیصد و پنجاه و پنج در خانواده‌ای متدین و مذهبی و در یکی از محله‌های قدیمی اصفهان به نام درب امام، متولد شدم.

تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان شهید عمرو به اتمام رساندم. مدرسه راهنمایی شهید ربانی واقع در خیابان ابن سینا محل تحصیل دوران راهنمایی من بود و از خصوصیات این دو دوره این بود که همیشه جزو شاگردهای ممتاز بودم. دبیرستانهای هاشمی رفسنجانی، علامه مجلسی و غیرانتفاعی امیدآیندگان مکان‌های تحصیل من در چهار سال دوران دبیرستان بود که در رشته علوم تجربی مشغول تحصیل بودم که در سال ۱۳۷۴ به قبولی در رشته دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان منتج شد و این ثمره عنایت خداوند سبحان و تلاش‌های فشرده‌ی ماه‌های آخر قبل از کنکور ۷۴ بود.

تحصیلات دانشگاهی را در اسفندماه ۱۳۸۰ با موفقیت و با دفاع از پایان‌نامه و اخذ مدرک دکترای دندانپزشکی به اتمام رساندم.

تأسیس مطب دندانپزشکی در سال ۱۳۸۲ نقطه عطفی در زندگی من محسوب می‌شود. اشتیاقم در راه گسترش خدمات به هم‌میهنان عزیز و اعتلای سلامت جامعه در سال ۱۳۸۳ با تأسیس کلینیک دندانپزشکی شبانه‌روزی امام حسین (ع) در شهرستان خمینی شهر اصفهان به اوج خود رسید. این کلینیک هم‌اکنون بعد از گذشت چندین سال یکی از فعالترین مراکز درمانی دندان پزشکی شبانه‌روزی در سطح استان اصفهان می‌باشد. حدود ۲۰ تن از دندان‌پزشکان و متخصصان دندان

پزشکی در این مکان شاغل می‌باشند. ثمره این فعالیت‌ها در کنار خادمی آستان مقدس قرآن کریم منجر به معرفی شدن اینجانب به عنوان جراح - دندانپزشک نمونه سال ۱۳۸۹ گردید که موجب بسی شکرگزاری حضرت باری تعالی می‌باشد

اما از اوان کودکی با توجه به محیط مساعد و مناسب خانواده و تشویق و ترغیب مادرم و حمایت‌های پدرم «رحمت الله علیهم» یعنی در سن ۸ سالگی با قرآن این کتاب مقدس و آسمانی مأنوس بودم. جرقه این عشق سرشار توسط استاد مرتضی بشیری از دوستان و اساتید دلسوز بنده زده شد که بحمدا... تا کنون نیز ادامه داشته و بیشتر نیز شده است

حضور مستمر در جلسات قرآن و کسب مهارت‌های قرآنی بر لذت و اشتیاق من می‌افزود و احساس کردم خداوند در کنار سایر نعمات موهبت ویژه‌ای به من عنایت فرموده و آن صوت خوش است کشف این استعداد و هدایت آن توسط استاد و سعی و پشتکار و همت خودم باعث شد در روخوانی، روانخوانی، ترتیل و تجوید و نعمات و الحان قرآن موفقیت‌های چشم‌گیری بدست آورم بخاطر دارم تلاوت را با تقلید از سوره مائده استاد عبدالباسط آغاز نمودم در ادامه به سبک استاد محمد صدیق منشاوی روی آوردم و تلاوت‌های زیادی از این استاد را به خوبی و با رعایت ظرائف و جزئیات تقلید کردم و سپس نعمات استاد منشاوی را بر روی سایر آیات پیاده می‌کردم و همه از شنیدن آن لذت می‌بردند یعنی قرآن را با همان حال و هوا و همان حزنی که در صدا و طریقه منشاوی وجود داشت تلاوت می‌کردم

از دیگر اساتیدی که در نوجوانی از محضرشان بهره‌های فراوانی بردم جناب استاد سید ناصر رضوی، مرحوم استاد بدیع صنایع، استاد حسین وفائی و استاد رسول گره‌ری فر می‌باشند. به یاد دارم چهارشنبه شب‌ها منزل آقای محمودیان می‌رفتم و از محضر استاد وفایی استفاده می‌کردم. شاید بتوان گفت شرکت در جلسات قرآن در طول هفته به بهترین تفریح و برنامه جانبی من در کنار تحصیل تبدیل شده بود

از جمله علل و عواملی که هم در پیشرفت امور قرآنی و هم در روابط اجتماعی و زندگی با نشاط من اثر گذاشت، تشکیل و تأسیس گروه تواشیح و همخوانی فلق در سال ۱۳۶۷ بود که بنا به پیشنهاد استاد رضوی و به سرپرستی استاد مرتضی بشیری شروع به فعالیت نمود

سایر اعضا اولیه این گروه عبارت بودند از آقایان غزالی مصلحی، یدا.. پور، گوهری فر، فاتحی و پور احسان. این گروه زمانی در اصفهان مشغول فعالیت بود که هنوز هنر تواشیح در کشور به این اندازه رونق پیدا نکرده بود. رویکرد گروه بیشتر به صورت همخوانی قرآن کریم و تقلید از گروه‌های تواشیح سوری و مصری بود که بحمد... کارهای مطلوبی صورت گرفت از جمله در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ در برنامه کودک و نوجوان شبکه یک برنامه‌های زیبای گروه فلق پخش می‌گردید که خود این برنامه‌ها نوجوانان و جوانان زیادی را در کشور به قرآن و هنر زیبای تواشیح خوانی سوق می‌داد و جذب می‌نمود از جمله فعالیت‌های فرهنگی دیگری که در کنار دوستان گروه فلق انجام می‌دادیم می‌توان به اجرای برنامه در شهرها و روستاهای مختلف کشور پهناورمان همچنین ممالک اسلامی از جمله عربستان، پاکستان، سوریه، لبنان، ترکیه، هندوستان، بلغارستان، صربستان و غیره اشاره نمود. گروه فلق در مسابقات متعددی شرکت نمود و رتبه‌های خوبی را به خود اختصاص داد. اما بهترین آنها کسب رتبه اول تواشیح و همخوانی کل کشور در مسابقات اوقاف در سال ۱۳۸۷ بود. ثمره این پیروزی، چشیدن طعم شیرین مناجات با خدا در سفر به سرزمین وحی مکه مکرمه و مدینه منوره بود. «الحمد لله» و بسیار خدا را شاکرم که از بدو تأسیس تا به حال که قریب به ۲۳ سال می‌گذرد توفیق همنشینی با دوستان گروه فلق را دارم و در فراز و فرودهای این دوران به کسب تجربه پرداخته‌ام.

نکته حائز اهمیت توجه به تحصیل علم و دانش بود. از آنجا که مؤمن باید به دو سلاح علم و ایمان مسلط و مجهز باشد. من همواره دقت به امور درسی و تحصیلی را در صدر کارهای خود قرار می‌دادم و با برنامه‌ریزی، فعالیت‌های قرآنی هم داشتم، البته برکت همنشینی و انس و ارتباط با قرآن کریم همه زندگی انسانی را با رشد و جهش مواجه می‌سازد بالطبع من هم بی‌نصیب نبودم و خداوند ابواب رحمت خود را بر روی من گشود.

با ورود قاریان بزرگ مصر، خاصه استاد شحات محمد انور به ایران و اصفهان و آشنایی قاریان قرآن با الحان و نغمات نسل دیگری از قاریان مصر، من هم به شیوه این استاد روی آوردم. فی الواقع استاد شحات با ارائه تلاوتهای زیبای خود در ایران موجی در بین قاریان ایجاد کرد و بسیاری از جوانان را جذب زیبایی‌های قرائت قرآن نمود. تقلید از شیوه استاد شحات و استماع دقیق تلاوتهای زیبای این

استاد تلاوت های من را متنوع نمود و اکنون با استفاده از نغمات و سبک های اساتیدی همچون مصطفی اسماعیل، حصّان، کامل یوسف، محمد عمران، محمد الیشی و طاروتی سعی می کنم مفاهیم آیات را متناسب با تأثیرات روانی مقامات موسیقی عرب و متدهای مختلف طوری تلاوت کنم که بر جان مستمع بنشیند و از آن تأثیر پذیرد.

در ادامه تلمذ از محضر اساتید از حضور اساتیدی چون استاد سعادت نیا، استاد همدانی نیز بهره گرفتم و در سال های اخیر از محضر دو تن از اساتید بنام کشور یعنی استاد دکتر محمدرضا ستوده نیا « اختلاف قرائت » و استاد غلامرضا شامیوه اصفهانی « الحان و نغمه های قرآنی » را بهتر آموختم و بهره های وافری بردم. که در این مجال از تمامی خادمان قرآن کریم بویژه اساتید گرانقدری که در پیشرفت اینجانب مؤثر بودند تقدیر و تشکر بعمل می آورم

اما اولین مسابقه مهم و قابل ذکری که در آن طعم پیروزی را چشیدم در سال ۱۳۷۰ یعنی در سن ۱۵ سالگی در مسابقات بزرگسالان بود که در هتل کوثر اصفهان از طرف بنیاد جانبازان برگزار گردید و من در بین بزرگسالان رتبه سوم را کسب نمودم که بسیار مورد تعجب و همچنین تشویق اساتید قرار گرفتم.

سایر رتبه های اینجانب عبارتست از

رتبه اول مسابقات قرآن دانشجویان در سطح کشور در سال ۱۳۸۱

رتبه اول مسابقات قرآن نیروی انتظامی در سطح کشور در سال ۱۳۸۱

رتبه اول مسابقات قرآن نیروهای مسلح در سطح کشور در سال ۱۳۸۲

رتبه اول قرائت قرآن در مسابقات حفظ و قرائت قرآن اوقاف و امور خیریه در سطح کشور در سال

۱۳۸۸

رتبه اول قرائت قرآن در بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم و در بین

۶۰ کشور جهان در تهران سال ۱۳۸۹

اینجانب در ابتدای شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک، با بانویی بزرگوار، متدین، صبور و مهربان ازدواج نمودم و ثمره این پیوند خدا پسند و موفق، پسر زیبایی است با نام آسمانی « محمد طه » که خداوند وهاب وی را در آخرین روز از شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج به من و

همسرم هدیه نمود. بدون شک بخشی از موفقیت خود را مرهون همراهی، شکیبایی و حمایت‌های همسر عزیزم می‌دانم که در اینجا لازم میدانم از همه ی خوبی های ایشان سپاسگزاری بعمل آورم

مرتضی سادات فاطمی قاری ممتاز قرآن کریم



متولد ۱۳۲۸

:شغل

استاد قرائت و عضو هیأت علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

: نام اساتید

مرحومان رضوان، حافظیان، شجریان، توسلی، سید جعفر طباطبائی و علی مختاری

:شروع فعالیت

وی از ۷ سالگی با رفتن به مکتب در مدت ۲ ماه روخوانی قرآن کریم را فرا گرفت و با شرکت در جلسات قرآن و به طور همزمان گوش دادن نوار قاریان مصری قرائت را به طور فنی آغاز کرد و در جلسات تفسیر حضرت آیه الله خامنه ای، مرحوم استاد محمد تقی شریعتی و شهید هاشمی نژاد در مسجد امام حسن مجتبی (ع) و مسجد کرامت به قرائت قرآن می پرداخت

:مقامهای داخلی

نفر اول مسابقات شهرستانی و استانی اوقاف در سال ۱۳۶۰ - نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف در سال ۱۳۶۱

:مقامهای بین المللی

نفر اول مسابقات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲

:مأموریت های قرآنی داخل کشور

اداره جلسه قرآن دارالحفاظ مسجد جامع گوهرشاد از سال ۱۳۶۲ تا کنون - داوری مسابقات مختلف قرآنی در سطح استان خراسان و کشور - همکاری با نهادها و کانون های قرآنی

:مأموریت های قرآنی در خارج از کشور

سفر به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، مالزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین، چین، آفریقای جنوبی، کویت، زیمبابوه، پاکستان، آرژانتین و ایتالیا جهت قرائت قرآن

:آثار ماندگار قرآنی

تألیف جزوه تجوید با عنوان «خلاصه ای از احکام تجوید» ضبط و تکثیر نوار آموزش نغمات قرآنی و ارسال آن به سراسر کشور و کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، چین، پاکستان و آرژانتین

عباس امام جمعه قاری ممتاز قران کریم



متولد ۱۳۴۵ تهران ،

کارشناس علوم قرآن و حدیث، : **تحصیلات**

عضو شورای عالی قرآن صدا و سیما ، : **شغل**

. مرحوم محمدی ، مولائی و علیمردانی : **نام اساتید**

او ابتدا با نوارهای قاریان مصری و تقلید از آنها شروع کرد. وی سپس از محضر : **شروع فعالیت**
استاد مرحوم حاج بیوک محمدی کسب فیض کرد. بعد از چندی به جلسات دیگر راهنمایی شد و
پس از آن نزد استاد علیمردانی به فراگیری یک دوره کامل تجوید تئوری پرداخت و پس از گذشت
. چند ماه که آمادگی بیشتری پیدا کرد به جلسه استاد مولائی معرفی شد

محمد تقی مروت قاری ممتاز قرآن کریم



استاد محمد تقی مروت در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد و زیر نظر استاد مرحوم ملا محمد باقر فانی کسب علم نمود. اهم فعاليت‌های قرآنی استاد را می‌توان، کسب رتبه اول مسابقات بين المللی قرآن کریم کشور مالزی در سال ۱۳۵۲، برگزاري دوره‌های آموزشی قرآن کریم، از پایه گذاران تلاوت قرآن کریم به صورت اصولی و صحیح در ایران، مبتکر شیوه هم‌خوانی و جمع‌خوانی قرآن در جلسات آموزش قرآن کریم (قبل از انقلاب اسلامی)، آموزش و تربیت بسیاری از قاریان و داوران بین‌المللی قرآن کریم نام برد.

این استاد پیشکسوت در سال ۱۳۵۴ جهت کسب و ارتقاء معلومات قرآنی به کشور مصر سفر می‌کند، که در این کشور از محضر اساتیدی چون مصطفی اسماعیل، عبدالباسط، علی البناء، خلیل الحصری، عبدالعزیز علی الفرج، عامر السید عثمان، احمد الرزیقی و شیخ فتحی قندیل بهره می‌جوید. اهم فعاليت‌های استاد مروت در مصر را می‌توان حضور مستمر در محافل و مجالس قرائت قرآن کریم در شهرهای مختلف کشور مصر و بهره‌مندی از تلاوت اساتید و قاریان برجسته اسلام، اجرای برنامه‌های قرآنی در محافل و جلسات متعدد مصر، تلاوت قرآن کریم در مراسم ترحیم استاد شیخ مصطفی اسماعیل و استاد سید النقشبندی، (که به اصرار و پیشنهاد استاد محمود علی البناء، این کار صورت می‌گیرد)، نشر و ترویج فرهنگ تشیع در جامعه قراء مصری و... را نام برد. این استاد بین‌المللی قرآن کریم در سال ۱۳۵۹ به کشور کانادا سفر می‌کند و در آن کشور با حضور در جلسات قرآن کریم، اجرای برنامه در مناسبت‌های مختلف و جذب علاقه‌مندان به قرآن کریم و مفاهیم متعالی آن، برگزاري دوره‌های آموزش قرآن کریم (تجوید، صوت و لحن) در مساجد و مراکز قرآنی شهر تورنتو فعالیت‌های مستمر و مثمر ثمری داشته است.

از آثار و تألیفات استاد مروت می‌توان، آموزش تجوید به زبان انگلیسی (بیش از ۵۰۰ صفحه) برای اولین بار در جهان تشیع را نام برد.

هاشم روغنی قاری ممتاز و داور مسابقات قران کریم



1340: متولد

دیپلم: تحصیلات

آزاد: شغل

:مقامهای داخلی

نفر دوم مسابقات سراسری اوقاف سال ۱۳۶۱

نفر اول مسابقات سراسری اوقاف سال ۱۳۶۲

نفر دوم مسابقات سراسری اوقاف سال ۱۳۶۵

:مقامهای بین المللی

نفر اول مسابقات بین المللی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۳

نفر دوم مسابقات بین المللی مالزی سال ۱۳۶۴

مأموریت های قرآنی در داخل کشور

بیش از بیست سال سابقه داوری مسابقات در سطح شهرستان ، استان، کشور و بین المللی در رشته

صوت و لحن

دکتر امیر محمود کاشفی قاری ممتاز قرآن کریم



استاد دکتر حاج امیر محمود کاشفی در شهر زاهدان پا به عرصه وجود نهاد. ولادت او در خانواده ای مذهبی و معنوی، نخستین بارقه پرورش الهی او شد. پدرش مرحوم حاج محمد زمان، از فضیلتی زمان، بر تربیت معنوی و مذهبی فرزندش اهتمامی بسیار داشت. و در این راه از هیچ کوشش فروگذار نمی کرد. به همین سبب نیز نخستین طلیعه های عشق به قرآن و فراگیری آن، به تشویق پدر در زندگی استاد کاشفی درخشیدن گرفت. شنیدن برخی آوازهای مذهبی که، از رادیو پخش می شد، یکی دیگر از عوامل تعقیب کاشفی به نغمات و الحان قرآن کریم شد.

پس از آن، در طول مدت سکونت استاد کاشفی در شهر اهواز و شنیدن تلاوتهای استاد عبدالباسط از رادیوی عراق که در آنجا به خوبی شنیده می شد، عزم او در فراگیری الحان قرآنی، صد چندان شد. استاد کاشفی، در منزلی بزرگ در اهواز، فارغ از هرگونه هیاهو و یا مانعی، به تلاوت و تمرین آنچه شنیده بود می پرداخت و بدین سان حیات قرآنی او رنگی تازه به خود گرفت. استاد کاشفی نخستین بار صورت رسمی در کلاس چهارم ابتدایی در حالی که توانایی خود را در زمینه تلاوت از همگان مخفی داشته بود؛ به تلاوت سوره مبارکه شمس پرداخت، چنان تلاوتی که همگان زبان به تحسین او گشودند. از آن پس استاد کاشفی قاری مدرسه شد و به صورت رسمی به تلاوت پرداخت. مسیر آموزش دکتر کاشفی، با تقلید از استاد عبدالباسط و استاد منشاوی ادامه یافت و پس از آن با تقلید از قرائتهای مرحوم استاد شیخ مصطفی اسماعیل، تکمیل شد. استاد کاشفی در زمینه علوم مختلف قرآن از استادان: آیت الله حایری شیرازی و آیت الله معرفت بهره های بسیاری گرفتند.

ایشان در سال ۱۳۶۴ در مسابقات سراسری قرآن دانشجویان دانشگاه تهران شرکت کرد و حایز رتبه اول شد او همچنین در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی رتبه سوم را از آن خود ساخت،

وی در ادامه فعالیت‌های قرآنی خود، در طول سال‌های جنگ تحمیلی با بسیاری از قاریان برجسته دانشگاه تهران در محل تالار امیر کبیر این دانشگاه به برپایی جلسات قرآن کریم پرداخت و این جلسات را سال‌ها تداوم بخشید. ایشان در ابتدا با نام کاشی‌سازپور در جامعه قرآن کشور به فعالیت‌های قرآنی می‌پرداختند و تحصیلات خود را در مقطع دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران به اتمام رسانده است و در حال حاضر مدرس و عضو هیئت علمی این دانشگاه است. مقالات علمی این استاد ارجمند همواره در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به چاپ رسیده و مورد استفاده علاقه‌مندان دوره است و ایشان علاوه بر تلاوت قرآن در زمینه خوشنویسی فعالیت داد و به مرحله استادی در انجمن خوشنویسان دست یافته است

استاد امیر محمود کاشفی سه فرزند به نامهای مریم، ابوالحسن، و فاطمه دارد و با توجه به فعالیت و علاقه بسیار او به تربیت قرآنی فرزندان، آنها نیز اشتیاق بسیاری به فراگیری علوم قرآنی دارند. استاد کاشفی برای تبلیغ و ترویج فرهنگ قرآنی به کشورهای مختلفی چون عربستان، سوریه، مالزی، هند و پاکستان سفر کرده است. او در سال ۱۳۶۴ در محضر مقام معظم رهبری که در آن زمان ریاست جمهوری را عهده دار بودند به تلاوت قرآن پرداخت و مورد تفقد و ارشاد معظم له قرار گرفت. استاد کاشفی از استادان مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و عبدالفتاح شعشاعی به عنوان قاریان برجسته کشور مصر یاد می‌کند. استاد کاشفی علاوه بر تلاوت قرآن در زمینه خوشنویسی فعالیت داد و به مرحله استادی در انجمن خوشنویسان دست یافته است و همچنین به برخی رشته‌های ورزش نیز علاقه دارد.

دکتر کرمی حسین قاری ممتاز قرآن کریم



آقای حسین کرمی روز اول فروردین سال ۱۳۴۲ در شهر اردبیل در خانواده ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. جو مذهبی خانواده از همان آغاز، بر عشق و اشتیاق به قرآن را در ژرفای وجود او نشانند و ایشان را در جرگه عاشقان و دوستداران این کتاب انسان ساز قرار داد. و به این ترتیب او که خانه دلش از شنیدن تلاوت قرآن از رادیوی قاهره در ۸ سالگی به قرائت قرآن علاقه مند شد و به جلسات قرآن شهر اردبیل رفت. دکتر حسین کرمی از همان سن ۸ سالگی با شرکت در جلسات قرآن شهر اردبیل و همزمان با تحصیل و تجوید به فراگیری مقدمات تلاوت قرآن هم پرداخت و با گوش دادن به نوارهای تلاوت اساتید مشهور مصری توانایی خودش را در مسیر تلاوت بیشتر کرد. او با تقلید از تلاوت های استاد منشاوی در آغاز کار و بقیه اساتید در ادامه کار، اولین گامها را در مسیر تلاوت برداشت و توانست به موفقیت های چشمگیری در مسیر تلاوت دست پیدا کند.

دکتر کرمی از جمله قاریانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه های قرآنی و تلاوت به فراگیری علم و دانش نیز اهتمامی وافر دارد. به همین دلیل هم تحصیلات خود را تا مقطع فوق تخصص جراحی کلیه ادامه داده و د حال حاضر دارای مدرک دکترای فوق تخصص جراحی کلیه است. دکتر حسین کرمی به موسیقی عرفانی و همچنین از میان رشته های ورزشی به فوتبال علاقه دارد. وی علاوه بر مدارای بیماران کلیوی در بیمارستان شهدای تجریش عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.

رتبه هایی که تا کنون آقای حسین کرمی در مسابقات مختلف بدست آورده است عبارتند از:

- .. رتبه نخست در مسابقات کشوری که در شهر مقدس قم برگزار شد
- .. رتبه نخست در سال ۱۳۷۸ در شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران
- .. رتبه دوم در سال ۱۳۷۲ در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی

.. رتبه نخست در سال ۱۳۷۷ در کشور سوریه و در مسابقات قرآنی

آقای حسین کرمی در سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و یک فرزند بنام امیر علی دارد و همسرشان دارای مدرک دکترای رشته زنان و زایمان است و ایشان هم به مسائل مختلف قرآنی علاقه وافر دارند. دکتر حسین کرمی نیز مثل بسیاری از قاریان برجسته در ابتدای کار از سبک قاریان مصری مثل استاد منشاوی تقلید کرده است اما اعتقاد دارد که هر قاری قرآنی در ابتدای کار تلاوت باید از قاریانی مثل منشاوی، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات محمد انور و متولی عبدالعالی تقلید نماید و بعد از طی مراحل ابتدایی باید از تقلید محض خارج شود و با تسلط بر الحان و موسیقی عربی و قرآن به تلاوت پردازد و میان معنا و الفاظ آیات در تلاوتهایش پیوند برقرار نماید. ایشان تا کنون به کشورهای زیادی همچون مالزی، سنگاپور، هند، بنگلادش، سوریه و ترکیه برای تلاوت قرآن سفر کرده و بیش از ده بار برای انجام مناسک سیاسی عبادی حج به عنوان قاری اعزام شده است. آقای دکتر حسین کرمی از اساتیدی مثل مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و منشاوی به عنوان بهترین و برترین قاریان عصر طلایی تلاوت در مصر یاد می کند و همچنین از اساتیدی مثل شعیب، شحات محمد انور و احمد نعینع به عنوان قاریان برتر کنونی در مصر نام می برد. دکتر کرمی که خود از قاریان برجسته کشور است و بارها در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته است به قاریان ایرانی سفارش می کند که برای موفقیت در امر تلاوت ابتدا به فراگیری تجوید و اصول صحیح آن از اساتید برجسته فن تجوید پردازند و بعد از آنکه تجوید را تکمیل کردند به مسائل دیگر روی بیاورند و برای فراگیری لحن خوش و مطابق با آیات، بسیار به نوارهای مختلف اساتید قرآن گوش جان بسپارند و نکات لازمه آن را از تلاوتهای مختلف فرا بگیرند. ایشان همچنین تقلید را در ابتدای امر تلاوت لازم و ضروری می دانند آنرا باعث خلاقیت در انسان می شمارد زیرا هنگامی که انسان به طور کامل تقلید از یک قاری را انجام داد باید تقلید را کنار بگذارد و تمام آنچه را که از تقلید آموخته و بدست آورده در تلاوتهای خود به نحو بدیع بکار برد و او آخر سفارش می کند که قاریان قرآنی اخلاق و رفتار قرآنی را رعایت کنند و به آن ملزم باشند و به پیش کسوتان در امر تلاوت احترام بگذارند و به آیات قرآن عمل کنند

منابع:

سازمان اوقاف و امور خیریه

سایت حوزه ، نشریه ی بشارت

جامعه القرآن الکریم

مجله راه قرآن ش ۲۱

قرآن پژوهان قزوین ، مولف سید محمد علی ایازی

برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، تهیه و تدوین: دکتر محسن تهرانی زاده ، ،

هفته نامه حدیث ، دوشنبه نهم مرداد ۱۳۷۴ ، سال سوم ، شماره ۱۸